

در معرفی مولانا اسد الله الغالب

علی بن ابی طالب علیه السلام

سید محسن طیب نیا

مثنوی حیدری : اشعاری دل انگیز، شورانگیز و شعورآفرین

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : مثنوی حیدری : اشعاری دل انگیز، شورانگیز و شعورآفرین/ سیدمحسن طیب نیا.

مشخصات نشر : قم: رسالت، 1394.

مشخصات ظاهری : 184ص.؛ 21/5 ×14/5س م.

شابک : 978-964-6838-72-7

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق -- احادیث

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. -- شعر

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. -- فضایل

موضوع : شعر فارسی-- قرن 14

موضوع : شعر مذهبی فارسی -- قرن 14

موضوع : احادیث شیعه

رده بندی دیویی : 8فا1/62

رده بندی کنگره : PIR8352 /ی25 م2 1394

سرشناسه : طیب نیا، سیدمحسن، 1355 -

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

شماره کتابشناسی ملی : 4059516

ص: 1

اشاره

چاپ اول / 1500 / 1394 نسخه

چاپخانه اشراق

شابک : 978 - 964 - 6838 - 72 - 7

قیمت : 90000 ریال

صندوق الکترونیکی مؤلف : mohsentayyeb110@gmail.com

تلفن مرکز پخش قم : 025) 37832332)

ص :2

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیم

این اثر ناچیز را تقدیم می کنم

به وجود مقدّس حضرت ولیّ عصر علیه السلام

مگو دیگر تو را با ما چه کار است

که چشمم از فراقت سوگوار است

بیا بشنو ز دل ای یوسف حُسن

که نجوایش دمادم یار یار است !!

فهرست

ص: 6

مقدّمه

در احادیث شیعه و سنّی درباره مقام بسیار والا و بی نظیر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده است :

لَوْ أنَّ الغِیاضَ اَقْلامٌ ، والبَحْرَ مِدادٌ ، والجِنَّ حُسّابٌ ، والْإِنْسَ کُتّابٌ ، ما أحْصَوْا فضائلَ علیٍّ بنِ ابی طالب علیه السلام .(1)

اگر درختان قلم ، و دریاها مداد ، و پریان حساب گر ، و آدمیان نویسنده باشند ، فضائل علیّ بن ابی طالب را نتوان به حساب آورند .

آری ، طبق این سخن نورانیِ حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله فضائل مولا علی بن ابی طالب علیه السلام بی نهایت است و هیچ کس نتواند فضائل و مناقب آن حضرت علیه السلام را به تمامه بازگو کند .

بنابراین امت اسلام - چه شیعه و چه اهل سنّت - همگی معترف به فضائل بی مثال و بی مانند حضرت مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام هستند .

1- 1) مناقب خوارزمی ، ص 32 ؛ کفایه الطالب ، ص 75 ؛ فرائد السمطین ، ص 231 ؛ لسان المیزان ، ص 202 و ...

اکنون به چند حدیث دیگر که بزرگان اهل سنت در کتب خویش ، درباره مقام والای حضرت اسداللَّه الغالب علیه السلام نقل نموده اند ، توجه فرمائید :

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله :

أَنَا مدینَهُ العِلم وعَلیٌّ بابُها ، فَمَنْ أرادَ العلمَ فَلْیَأْتِ بابَهُ .(1)

من شهر علمم و علی باب آن است ؛ پس هر کس علم می خواهد از درش آید .

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله :

أَنَا مدینَهُ الجَنَّهِ وعلیٌّ بابُها ، فمَن أرادَ الجَنَّهَ فَلْیَأْتِها مِنْ بابِها .(2)

من شهر بهشتم و علی باب آن است ؛ پس هر کس بهشت می خواهد باید از درش آید .

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله :

عَلیٌّ بابُ عِلمی ومُبَیِّنٌ لِاُمَّتی ما اُرْسِلْتُ بِهِ مِنْ بَعدی ؛ حُبُّهُ ایمانٌ وبُغْضُهُ نِفاقٌ، والنَّظَرُ اِلیهِ رَأفَهٌ ومَوَدَّتُهُ عِبادَهٌ.(3)

علی باب علم من است ، و بیان می کند برای امت من پس از من

1- 2) تاریخ بغداد ، ج 4 ، ص 348 ؛ مناقب ابن مغازلی ، ص 81 ؛ حاکم نیشابوری ، ج 3 ، ص 127 ؛ البدایه والنهایه ، جزء هفتم ، ص 359 ؛ مجمع الزّوائد ، ج 9 ، ص 114 ؛ ذخائر العقبی ، ج 1 ، ص 77 ؛ جامع الاصول ، ج 9 ، ص 472 و ...
2- 3) مناقب ابن مغازلی، ص 86 ؛ ینابیع الموده، ص 73 ؛ تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، ج 2، ص 457 و ...
3- 4) صواعق المحرقه ، ص 73 ؛ اسعاف الرّاغبین ، ص 171 ؛ ینابیع الموده ، ص 282 ؛ کنز العمّال ، ج 11 ، ص 416 و ...

رسالت مرا ، دوستی علی ایمان است و دشمنی علی نفاق است ، و نظر سوی علی رأفت است ، و دوستی علی عبادت است .

قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله :

أنا وعلیٌّ مِن شَجَرهٍ واحِدَهٍ والنّاسُ مِنْ أشْجارٍ شَتّی .(1)

من و علی از یک درختیم و سایر مردمان از درختان دیگر .

قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله :

یا علی ! أنتَ مِنّی وأنا منک .(2)

ای علی تو از منی و من از تو هستم .

قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله :

علیٌّ مَعَ الحقِّ والحقُّ مَعَ علیٍّ .(3)

علی همیشه با حق است و حق همیشه با علی است .

قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله :

عنوانُ صحیفَهُ المؤمنِ حبُّ علیّ بن ابی طالب .(4)

1- 5) تاریخ مدینه دمشق ، ج 42 ، ص 65 ؛ ینابیع الموده ، ص 113 ؛ کنز العمّال ، ح 32936 ، الدر المنثور ، ج 4 ، ص 44 ؛ ذخائر العقبی ، ص 16 و ...

2- 6) صحیح بخاری ، ج 3 ، ص 168 ؛ مستدرک علی الصحیحین ، ج 3 ، ص 120 ؛ سنن الکبری ، ج 8 ، ص 50 و ...

3- 7) تاریخ بغداد ، ج 14 ، ص 323 ؛ مجمع الزوائد ، ج 7 ، ص 235 ؛ تاریخ دمشق ، ج 42 ، ص 449 ؛ مناقب ابن مردویه ، ص 113 ؛ کنز العمّال ، ج 5 ، ص 30 و ...

4- 8) الصواعق المحرقه ، ج 1 ، ص 193 ؛ مناقب ابن مغازلی ، ص 243 ؛ تاریخ دمشق ، ج 5 ، ص 230 و ...

در روز قیامت ، برجسته ترین چیزی که در کارنامه مؤمن مشاهده می شود ، عشق ورزیدن به علی بن ابی طالب است .

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله :

شیعهُ عَلِیٍّ هُمُ الفائزونَ یوم القیامه .(1)

شیعیان علی همان رستگاران روز قیامت اند .

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله :

أعلمُ اُمّتی من بعدی ، علی بن ابی طالب .(2)

علی بن ابی طالب بعد از من عالم ترین فرد این امت است .

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله :

لَوِ اجْتَمَعَ النّاسُ علی حُبِّ علیٍّ بن ابی طالب لَما خَلَقَ اللّهُ النّارَ .(3)

اگر مردمان بر محبّت علی بن ابی طالب یکدل می شدند ، خداوند جهنم را خلق نمی کرد .

و صدها حدیث معتبر دیگری که دانشمندان اهل سنت درباره مناقب والای حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام نقل نموده اند .

البته حق علیّ بن ابی طالب علیه السلام زمانی ادا می شود که مسلمان او را به ص :10

1- 9) الدر المنثور ، ج 6 ، ص 397 ؛ شواهد التنزیل ، ج 1 ، ص 500 ؛ مناقب خوارزمی ، ص 113 ؛ المعجم الکبیر ، ج 6 ، ص 354 و ...
2- 10) کنز العمّال ، ح 32997 و ...
3- 11) مناقب خوارزمی ، ص 131 ؛ ینابیع الموده ، ص 213 و ...

عنوان جانشین و خلیفه بلافصلِ رسول خدا صلی الله علیه وآله بپذیرند و هیچ کس را بر آن حضرت علیه السلام مقدّم ندارند .

و افتخار ما شیعیان این است که این حقیقت را پذیرفته ایم و آن حضرت علیه السلام را بر همه انسان ها - بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله - مقدّم و برتر می دانیم .

با توجه به این احادیث معتبر نبوی در شأن مولا علی بن ابی طالب علیه السلام می گوئیم :

مطالبی که در این کتاب درباره وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیه السلام و فضائل بی کران آن به زبان شعر بیان شده ، نه تنها مبالغه نیست ؛ بلکه قطره ای از مناقب اسداللّٰه الغالب علیه السلام است .

ما در این مجموعه برای بیان مناقب مولا علی علیه السلام زبان شعر را انتخاب کرده ایم ؛ زیرا زبان شعر علاوه بر این که زبانی زیبا ، هنرمندانه و دلنشین است ؛ همچنین این زبان در ذهن مخاطب می ماند و به سختی فراموش می گردد .

اکثر اشعاری که بیان نموده ایم ، در حقیقت ترجمه آیات و روایات - در مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام - به زبان شعر است که ما در بسیاری از جاها در پاورقی ، روایات و اسناد آن را هم ذکر کرده ایم .

امیدوارم این مجموعه کوچک مورد مقبولیت حضرات معصومین علیهم السلام واقع گردد و ذخیره ای باشد برای فردای قبر و قیامت من و تمام عزیزانی که آن را می خوانند و این حقیر را از دعای خیرشان فراموش نمی کنند .

در پایان از استاد ادیب و ارجمند جناب حجهالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی معجزاتی - که از راهنمایی های ایشان در سرودن و ویرایش اشعار بسیار بهره مند شدم - کمال تشکر و امتنان را دارم .

یا مولا ! یا امیرالمؤمنین ! ای برادر رسول خدا صلی الله علیه وآله ما عاشقانت این را از عمق قلبمان می گوئیم :

گر به سجده کس هزاران سال شد

بی ولای مرتضی ابطال شد

ذرّه ای از خاک پای مرتضی

هر دو عالم را کند عرش خدا

نور حکمت از علی ظاهر شود

هر که جز این گوید او کافر شود

راه اقوم ، اصل برهان مرتضی است

تا قیامت روح قرآن مرتضی است

سید محسن طیب نیا

ص :12

بخش اول : مثنوی حیدری در منقبت مولی امیرالمؤمنین علیه السلام

اشاره

ص: 13

می نمایم ابتدا با نام او

تا ببندم با قلم احرام او

خلق را او از عدم آغاز کرد(1)

باب رحمت را سراسر باز کرد

1- 12) دو چیز از مهمترین اصول ادیان الهی است :1 - آفرینش آغاز و ابتدائی دارد و مخلوقات خدا قدیم نیستند .

هیچ کس را در مقامش راه نیست

هیچ کس از ذات او آگاه نیست (1)

ذات پاکش بی قیاس و بی مثال

در نیاید هیچ کس را در خیال(2)

1- 13) طبق معارف وحیانی انسان به هر کمالات و مقاماتی که برسد باز در مقام خدائی خدا ، هیچ راهی ندارد ؛ زیرا بین آن ذات مقدس و موجودات هیچ سنخیتی برقرار نیست و این حقیقت ناب در ده ها روایت اهل بیت علیهم السلام آمده است . به عنوان مثال امام رضا علیه السلام می فرماید : وکُنْهُهُ تفریقٌ بَیْنَهُ وَبینَ خَلْقِهِ ؛) بحار الانوار ، ج 4 ، ص 228) . کُنه خدا) ذات خدا (جداست از مخلوقاتش و او مباین مخلوقات خویش است . طبق این معارف توحیدی ، سخنان صوفیه در رابطه با فنای در ذات خداوند مردود است . فنای در ذات یعنی سالک در منتهای سیر و سلوکش چون قطره ای در دریای ذات الهی فانی و محو می شود .) قطره دریا می شود ! ! (

2- 14) این بیت شعر به دو اصل بسیار مهم توحیدی - که در معارف وحیانی آمده - اشاره کرده است :1 - ذات الهی را نمی توان به هیچ چیز مقایسه کرد ؛ زیرا او مثل و مانند ندارد ، همان گونه که قرآن می فرماید : » لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ « 2 - خیال و وهم و قوای دیگر ادراکی انسان هیچ گونه راهی به شناخت ذات خداوند ندارند و علت نیز همان است که گفتیم . بنابراین آنچه که انسان در رابط با ذات حق تعالی توهم ، خیال ، تعقّل یا شهود نماید ؛ آن چیزِ توهم یا شهود شده ، خدای واقع نیست ؛ بلکه خدای ساخته شده ذهن است . در این باره روایات فراوانی از امامان معصوم علیهم السلام به ما رسیده است ، به عنوان نمونه : در تحف العقول آمده که امام حسین علیه السلام می فرماید : إحْتَجَبَ عَنِ العُقولِ کَما إحْتَجَبَ عَنِ الأبصار . همان گونه که چشم ها راهی به سوی خدا ندارند ؛ عقل ها نیز این گونه اند . و می فرماید : ما تُصُوِّرَ فَهُوَ بِخلافه . هرگونه خداوند تصور و تعقّل شود او خلاف آن است . در توحید صدوق آمده که امام موسی کاظم علیه السلام می فرماید : هُوَ خِلافُ ما یُعْقَلُ وخلافُ ما یُتَصَوَّرُ . خداوند خلاف و غیر از آن چیزی است که تعقل و تصور می شود .

بنابراین معارف حقّه وحیانی ، سخنان فلاسفه صدرائی که وجود خداوند را به خورشید و یا نور بسیار قوی و وجود انسان و سایر پدیده ها را به نور شمع و یا نور ضعیف تشبیه می نمایند ؛) وحدت تشکیکی وجود (غیرقابل پذیرش است . آری ، خداوند متعال به هیچ چیز تشبیه نمی گردد و او بالاتر از تمثیل ها و قیاس های ساخته شده ذهن ما است ..

او »احد« ، » عالِم« ، »صمد « باشد مدام

ضعف در او ره نیابد والسلام (1)

او بدون فکر انشا می کند

هم بدون نقشه برپا می کند(2)

ص: 17

1- 15) در آیات متعدّدی از قرآن مجید خداوند متعال به این صفات توصیف شده است . والسلام یعنی : حرف اول و آخر ما این است که خداوند احد ، عالم و صمد می باشد .

2- 16) انشا می کند : خلق می کند . این سخن نیز از مهمترین مباحث توحیدی خاندان عصمت و طهارت علیه السلام است . حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید : أنْشَأَ الخَلْقَ إنشاءاً و ابْتَدَأَهُ إبْتداءً ، بِلا رَوِیَّهٍ أجالَها ولا تَجْرِبَهٍ اسْتَفادَها .) نهج البلاغه (خلقت را آغاز کرد و موجودات را بیافرید ، بدون نیاز به فکر و اندیشه ای ، و یا استفاده از تجربه ای . طبق این سخن امام علی علیه السلام) أنشأ الخلقَ انشاءاً وابتَدأه ابتداءً (عالم نمی تواند قدیم باشد ؛ زیرا موجودی که - جهت خلق آن - صاحب ابتدا باشد در زمان می گنجد و آغازی دارد و قدیم بودن موجود با آغاز داشتن آن غیرقابل جمع است . بنابراین فلاسفه که برخی از موجودات را (عقول) قدیم می دانند (هر چند قدیم زمانی)غیرقابل قبول است و این دیدگاه مخالف با دیدگاه توحید امامان معصوم علیهم السلام است .

او تجلّی کرد با آیات خویش

پس نگو هرگز سخن زین جمله بیش(1)

ص: 18

1- 17) او با آیاتش تجلّی کرد ، یعنی : عالم تجلّی فعل خداست . مصرع دوم یعنی : بیش از این سخن » که عالم تجلّی فعل خداست « چیزی نگو ! یعنی نگو عالم تجلّی ذات خداوندی است که این سخن باطل است ؛ زیرا زمانی که ثابت گردد عالَم هستی ، مباین با ذات الهی است و پدیده ها غیرخدا هستند ؛ دیگر صحیح نمی باشد که گفته شود : عالم تجلّی و ظهور ذات خداوند است ! ! صوفیه - که به وحدت وجود قائلند - عالم را تجلّی ذات خدا می دانند و با توجه به این عقیده پرستش هر چیز - حتّی بت - را پرستش خدا می نامند ! ! شبستری در گلشن راز می گوید : مسلمان گر بدانستی که بت چیست بدانستی که دین در بت پرستی است و نیز می گوید : من و ما و تو و او هست یک چیز که در وحدت نباشد هیچ تمییز زمانی که گفته شود عالم ظهور و تجلّی ذات خداست، یعنی خداوند به صورت اشیاء بروز کرده است و این همان وحدت وجود و موجود یا » همه چیز خدائی « است . ابن عربی با توجه بر این عقیده غلط - در فصوصش ، فص هارونیه - نه تنها برخلاف نصّ قرآن ، بت پرستی قوم موسی را کاملاً موجه جلوه می دهد ؛ بلکه هارون نبی علیه السلام - که مانع از گوساله پرستی قوم گردیده بود - را به نقص معرفت متهم می سازد و سپس می گوید : فإنّ العارف من یری الحق فی کلّ شی ء بل یراه عین کلّ شی ء . عارف کسی است که حق را در هر چیزی می بیند ؛ بلکه او را عین هر چیزی می بیند . ملاصدرا - که فلسفه خود را به عرفان ابن عربی متصل می کند - نیز می گوید : کذلک هدانی ربّی بالبرهان النّیّر العرشی إلی صراط مستقیم من کون الوجود والموجود منحصراً فی حقیقه واحده ... ولیس فی دار الوجود غیره دیّار ، وکلّما یترآی فی عالم الوجود أنّه غیر الواجب المعبود إنّما هو من ظهورات ذاته وتجلّیّات صفاته الّتی هی فی الحقیقه عین ذاته ... فکلّ ما تدرکه فهو وجود الحقّ فی أعیان الممکنات .) اسفار اربعه ، ج 2 ، ص 292 . این چنین مرا پروردگارم با برهان آسمانی به سوی صراط مستقم هدایت فرمود که وجود و موجود و آنچه که هست منحصر در یک حقیقت واحد] یعنی خدا [است و در دار حقیقت موجودی جز خدا وجود ندارد و دیگر موجودات نیز فقط عبارت از تجلّی و ظهور ذات و صفات او می باشند که در حقیقت ، آن ها عین ذات خدا هستند ؛ بنابراین

هر چه را که درک می کنی آن وجود خداوندی است به صورت ممکنات .
همان گونه که بیان شد این عقاید مغایرت کامل با تعالیم انبیاء الهی و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام دارد ؛ زیرا آنان خدائی را به مردم معرفی کردند که خالق اشیاء و مباین با آن هاست. پس طبق تعالیم وحیانی باید گفت که عالم تجلّی فعل خداست. اکنون از امیرالمؤمنین علیه السلام بشنوید : الحمدُ للّهِ الّذی المُتَجَلّی لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ .) بخشی از خطبه 108 ، نهج البلاغه (سپاس خدایی را سزاست که با آفرینش مخلوقات بر انسان تجلّی کرد . در این سخن نورانی کاملاً مشخص است که مقصود از تجلّی ، تجلّی فعلی خداوند) همان خلقت مخلوقات (است نه تجلّی ذاتی که اهل تصوف می گویند . البته این را هم بگوئیم : چون خلقت خداوند - طبق ده ها روایت معصومین - » لا مِنْ شی ء « است ؛ بنابراین مقصود از تجلّی فعلی خداوند متعال ، همان ایجاد اشیاء بدون ماده و نقشه و طرّاحی قبلی می باشد .

نی برایش جسم دان ، ای اهل هوش !

او ببیند ، بشنود بی چشم و گوش(1)

ص: 19

1- 18) خداوند مادی و جسم نیست ؛ زیرا ماده و جسم هم محدودند و هم محتاج مکان . اما ذات خداوند متعال نه محدود به حدودی است و نه احتیاج به مکان دارد . موجودی که حدّی معین ، و مکان دار باشد ، خودْ مخلوق است و نمی تواند خدا باشد . بنابراین خداوند عاری از صفات مخلوقات است . امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید : ... خداوند شنواست بدون وسیله شنوایی و بیناست بی آنکه چشم گشاید و برهم نهد ... او جدا و مباین با موجودات است و بر آن ها چیره و توانا است . هر که خداند را با صفات مخلوقات وصف کند محدودش کرده و آن که محدودش کند ، او را به شمارش آورده و آن که خدا را به شمارش آورد ، ازلیت او را باطل کرده است . کسی که بگوید خداوند چگونه است ؟ او را توصیف کرده و هر که بگوید خدا کجاست ؟ مکان برای او قائل شده است . خداوند عالم بود ، آنگاه که علومی وجود نداشت ؛ پرورنده بود آنگاه که پدیده ای نبود و توانا بود آنگاه که توانایی نبود .) نهج البلاغه ، بخشی از خطبه 123) حقیقتاً سخنان نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار بسیار عمیق و دلنشین و زیباست ؛ و هیچ کس جز امیرالمؤمنین علیه السلام نمی تواند خداوند را این گونه توصیف کند ؛ زیرا آن حضرت علیه السلام دروازه علم رسول خدا صلی الله علیه وآله است .

پس خدا را پاک از تشبیه دان

هر چه در وهم آیدَت ، او نیست آن(1)

ص: 20

1- 19) همان گونه که مطرح نمودیم ، تشبیه کردن خداوند به موجودات کاملاً غلط است و هر چه انسان در رابطه با خدا در ذهن آورد ، چیزی جز بافته های ذهن خویش نیست ؛ در حقیقت آن چیز ، خدای ساخته شده ذهن خود او است نه خدای واقع . دوباره از معصوم علیه السلام بشنوید : هُوَ خِلافُ ما یُعقَلُ وخلافُ ما یُتَصَوَّرُ فی الأوهام .) توحید صدوق ، ص 106) خداوند خلاف آن چیزی است که درباره آن اندیشه می شود و تصور می گردد . امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید : پندارها برای او صفتی نمی توانند پدید آورند و عقل ها از شناخت ذات او درمانده اند ؛ نه جزئی برای او می توان تصوّر کرد و نه تبعیض پذیر است و نه چشم ها و قلب ها) شهود قلب (می توانند به ذات او معرفت کسب کنند .) بخشی از خطبه 91) و در سخن بسیار عمیق و زیبای دیگری می فرماید : اوست خدای توانایی که اگر وهم وخیال انسان ها بخواهد برای درک اندازه قدرتش تلاش کنند ،] چه برسد تلاش برای درک ذات ! ! [و افکار بلند و دور از وسوسه های دانشمندان] علوم و معارف بشری [بخواهد ژرفای غیب ملکوتش را در نوردد و قلب های سراسر عشق مشتاقان ، برای درک کیفیت صفات او کوشش نماید و عقل ها با تلاش وصف ناپذیر از راه های بسیار ظریف و باریک بخواهند ذات او را درک کنند ، دست قدرت بر سینه همه نواخته ، بازگرداند ؛ که با فکر و عقل نارسای بشری نمی توان او را درک کرد . خدایی که پدیده ها را از هیچ) عدم (آفرید ، نمونه ای در آفرینش نداشت تا از آن استفاده کند یا نقشه ای از آفریننده ای پیش از خود ، که از آن در آفریدن موجودات بهره گیرد .) نهج البلاغه ، بخشی از خطبه 91) حقیقتاً تمام توحید ژرف در این سخن مبارک مولا امیرالمؤمنین علیه السلام دیده می شود .

ظلم اندر کار او نبوَد روا

کس جز این گوید ، بوَد عبد هوی.(1)

جای او نبوَد درون آسمان

او نگنجد در مکان و در زمان

ص: 21

1- 20) خداوند متعال هرگز به هیچ موجودی ظلم نمی کند ؛ زیرا منشأ ظلم ، یا جهل و نادانی است و یا ضعف و رذائل نفسانی و از آنجا که خداوند متعال کمال مطلق است و ضعف و ناتوانی و جهالت در ذات مقدّسش هیچ راهی ندارد ؛ بنابراین بر هیچ موجودی ذرّه ای ظلم نمی کند . خداوند در کلامش می فرماید : » إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكُنْ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْراً عَظِيماً «) سوره نساء ، آیه 40) . در حقیقت ، خدا هموزن ذرّه ای ستم نمی کند و اگر » آن ذرّه ، کارِ « نیکی باشد دو چندانش می کند ، و از نزد خویش پاداشی بزرگ می بخشد .

پس نگردد او عیان بر دیده ای

گر بگوئی دیده ام ، پُر خورده ای ! !(1)

عقل را نبوَد رَهی در ذات او

قلب هم باشد حقیر و مات او(2)

خلق شد (3)عالَم ، نه از روی نیاز

نافعش نبوَد(4) زِ ما صوم و نماز

1- 21) یعنی : هیچ چشمی نمی تواند خداوند را درک کند و اگر بگوئی من خدا را) چه در بیداری و یا چه در خواب (دیده ام ؛ بدان که پرخوری نموده ای و به هزیان گویی دچار گشته ای ! ! آری ، خداوند دیده نمی شود ؛ زیرا او جسم و یا جسمانی نیست و کاملاً مجرد از مکان و زمان و ویژگی های اشیاء است . قرآن درباره عدم رؤیت خداوند می فرماید : » لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ «) سوره انعام ، آیه 103) . چشم ها او را درنمی یابند و اوست که دیدگان را درمی یابد ، و او لطیفِ آگاه است .

2- 22) نه قوای عقل توان درک ذات الهی را دارند و نه قوای باطن مانند قلب و شهود می توانند نسبت به ذات الهی معرفت کسب کنند . و علت آن دو چیز است :1 - قوای انسان محدود است و ذات باری تعالی نامحدود ؛ و عقلاً محال است که محدود ، نامحدود را درک کند و نسبت به آن معرفت پیدا کند . 2 - بین خالق و مخلوق مباینت تمام برقرار است ؛ بنابراین چون ذات خداوند متعال همسنخ و همجنس مخلوقاتش نیست ؛ هیچ عقل و شهودی نمی تواند بر آن دست یابد . احادیث در این باره متعدد است که برخی از آن ها را برای نمونه در مباحث پیشین آوردیم .

3- 23) خلق شد : خلق کرد .

4- 24) نافعش نبود : خداوند از نماز و روزه و عبادات ما هیچ نفعی نمی برد ؛ زیرا او بی نیازِ مطلق است .

او بوَد » رزّاق « » واهب « » ذو کرم «(1)

برطرف از لطف سازد هر اَلَم(2)

هر چه او ایجاد بنمودش ، بدان !(3)

هیچ نقصی را نمی بینی در آن(4)

گر بخواهی علم تو افزون شود

نیک بر خوان : » قل هو اللَّه أحد «(5)

مُلک او باقی است ، باقی تا ابد

باز بشنو : بی نیاز است و صمد

1- 25) فراوان در قرآن کریم خداوند به این صفات معرفی گردیده است .
2- 26) ضرّ و اَلَم : زیان و درد . در دعای جوشن کبیر آمده است : یا کاشِفَ الضُّرِّ والأَلَمْ ، یا عالِمَ السِّرِّ والهِمَمِ ، یا ربَّ البیتِ والحَرَمِ ، یا مَنْ خَلَقَ الْأَشیاءَ مِنَ العَدَمِ .
3- 27) آگاه باش .
4- 28) هر چه را خداوند متعال در عالم ایجاد نموده است ، حکیمانه و در مرتبه بالای اتقان و استحکام می باشد . خداوند در این باره در قرآن کریم می فرماید : » الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَیَاةَ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً وَهُوَ الْعَزِیزُ الْغَفُورُ × الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً مَا تَرَی فِی خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعْ الْبَصَرَ هَلْ تَرَی مِنْ فُطُورٍ «) سوره ملک ، آیات 2 و 3) . همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید ، و اوست ارجمند آمرزنده × همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید . در آفرینش آن خدای بخشایشگر هیچ گونه اختلاف و تفاوتی نمی بینی . باز بنگر ، آیا خلل و نقصانی می بینی ؟
5- 29) در احادیث وارده از معصوم علیه السلام آمده است که سوره مبارکه توحید ، بیان گر اوج معارف توحیدی است .

هر که گوید : » او بزاید «(1) کافِر است

آفریده خَلق را ؛ نی(2) صادر است

در ازل او بوُد و او با کس نبود

بعدها جلوه نمود(3) و دل ربود(4)

ص: 24

1- 30) در سوره مبارکه توحید هر گونه زایش از ذات الهی رَدّ و مورد ابطال قرار گرفته است : » لَمْ یَلِدْ « او نزائیده است .

2- 31) در تفکرات بشری مطرح می نمایند که خداوند معلولات را از ذات خود صادر می کند . می توان گفت که صدور نوعی زایش از ذات الهی است ؛ اما زایش لطیف ! ! که سوره مبارکه توحید ، هر گونه زایشی را ابطال نموده است . صدور از ذات خدا یعنی : خارج شدن اشیاء از ذات خداوند و بروز نمودن به صورت مخلوقات و معلولات . معنی بیت فوق : هر کس که معتقد باشد که خداوند زایش می کند او کافر است . آفرینش خدا و مخلوقات وی ، ایجاد شده خداوند هستند ، نه صادر شده از ذات خداوند .

3- 32) جلوه نمود : با آیات خویش که مخلوق او هستند عظمت خود را آشکار ساخت .

4- 33) در معارف وحیانی تنها ذات قدیم ، ذات خداوند متعال است و دیگر موجودات معدوم بودند و سپس ایجاد گردیدند . در تفکرات فلسفی که خداوند را از ازل علّت تامه می دانند ،) می گویند که علّت تام هرگز نمی تواند بدون معلول باشد (لاجرم عالَم را نیز قدیم معرفی می کنند و این در حالی است که در ده ها حدیث از نصوص دینی معتبر مطرح شده که ماسوی اللّه همگی حادث اند . این را هم بگوئیم : زمانی که عالَم قدیم باشد) هرچند قدیم زمانی (دیگر نمی توان مسأله خَلق را درباره آنان گفت و از این رو است که فلاسفه و عرفا از این واژه کم استفاده می کنند و مدام از واژه های تجلّی ، ظهور و صدور سخن می گویند .

او بوَد » قیّوم «(1) » باسط «(2) هر دو دست

آنکه دستش بسته داند هست پست(3)

در بیان نعمت های الهی

هفت گانه آسمان(4) را خلق کرد

در میانش اختران را خلق کرد

ص: 25

1- 34) قیوم : یعنی قوام دهنده ؛ خداوند برپا کننده و نگهدارنده عالم است .

2- 35) باسط: باز. باسط هر دو دست: هر دو دستش باز است؛ یعنی او صاحب قدرت است و مجبور نیست.

3- 36) اشاره ای دارد به قوم یهود که دستان خدا را بسته می دانستند . خداوند در قرآن کریم می فرماید : » وَقَالَتْ الْیَهُودُ یَدُ اللَّهِ مَغْلُولَهٌ غُلَّتْ أَیْدِیهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ یَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ یُنفِقُ کَیْفَ یَشَاءُ وَلَیَزِیدَنَّ کَثِیراً مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ طُغْیَاناً وَکُفْراً وَأَلْقَیْنَا بَیْنَهُمْ الْعَدَاوَهَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ کُلَّمَا أَوْقَدُوا نَاراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَیَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَسَاداً وَاللَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُفْسِدِینَ «) سوره مائده ، آیه 64) . و یهود گفتند : » دست خدا بسته است « . دستهای خودشان بسته باد . و به سزای آنچه گفتند ، از رحمت خدا دور شوند . بلکه هر دو دست او گشاده است ، هر گونه بخواهد می بخشد . و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده ، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود ، و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم . هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند ، خدا آن را خاموش ساخت . و در زمین برای فساد می کوشند . و خدا مفسدان را دوست نمی دارد .

4- 37) در آیات متعددی از قرآن کریم آمده است که خداوند متعال با قدرت کامله اش در بالای سرمان ، هفت آسمان تو در تو را ایجاد کرده است ؛ برای نمونه : » هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُمْ مَا فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً ثُمَّ اسْتَوَی إِلَی السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ «) سوره بقره ، آیه 29) . اوست آن کسی که آنچه در زمین است ، همه را برای شما آفرید سپس به آفرینش آسمان پرداخت ، و هفت آسمان را استوار کرد و

او به هر چیزی داناست . » وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنْ الْخَلْقِ غَافِلِينَ «) سوره مؤمنون ، آیه 17) . و به راستی ما بالای سر شما هفت راه آسمانی آفریدیم و از کار آفرینش غافل نبوده ایم . » فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِی يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِی كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظاً ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ «) سوره فصّلت ، آیه 12) . پس آنها را به صورت هفت آسمان ، در دو هنگام مقرّر داشت و در هر آسمانی کار مربوط به آن را وحی فرمود ، و آسمانِ این دنیا را به چراغها آذین کردیم و آن را نیک نگاه داشتیم این است اندازه گیریِ آن نیرومند دانا .

اخترانی را که خود یک عالَم اند(1)

در عجایب عقل ها را می برند

او زمین را بِستری هموار کرد(2)

آسمان را مملو از اسرار کرد

ص: 26

1- 38) خداوند در قرآن درباره عظمت ستاره های آسمان می فرماید : « وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ «) سوره بروج ، آیه 1) . سوگند به آسمانِ آکنده ز برج . » فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُوم × وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِیمٌ × إِنَّهُ لَقُرْآنٌ کَرِیمٌ «) سوره واقعه ، آیات 77 - 75) . نه » چنین است که می پندارید « ، سوگند به جایگاه های ویژه و فواصل معیّن ستارگان × اگر بدانید ، آن سوگندی سخت بزرگ است ! × که این » پیام « قطعاً قرآنی است ارجمند . » وَلَقَدْ زَیَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْیَا بِمَصَابِیحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُوماً لِلشَّیَاطِینِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِیرِ «) سوره ملک ، آیه 5) . و در حقیقت ، آسمان دنیا را با چراغهایی زینت دادیم و آن را مایه طرد شیاطین » قوای مزاحم « گردانیدیم و برای آنها عذاب آتش فروزان آماده کرده ایم .

2- 39) أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَاداً «) سوره نبأ ، آیه 6) . آیا زمین را گهواره ای نگردانیدیم ؟ » وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ × وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّی عَادَ کَالْعُرْجُونِ الْقَدِیمِ × لَا الشَّمْسُ یَنْبَغِی لَهَا أَنْ تُدْرِکَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّیْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَکُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ «) سوره یس ، آیات 40 - 38) . و خورشید به » سوی « قرارگاه ویژه خود روان است . تقدیرِ آن عزیز دانا این است × و برای ماه منزلهایی معین کرده ایم ، تا چون شاخکِ خشکِ خوشه خرما برگردد × نه خورشید را سِزَد که به ماه رسد ، و نه شب بر روز پیشی جوید ، و هر کدام در سپهری شناورند . » وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ «) سوره بروج (آیه 1) . سوگند به آسمانِ آکنده از برج .

آسمان را بی ستون افراشته(1)

نقص را با حکمتش برداشته(2)

خاک را با رحمتش آباد کرد(3)

قلب را با ذکر خود شاداب کرد

ص: 27

1- 40) خداوند در قرآن می فرماید : » خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَی فِی الْأَرْضِ رَوَاسِیَ أَنْ تَمِیدَ بِکُمْ وَبَثَّ فِیهَا مِنْ کُلِّ دَابَّهٍ وَأَنزَلْنَا مِنْ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِیهَا مِنْ کُلِّ زَوْجٍ کَرِیمٍ «) سوره لقمان ، آیه 10) . آسمانها را بی هیچ ستونی که آن را ببینید خلق کرد و در زمین کوه های استوار بیفکند تا » مبادا زمین « شما را بجنباند ، و در آن از هر گونه جنبنده ای پراکنده گردانیدو از آسمان آبی فروفرستادیم و از هر نوع » گیاه « نیکو در آن رویانیدیم .

2- 41) الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً مَا تَرَی فِی خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعْ الْبَصَرَ هَلْ تَرَی مِنْ فُطُورٍ × ثُمَّ ارْجِعْ الْبَصَرَ کَرَّتَیْنِ یَنقَلِبْ إِلَیْکَ الْبَصَرُ خَاسِئاً وَهُوَ حَسِیرٌ «) سوره ملک، آیات 3 و 4). همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید . در آفرینش آن » خدای « بخشایشگر هیچ گونه اختلاف » و تفاوتی « نمی بینی . باز بنگر ، آیا خلل و نقصانی می بینی ؟ × باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سویت بازگردد .

3- 42) یعنی : خاک بی ارزش را با نظر کردن به آن ارزش داد و از آن انسان آفرید . خداوند می فرماید : » کَیْفَ تَکْفُرُونَ بِاللَّهِ وَکُنتُمْ أَمْوَاتاً فَأَحْیَاکُمْ ثُمَّ یُمِیتُکُمْ ثُمَّ یُحْیِیکُمْ ثُمَّ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ «) سوره بقره ، آیه 28) . چگونه خدا را منکرید ؟ با آنکه مردگانی بودید و شما را زنده کرد باز شما را می میراند و باز زنده می کند و آن گاه به سوی او بازگردانده می شوید . » وَمِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَکُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنتَشِرُونَ «) سوره روم ، آیه 20) . و از نشانه های او این است که شما را از خاک آفرید پس بناگاه شما به صورت بشری هر سو پراکنده شدید .

ابر را می رانَدَش در آسمان

تا دهد بعد از قُنوطَش(1) ارمغان

میوه های گونَگون(2) پر مشتری

در بهشتش نیز مملوْ از پری(3)

ص: 28

1- 43) ناامیدی از آمدنش . بیت فوق به این آیه قرآن کریم اشارت دارد : » وَهُوَ الَّذِی یُنَزِّلُ الْغَیْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَیَنشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِیُّ الْحَمِیدُ «) سوره شوری ، آیه 28) . و اوست کسی که باران را - پس از آنکه مردم « نومید شدند - فرود می آورد ، و رحمت خویش را می گسترد و هموست سرپرست ستوده .
2- 44) گونَگون : گوناگون .
3- 45) پری : حور العین و همسران زیبای بهشتی . خداوند می فرماید : » وَبَشِّرِ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ کُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَهٍ رِزْقاً قَالُوا هَذَا الَّذِی رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهاً وَلَهُمْ فِیهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَهٌ وَهُمْ فِیهَا خَالِدُونَ «) سوره بقره ، آیه 25) . و کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند ، مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود که از زیر درختان آنها جویها روان است . هر گاه میوه ای از آن روزیِ ایشان شود ، می گویند : » این همان است که پیش از این نیز روزیِ ما بوده « . و مانند آن نعمتها برای آنها آورده شود و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند . » وَحُورٌ عِینٌ × کَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَکْنُونِ × جَزَاءً بِمَا کَانُوا یَعْمَلُونَ «) سوره واقعه، آیات 24 - 22). و حورانِ چشم درشت × مثل لؤلؤ نهانِ میانِ صدف ! × اینها پاداشی است برای آنچه می کردند .

خواب و بیداریّ ما الطاف اوست(1)

زندگی با یاد شیرینش نکوست(2)

بهر ما بسیار نعمت آفرید(3)

باش خائف از خدا چون شاخ بید(4)

1- 46) وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجاً × وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتاً × وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاساً × وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشاً «) سوره نبأ ، آیات 11 - 8) . و شما را جفت آفریدیم × و خواب شما را مایه آسایش گردانیدیم × و شب را برای شما پوششی قرار دادیم × و روز را برای معاش شما نهادیم .

2- 47) الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ «) سوره رعد ، آیه 28) . همان کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد . آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد .

3- 48) اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ × وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ × وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ «) سوره نحل ، آیات 34 - 32) . خداست که آسمانها و زمین را آفرید ، و از آسمان آبی فرستاد ، و به وسیله آن از میوه ها برای شما روزی بیرون آورد ، و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود ، و رودها را برای شما مسخّر کرد × و خورشید و ماه را - که پیوسته روانند - برای شما رام گردانید و شب و روز را نیز مسخّر شما ساخت × و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد ، و اگر نعمت خدا را شماره کنید ، نمی توانید آن را به شمار درآورید . قطعاً انسان ستم پیشه ناسپاس است .

4- 49) چون شاخ بید : مثل شاخه درخت بید که با اندکی باد به لرزش درمی آید ، انسان نیز باید با اندک گناهی بترسد و بر خود بلرزد . و این ترس چیز بدی نیست ؛ بلکه از نشانه های ایمان و یقین است . خداوند در قرآن می فرماید : » إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ «) سوره هود ، آیه 103) . قطعاً در این یادآوریها برای کسی که از عذاب آخرت می ترسد عبرتی است . آن

روز ، روزی است که مردم را برای آن گرد می آورند ، و آن روز ، روزی است که جملگی در آن حاضر می شوند . » وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِی وَخَافَ وَعِيدِ «) سوره ابراهيم ، آيه 14) . و قطعاً شما را پس از ايشان در آن سرزمين سكونت خواهيم داد . اين برای كسی است كه از ايستادن در محشر به هنگام حساب در پيشگاه من بترسد و از تهديدم بيم داشته باشد . » وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ × فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ «) سوره الرحمن ، آيات 47 - 46) . و هركس را كه از مقام پروردگارش بترسد دو باغ است × پس كدام يک از نعمتهای پروردگارتان را منكريد؟ » وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَی النَّفْسَ عَنْ الْهَوَی × فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِیَ الْمَأْوَی «) سوره نازعات ، آيات 41 - 40) . و امّا كسی كه از ايستادن در برابر پروردگارش هراسيد ، و نفس » خود « را از هوس باز داشت × پس جايگاه او همان بهشت است .

بس غنی باشیم(1) با إنعام(2) او

کس نگردد با گُنه أنعام(52) او

در مدح پیامبر اعظم و خاتم انبیاء محمّد مصطفی صلی الله علیه وآله

رحمهٌ للعالمین احمد بوَد(3)

برترینِ مرسَلین احمد بوَد(4)

ص: 30

1- 50) انسان هر چند ذاتاً فقیر الی اللَّه است ؛ اما باللَّه) به وسیله لطف و کرم الهی (غنی می باشد . خداوند متعال در قرآن می فرماید : » وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى «) سوره نجم ، آیه 48) . و هم اوست که شما را بی نیاز کرد و سرمایه بخشید .

2- 51)2 (52 . إنعام او : نعمت های او . . أنعام او : حیوانات او .

3- 53) وَمَا أَرْسَلْنَاکَ إِلَّا رَحْمَهً لِلْعَالَمِینَ «) سوره انبیاء ، آیه 107) . و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم .

4- 54) پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وآله به دو دلیل برترینِ انبیاء و رُسُل می باشد : ر1) وجود مقدّسشان خاتم پیامبران است ؛ چنانکه خداوند می فرماید : » مَا کَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِکُمْ وَلَکِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِیِّینَ وَکَانَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیماً «) سوره احزاب ، آیه 40) . محمّد پدر هیچ یک از مردان شما نیست ، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است . و خدا همواره بر هر چیزی داناست .

شافع امت بوَد روز جزا(55)

آفرین بر جان پاکش ، مرحبا !(1)

1- 56) إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِیِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً «) سوره احزاب ، آیه 56) . خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید ، بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید .

مرتضی با آن مقامش عبد اوست(1)

بهر حق ، او در دو عالم آبروست

او نبی بوُد و رسول و هم ولی(2)

زین سبب شد خادمش مولا علی

آسمان با نام او رفعت گرفت

بوالحسن در جای او شوکت گرفت(3)

برترین نعمت وجود مصطفی است

روی او آیینه وجه خدا

خاک پایش کُحلِ(4) چشم اَنبیاست

نزد او محبوب ، محبوب خداست

ص: 32

1- 57) تمام شیعیان مقام حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله را بالاتر از مقام امام علی علیه السلام می دانند ؛ لذا این تهمتی را که برخی به شیعه می زنند که شیعیان مقام و مرتبت امام علی علیه السلام را بالاتر از نبیّ مکرم صلی الله علیه وآله می دانند بی اساس و باطل است . روزی شخصی که متحیّر مقامات امیرالمؤمنین علیه السلام شده بود به آن حضرت عرض نمود : یا علی ! مقام تو بالاتر است و یا مقام رسول خدا ؟ امیرالمؤمنین علیه السلام به وی فرمود : أنا عَبْدٌ مِنْ عَبیدِ محمّد صلی الله علیه وآله .) کافی ، ج 1 ، ص 90) من غلامی از غلامان محمّدم .

2- 58) ولیّ : امام عالَمین .

3- 59) یعنی اگر مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام عالی ترین مقامات را در بین مخلوقات خدا به دست آورد به این علت بود که وی در جای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم قرار گرفت و جانشین آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم گردید .

4- 60) کُحْلِ چشم : سرمه دیدگان .

نورِ مطلق تا ابد قرآن اوست

اصل دین در هر زمان برهان اوست

اشک ریزانم به عشقت یا رسول !

دست بر رویم بکش جان بتول

اشاره ای به گوشه ای از فضائل اسداللّه الغالب مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام

در دو عالم نور حق مولا علی است

در مصاف کافران یکتا یلی است

ساقی کوثر ، امیر اولیا

وارث احمد بوَد در کیش ما

راه مولا عین راه مصطفی است

هر که در آن ره رود مرد خداست

بوی عطر مصطفی انفاس اوست(1)

آفِتاب کربلا عباس اوست

هر که نوشد جرعه ای از جام او

کیمیا دان تربت اقدام او(2)

ص: 33

1- 61) یعنی : هرگاه انفاس مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام فضائی را پر می کرد ، همگان بوی معطر رسول خدا صلی الله علیه وآله را استشمام می کردند .

2- 62) یعنی : هر کس سرِ پیاله ای از شراب معرفت امام علی علیه السلام را بنوشد ، خاک پایش کیمیا می شود و آن خاک را اگر بر آهن یا

مس بزنند تبدیل به طلا می گردد .

او بوَد خورشید دین در آسمان

نورافشانی کند در هر زمان

جنت المأوی ز خاک فرش او

کاخ ها افراشته تا عرش او(1)

آسمان در هر نماز مرتضی

با شعف می کرد بر او اقتدا(2)

تا ابد باران ترنّم سر دهد :

نیست از بَهر علی کُفواً أحَد(3)

با دَمی از آتش عشق علی

گشت عالم از خِفایش مُنجلی(4)

این سخن بر عاشقانش اظهر است :

دینِ احمد بی ولایش ابتر است

دشمنش را بدتر از کافر بدان

سرنگون گردد به دوزخ جاودان

1- 63) یعنی : بهشت جاوید خداوند با تبرک گرفتن از خاک فرش و گلیم منزل امیرالمؤمنین علیه السلام کاخ هایی را از طلا تا به عرش خداوند ساخته است .

2- 64) یعنی : هرگاه امیرالمؤمنین علیه السلام به نماز می ایستاد آسمان و ساکنان آن ، با عشق و شور و شعف بر آن حضرت علیه السلام اقتدا می نمودند و با امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نماز خویش را می خواندند .

3- 65) یعنی : باران با آهنگش برای همیشه چنین می خواند : برای علی علیه السلام همتایی نیست .
4- 66) یعنی : با ذرّه ای از محبت علی علیه السلام عالَم به اذن خدا از عدم به عرصه وجود آمد .

نیست در قلبش به جز حبّ ولی) عج (

کلُّ یَومٍ مَنْ یَقولُ یا عَلِی(1)

گفت احمد : می شود با کفر پیر

الَّذین نافَقونا فِی الغدیر(2)

کعبه با دستان او رفعت گرفت(3)

با جهادش دین حق قدرت گرفت(4)

بی علی دین نیست جز پندارها

با ولایش پی بری اسرارها

ص: 35

1- 67) یعنی : هر کس که هر روز مخلصانه ذکر » یا علی « را بگوید ، چنین شخصی در قلبش محبّت امام عصر علیه السلام را دارد . پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود : ذِکْرُ عَلیّ عِبادَهٌ) ینابیع المودّه ، ص 211) .
2- 68) یعنی : پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند که : هر کس درباره جانشینی علی علیه السلام در روز غدیر با ما خیانت و نفاق بورزد ، بداند که او با حالت کفر پیر می شود و می میرد .) مضمون بخشی از خطبه پیامبر صلی الله علیه وآله در غدیرخم (.
3- 69) مرحوم علّامه امینی در کتاب گرانسنگ » الغدیر « ، ج 7 ، از صفحه 10 تا 13 : منابع متعددی از اهل سنت را در مورد این واقعه ذیل بیان می فرماید : زمانی که مکه توسط پیامبر صلی الله علیه وآله و یارانش فتح شد ، پیامبر صلی الله علیه وآله در خانه کعبه اقدام به شکستن بت ها نمود ، قسمتی از بت های نصب شده بر داخل کعبه و یا بیرون آن به وسیله علی علیه السلام سرنگون شد . پیامبر صلی الله علیه وآله برای سرنگون ساختن بت های بالای بام کعبه به علی علیه السلام دستور داد تا بر دوشش قرار بگیرد و امام علی علیه السلام بر دوش مبارک پیامبر صلی الله علیه وآله قرار گرفت و بت بزرگ قریش را که از مس بود ، بر زمین افکند آن گاه به افکندن دیگر بت ها پرداخت .

4- 70) بر همه فِرَق اسلامی از روز آشکارتر است که اگر مجاهدت ها و رشادت ها و ایثارگری های علی علیه السلام در نبرد با کفار نبود ، اسلام نمی توانست پیشرفت کند .) برای دیدن مصادر آن از اهل سنت به کتاب » سیمای جهان تاب « مراجعه گردد (.

بر زبان جاری کن این ذکر جلی :

» یا علیٌّ « » یا علیٌّ « » یا علیّ «(1)

گر بخواهی یابی از حیدر نشان

با تدبّر یا أخی ! قرآن بخوان(2)

وصف او در کلّ قرآن جای شد

پرچم حق تا ابد برپای شد(3)

» هل أتی «(4) با » إنّما «(5) » مَنْ یَشْتری «(6)

نیک برخوان تا بگردی مشتری

1- 71) همان گونه که مطرح شد در منابع اهل تشیع و تسنن از رسول خدا آمده است که : ذِکرُ علیٍّ عبادَهٌ . درباره مشروع بودن توسل به اولیاء خدا ، در کتاب » عجایبی از صحاح « مستند و مفصل سخن گفته ام .) مؤلّف (

2- 72) چند صد آیه از آیات قرآن کریم درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام نازل شده است و این سخنی است که بسیاری از علمای اهل سنّت نیز به آن معترفند . از علمای بزرگ اهل سنت ، حاکم نیشابوری در کتاب ارزشمند » شواهد التّنزیل « بیش از 200 آیه از آیات قرآن کریم - از کتب پیشین اهل سنت - را می آورد که در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است . در ادامه ، برخی از این آیات را به زبان شعر در آورده ایم تا مشتاقان امیرالمؤمنین علیه السلام بیشتر بهره مند گردند .

3- 73) پرچم حق : وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام . معنی بیت : وصف حضرت علی علیه السلام در سراسر قرآن مشاهده می شود ؛ بنابراین مدح آن حضرت تا ابد باقی است ؛ زیرا قرآن ابدی می باشد .

4- 74) اشاره به سوره مبارکه دهر دارد که طبق روایات متعدد اهل تشیع و تسنن درباره وجود نازنین امیرالمومنین علیه السلام و خاندان او علیهم السلام نازل گردیده است .

5- 75) اشاره دارد به آیه شریفه : » إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلَاهَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاهَ وَهُمْ رَاکِعُونَ « ولیّ شما ، تنها خدا و

پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند : همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند .) سوره مائده ، آیه 55) . طبق روایات فراوان اهل تسنن و اهل تشیع این آیه در شأن امام علی علیه السلام نازل گردیده است ؛ آن زمانی که در رکوع نمازش ، انگشتری خویش را به سائلی داد .

6- 76) اشاره دارد به آیه 207 سوره مبارکه بقره که خداوند می فرماید : » وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاهِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ « . و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد ، و خدا نسبت به این بندگان مهربان است . طبق روایات فراوانی که شیعه و سنی نقل می کنند آیه فوق در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل گردیده ، آن زمانی که - هنگام هجرت رسول خدا صلی الله علیه وآله - از مرگ نهراسید و خطر را به جان خرید و در بستر رسول خدا صلی الله علیه وآله خوابید تا آن حضرت صلی الله علیه وآله به مدینه هجرت نماید . درباره این سه آیه به صورت مفصّل و با ذکر اسناد ، در کتاب » سیمای جهان تاب « سخن گفته ایم .

آیه » بلّغ «(1) پیامت می دهد

رنگ و بویی از امام ات می دهد

ص: 37

1- 77) مقصود آیه 67 ، سوره مبارکه مائده است که در غدیرخم جهت بیان امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بر قلب پیامبر نازل گردید . خداوند می فرماید : » یَا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکَافِرِینَ « (سوره مائده ، آیه 67) . ای پیامبر ، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای . و خدا تو را از گزندِ مردم نگاه می دارد . آری ، خدا گروه کافران را هدایت نمی کند . در کتاب سیمای جهات تاب از ص 324 تا 363 به صورت مفصّل و مستند در رابطه با این آیه و پیام غدیر سخن گفته ایم .

با تدبّر آیه » اکمال دین «(1)

خوب بنگر تا شوی اهل یقین

در دو عالم آیت الکبری است او

در حقیقت لایق زهرا است او

نَفْسِ احمد خوانَدَش پروردگار(2)

تا ابد وصفش به مُصحَف ماندگار

ص: 38

1- 78) اشاره به آیه 3 ، سوره مبارکه مائده دارد که بعد از معرّفی حضرتِ امیرالمؤمنین علیه السلام در غدیرخم ، بر پیامبر نازل گردید : » أَلْيَومَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِى وَرَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِيناً « . امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم ، و اسلام را برای شما به عنوان دین برگزیدم . اسناد متعدد این واقعه در مصادر اهل سنت ، در کتاب سیمای جهان تاب بیان شده است .

2- 79) خداوند متعال در داستان مباهله پیامبر صلی الله علیه وآله با نصارای نجران ، از امیرالمؤمنین علیه السلام به نَفْسِ پیامبر صلی الله علیه وآله یاد می کند : » فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنْ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ «) سوره آل عمران ، آیه 61) . پس هر که در این باره پس از دانشی که تو را حاصل آمده ، با تو محاجه کند ، بگو : بیایید پسرانمان و پسرانتان ، و زنانمان و زنانتان ، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباهله کنیم ، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم . در این رابطه در کتاب سیمای جهان تاب ، حکمت چهارم ، بحث جامعی شده است . پیامبر صلی الله علیه وآله نیز درباره وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید : خُلِقْتُ أنا وعلیّ مِن نورٍ واحدٍ . من و علی از یک نور آفریده شده ایم .) بحار الانوار ، ج 35 ، ص 34) . و فرمودند : » أنا وَعلیٌّ مِنْ شَجَرَهٍ واحِدَهٍ والنّاسُ مِنْ أشجارٍ شَتّی « . من و علی از یک درختیم و سایر مردم از درختان گوناگون .) ینابیع الموده ، ص 235) . ابن ابی الحدید معتزلی - از دانشمندان قرن

هفتم اهل سنّت - از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که آن حضرت صلی الله علیه وآله فرمود : کُنْتُ أنا وعلیٌّ نوراً بینَ یَدَیِ اللّٰهِ عزّ وجلّ قبلَ أن یَخلقَ آدمَ بأَرْبَعَهِ عشر ألفَ عامٍ ، فلمّا خَلقَ آدمَ قسم ذلک فیه وجعلهُ جُزئین ، فجزءٌ أنا وجُزءٌ علیّ .) شرح نهج البلاغه ، ج 2 ، ص 250) . من و علی نور واحدی بودیم نزد خدای عزّوجلّ قبل از چهارده هزار سال که خداوند آدم را بیافریند و چون آدم را آفرید آن نور را قسمت کرد و آن نور را دو جزء نمود : جزئی را من و جزئی را علی قرار داد . در صحیح بخاری در باب مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره علی علیه السلام فرمودند : یا علی ! أنتَ منّی وأنا مِنکَ . ای علی تو از منی و من نیز از تو هستم . این حدیث شریف که در مشهورترین کتب اهل سنت وجود دارد به تنهایی ولایت و خلافت بلافصل مولانا علی علیه السلام را اثبات می کند ؛ زیرا آن کس که وجودش از رسول خدا صلی الله علیه وآله هست سزاوار جانشینی آن عزیز صلی الله علیه وآله می باشد نه دیگران . احادیث متعددی در منابع شیعه و سنی آمده که پیامبر صلی الله علیه وآله و علی علیه السلام از نور واحدی خلق شده اند که می رساند هویت این دو عزیز بزرگوار علیهما السلام یکی است . در کتاب سیمای جهان تاب در حکمت نامه اول ، مفصّل در این رابطه بحث شده است .

» الّذین امنوا « در این کتاب

هست مصداق اتمّش بوتراب

» الّذین جاهدوا « را هم نگر

تا نگیری دامن غیرش دگر

هر کجا صحبت از ایثاری شود

اول و آخر به حیدر می رسد(1)

1- 80) یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام رکن و اساس و اصل ایثار است .

آن که در میثاق حیدر مانده است

ایزد او را اهل خشیت خوانده است(1)

آن که بودی روز و شب انفاق گر

در کلام حق علی بُد ، نی دگر(2)

چون خدا فرماید از اهل یقین

رأس آن باشد امیر المؤمنین(3)

ص: 40

1- 81) طبق روایات متعدد ، مقصود خداوند متعال از اهل خَشیت ، پیروان امیرالمؤمنین علیه السلام اند که در پیمان ولایت او پا برجا مانده اند و میثاق الهی را به پشت سر نیفکندند.

2- 82) خداوند در قرآن می فرماید : » الَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ سِرّاً وَعَلَانِیَهً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ «) سوره بقره ، آیه 274) . کسانی که اموال خود را شب و روز ، و نهان و آشکارا ، انفاق می کنند ، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند . در احادیث بسیاری - از اهل تشیع و تسنن - آمده است که این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است ؛ زیرا آن حضرت علیه السلام چهار درهم داشت ، درهمی را در شب و درهمی را در روز و درهمی را آشکار و درهمی را در نهان انفاق کرد و این آیه نازل شد . برای نمونه ، سیوطی - از علمای اهل سنت - در تفسیرش » الدّرّ المنثور « از ابن عباس روایت نموده که وی در تفسیر این آیه گفته است در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد که چهار درهم داشت ، یکی را در شب و دومی را در روز و سومی را پنهانی و چهارمی را علنی صدقه داد . برای اطلاع بیشتر به تفسیر » البرهان « تألیف مرحوم سید هاشم بحرانی ذیل آیه فوق مراجعه گردد .

3- 83) خداوند متعال در قرآن کریم ، هر جا از اهل یقین سخن بگوید ، در رأس آن امیرالمؤمنین علیه السلام مقصود است .

راسخانْ در علم(1) و اهل ذکر(2) کیست ؟

آن خداوندانِ سرّ و فکر کیست ؟

این علیّ و یازده فرزند اوست

این وصیّ و دوده دلبند اوست

» عَمَّ «(3) را بنگر چه غوغا می کند ؟ !

باطلان را خوب رسوا می کند !

ص: 41

1- 84) اشاره دارد به آیه 7 از سوره مبارکه آل عمران که خداوند از راسخان تمجید می کند و آنان را مفسران واقعی قرآن کریم معرفی می فرماید . طبق روایات فراوان راسخان در علم علی و اولاد او علیهم السلام هستند .) به سیمای جهان تاب ، حکمت نامه چهارم مراجعه گردد (.

2- 85) خداوند متعال در قرآن می فرماید : » وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِکَ إِلَّا رِجَالاً نُوحِی إِلَیْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ «) سوره نحل ، آیه 43) . در روایات متعدد آمده است که اهل ذکر علی و اولاد آن حضرت علیهم السلام می باشند .) به کتاب سیمای جهان تاب ، حکمت نامه چهارم مراجعه گردد (.

3- 86) خداوند متعال در سوره مبارکه نبأ) آیات 5 - 1) می فرماید : » عَمَّ یَتَسَاءَلُونَ × عَنْ النَّبَإِ الْعَظِیمِ × الَّذِی هُمْ فِیهِ مُخْتَلِفُونَ × کَلَّا سَیَعْلَمُونَ × ثُمَّ کَلَّا سَیَعْلَمُونَ « . درباره چه چیز از یکدیگر می پرسند ؟ × از آن خبر بزرگ × که درباره آن با هم اختلاف دارند × نه چنان است ، به زودی خواهند دانست × باز هم نه چنان است ، بزودی خواهند دانست . طبق روایات وارده » نبأ عظیم « ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که بسیاری نپذیرفتند و مورد اختلاف امت قرار گرفت .) کافی ، ج 1 ، ص 207) . خداوند به منکران امام علی علیه السلام در این سوره می فرماید : » کلّا سَیَعلمون « یعنی به زودی خواهند دانست که علی علیه السلام بر حق است و راه دیگران باطل است .

هر کجا از مخلصین گوید سخن

قصد او حیدر بوَد ای مُمتَحَن ! (1)

بوالحسن باشد صراط مستقیم(2)

غاصب حقّش بوَد فرد زَنیم(3)

سوی مشرق ، سوی مغرب روز و شب

گر عبادت ها کنی با صد ادب

مرتضی را گر نگیری رهنما

عبد شیطان بوده ایّ و خودنما

صابرانی که خدا تمجید کرد

راه و رسم و دینشان تأیید کرد

ص: 42

1- 87) ممتحَن : امتحان شده .

2- 88) اشاره دارد به آیه 6 از سوره مبارکه حمد : » اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیمَ « خدایا ! ما را به راه راست هدایت فرما . در روایات اهل تسنن و تشیع از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل گردیده که صراط مستقیم ، مقصود راه علی بن ابی طالب علیه السلام است .) تفسیر التبیان ، شیخ طوسی ، ج 1 ، ص 42 ؛ مجمع البیان ، طبرسی ، ج 1 ، ص 28) . بنابراین ما هر روز ده بار موظّفیم که از خداوند درخواست نمائیم که ما را در راه ولایت علی و اولاد آن حضرت علیهم السلام هدایت بگرداند . علاء الدین متّقی هندی - از علمای مشهور اهل سنت - در کتاب » کنز العمّال « از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمودند : إن تَوَلّوا علیّاً تَجدُوهُ هادیاً مهدیاً یَسْلُکُ بِکُم الطریقَ المستقیم .) کنز العمّال ، ح 32966) . اگر علی را به ولایت بگیرید او را هدایت کننده هدایت شده ای می یابید که شما را به طریق مستقیم) صراط مستقیم (هدایت خواهد نمود .

3- 89) زنیم : ناپاک زاد .

جز علیّ و آل او مصداق نیست

مثل آنان شمس در آفاق نیست

شیر حقْ آن شاهد پیغمبر(1) است

آن که او ساقیّ حوض کوثر است

خوانَدَش » خیر البریّه «(2) ربّ او

هم بوَد » خیر البشر «(3) بی گفتگو

ص: 43

1- 90) اشاره دارد به آیه 17 ، سوره مبارکه هود که خداوند می فرماید : » أَفَمَنْ کَانَ عَلَی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّهِ وَیَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ کِتَابُ مُوسَی إِمَاماً وَرَحْمَهً أُوْلَئِکَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ یَکْفُرْ بِهِ مِنْ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَکُنْ فِی مِرْیَهٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ وَلَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یُؤْمِنُونَ « . آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است و شاهدی از » خویشان « او ، پیرو آن است ، و پیش از وی » نیز « کتاب موسی راهبر و مایه رحمت بوده است » دروغ می بافد « ؟ آنان » که در جستجوی حقیقت اند « به آن می گروند ، و هر کس از گروه های » مخالف « به آن کفر ورزد آتش وعده گاه اوست . پس در آن تردید مکن که آن حقّ است » و « از جانب پروردگارت آمده است ولی بیشتر مردم باور نمی کنند . در روایات متعددی در کتب اهل تسنن و تشیع آمده است که مقصود از شاهد پیغمبر صلی الله علیه وآله در آیه فوق وجود مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد . زیرا آن وجود نازنین در دامان رسول خدا صلی الله علیه وآله پرورش یافت و اولین کسی بود که به آن حضرت صلی الله علیه وآله ایمان آورد و با تمام وجودش تا آخر عمر مبارک رسول خدا صلی الله علیه وآله حامی و مدافع جانانه آن حضرت صلی الله علیه وآله بود .) تفسیر الدّر المنثور ، جلال الدین سیوطی ، ذیل آیه فوق ، البحر المحیط ، ابوحیان اندلسی ، ج 5 ، ص 321 ، مجمع البیان ، طبرسی ، ج 2 ، ص 14 ، شواهد التنزیل ، حاکم نیشابوری ، ج 1 ، ص 307 و ...(.

2- 91) خداوند در قرآن می فرماید : » إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُوْلَئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ × جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا

الْأنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أبَداَ رَضِىَ اللّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِکَ لِمَنْ خَشِىَ رَبَّهُ «) سوره بینه ، آیات 8 - 7) . در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند ، آنانند که بهترین آفریدگانند × پاداشِ آنان نزد پروردگارشان باغهای همیشگی است که از زیر درختان آن ، نهرها روان است ، جاودانه در آن همی مانند خدا از آنان خشنود است و آنان نیز از او خشنود این پاداش برای کسی است که از پروردگارش بترسد . طبق روایات متعدد کتب اهل تشیع و اهل تسنن » خیر البریّه «) بهترین خلایق (امیرالمؤمنین علیه السلام و پیروان آن حضرت می باشند . جابر بن عبداللّه انصاری می گوید : هنگامی که آیه خیر البریّه نازل شد پیامبر صلی الله علیه وآله رو به علی کرد و فرمود : هُمْ أنتَ وشیعتُک تَرِدُ عَلَیَّ وشیعَتُکَ راضینَ مَرْضیّین .) شواهد التنزیل ، حاکم نیشابوری ، ج 2 ، ص 360) . : منظور از خیر البریّه تو و شیعیان تو می باشید . در روز قیامت تو و شیعیانت بر من وارد می شوید ، در حالی که هم خدا از شما راضی است و هم شما از خداوند راضی و خشنود هستید . این روایت در کتب دیگر اهل سنت نیز آمده است ؛ از قبیل : الصّواعق المحرقه ، ابن حجر هیثمی ، ص 96 ؛ تفسیر طبری ، ج 30 ، ص 171 ؛ نور الأبصار ، شبلنجی ، ص 110 ؛ مناقب خوارزمی ، ص 421 ؛ فتح الغدیر ، شوکانی ، ج 5 ، ص 464 .

3- 92) در احادیث متعددی آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام خیر البشر است : یا علیّ ! أنت خیر البشر ، من شکّ فیه إلّا کافر . علی خیرُ البشر و من أبی فقد کفر .) ینابیع المودّه ، شیخ سلیمان حنفی قُندوزی ، ص 273) . علیّ بن أبی طالب خیر هذه الاُمّه بعدی .) شرح احقاق الحق ، ج 4 ، ص 251) . هو خیر امّتی .) مناقب ، محمّد بن سلیمان کوفی ، ج 1 ، ص 387) .

بو الحسن فاروق اعظم(1) ، شیر حق

در رشادت برده از عالم سَبَق(2)

با » أطیعوا اللَّه «(3) شد حیدر قرین

پیروانش جملگی مردان دین

بهر احمد در میادینْ(4) آبروست

در میان امّتش » صدیق «(5) اوست

ص: 45

1- 93) فاروق اعظم : بزرگترین جدا کننده حق از باطل .
2- 94) سَبَق : پیشی و سبقت .
3- 95) اشاره دارد به آیه 59 سوره مبارکه نساء که خداوند اطاعت از » أولی الأمر « را در کنار اطاعت از خود و رسولش واجب نموده است : » یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُوْلِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْ ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ کُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ ذَلِکَ خَیْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِیلاً « . ای کسانی که ایمان آورده اید ، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید پس هر گاه در امری دینی اختلاف نظر یافتید ، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید ، آن را به » کتاب « خدا و » سنت « پیامبر او عرضه بدارید ، این بهتر و نیک فرجام تر است . در این باره روایات فراوانی از علمای اهل سنت نقل شده است که » أولی الامر « علی علیه السلام و اولاد آن حضرت می باشند .) جهت یافتن مصادر احادیث فوق به کتاب سیمای جهان تاب ، از ص 483 تا 496 مراجعه گردد (.
4- 96) میادین نبرد با کفار .
5- 97) در کتب اهل سنّت آمده است که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند : الصّدیقون ثلاثهٌ : » حبیب النّجار « مؤمن آل یاسین ، و» حزقیل « مؤمن آل فرعون ، و» علیّ بن ابی طالب « ثالثٌ وهُوَ أفضلهم .) مناقب ابن مردویه ، ص 313 ؛ الجامع الصغیر ، سیوطی ، ج 2 ، ص 115 ؛ مناقب ابن مغازلی شافعی ، ص 200 و ... (.

مصطفی خوانْدش امیرالمؤمنین(1)

نفس احمد(2) بوُد آن سردار دین

مُنْذِر است از جانب حق مصطفی

هادی امت بوَد شیر خدا(3)

1- 98) در احادیث متعدد از امامان معصوم علیهم السلام آمده است که این لقب فقط مختص علی علیه السلام است و کسی حق ندارد آن را روی خود بگذارد ؛ به عنوان نمونه : شخصی بر امام صادق علیه السلام وارد شد و گفت : سلام بر تو ای امیرالمؤمنین ! امام صادق علیه السلام ایستادند و فرمودند : همانا این اسم تنها مختص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است و هیچ کس صلاحیت آن را ندارد که به آن لقب نامیده شود .) مستدرک الوسائل ، ج 1 ، ص 400 ؛ بحار الانوار ، ج 37 ، ص 231) . لقب شریف » امیرالمؤمنین « را پیامبر صلی الله علیه وآله در روز غدیر خم از جانب خداوند به علی علیه السلام دادند .) به کتاب سیمای جهان تاب ، از ص 348 تا 363 مراجعه شود (.

2- 99) طبق آیه 61 سوره مبارکه آل عمران و روایات متعدد ، امیرمؤمنان علیه السلام نفس پیامبر است .

3- 100) خداوند در قرآن کریم می فرماید : » وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ «) سوره رعد ، آیه 7) . و آنان که کافر شده اند می گویند : چرا نشانه ای آشکار از طرف پروردگارش بر او نازل نشده است ؟ » ای پیامبر « تو فقط هشداردهنده ای ، و برای هر قومی رهبری است . در احادیث شیعه و سنی آمده است : هنگامی که آیه : » إنّما أنت مُنْذِر ... « بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد ، آن حضرت دست بر سینه مبارکشان نهاد و فرمودند : من منذِر هستم ،) بنیان گذار و شارع شریعت اسلام من هستم (و هر قوم و جمعیتی هدایت گری دارد . سپس دست بر سینه علی نهاد و فرمود : ای علی ! هادی تو هستی ؛ علاقمندان به هدایت به وسیله تو هدایت می شوند .) الدّر المنثور ، ج 4 ، ص 45 ؛ شواهد التنزیل ، ج 1 ، ص 298 ؛ مستدرک الصحیحین ، ج 3 ، ص 129 و ... (.

باب شهر علم(1) جز مولا که بود ؟

کان و بحر حلم جز مولا که بود ؟

جان احمد ، دست یزدان مرتضی است

کُنهِ تقوا ، روح فرقان مرتضی است

سوره توحید(2) و انسان(3) مرتضی است

یار احمد ، شیر میدان مرتضی است

1- 101) پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند : أنا مدینةُ العِلمُ وعلیٌّ بابُها ، فَمَنْ أرادَ العِلْم فَلْیَأتِ الباب . من شهر علمم و علی دروازه آن می باشد؛ پس هرکس جویای علم باشد باید از دروازه آن وارد گردد. حدیث بسیار مشهور فوق در منابع متعدّدی از کتب اهل سنت آمده است .) به کتاب سیمای جهان تاب ، حکمت 22 مراجعه گردد (.

2- 102) رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند : یا علی ! مثلُکَ مثلَ » قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ « مَن أحبّک بقلبِهِ فکأنّما قرأ ثلث القرآن ومن أحبّکَ بِقلبِهِ وَأعانک بلسانه فکأنَّما قَرَأَ ثُلُثَیِ القرآن ، ومن أحبّک بقلبه وأعانک بلسانه ونصرَک بِیدهِ فکأنّما قرأ القرآن کلّه .) خصال ، شیخ صدوق ، ج 2 ، ص 580 ؛ تفسیر نور الثقلین ، ج 5 ، ص 701) . ای علی ! تو به سوره » قل هو اللّه احد « می مانی ؛ هر کس قلباً تو را دوست داشته باشد ، مثل این است که یک سوم قرآن را خوانده باشد ، و هر کس تو را در دل دوست بدارد و به زبان یاریت رساند ، گویا دوسوم قرآن را خوانده باشد ، و هر کس تو را در دل دوست بدارد و به زبان کمکت کند و با عمل یاری ات رساند ، چنان است که همه قرآن را خوانده باشد .

3- 103) سوره انسان همان سوره دهر یا هل أتی است که درباره حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام نازل شده است .

بحر دانش ، جان جانان مرتضی است

روح قرآن ، رکن ایمان مرتضی است

راه اقوم(1) ، اصل برهان مرتضی است

فاش گویم : کلّ قرآن مرتضی است

در اُحد فریاد جبریل امین

» لا فتی إلّا علی «(2) را نیک بین

عاشقا !(3) روح القُدُس هم یار اوست

جبرئیل از زمره دربار اوست

ضربت حیدر به عَمرو(4) عبدُوَد

برتر از طاعات انس و جن بوَد

ص: 48

1- 104) اشاره دارد به آیه 9 سوره مبارکه إسراء .
2- 105) در جنگ احد جبرئیل امین علیه السلام آنچنان متحیّر از رشادت و فداکاری حضرت امیر علیه السلام گشته بود که مدام در آسمان فریاد می کشید : لا فتی إلّا علی ولا سیف إلّا ذوالفقار ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه ، ج 14 ، ص 251 ؛ و خوارزمی در کتاب مناقبش ، ص 223 ؛ و ابن اثیر در کتاب تاریخ کامل ، ج 2 ، ص 107 ؛ شیخ مفید در کتاب ارشاد ، ص 295 و دیگران نقل می کنند . در روز احد با فرار کردن مسلمین و رها نمودن رسول خدا صلی الله علیه وآله آنگاه که امیرالمؤمنین علیه السلام جانانه از جان رسول خدا دفاع می کرد ، مکرر از آسمان صدایی شنیده می شد که می گفت : لا فتی إلّا علی ولا سیف إلّا ذوالفقار و گوینده دیده نمی شد . از پیامبر صلی الله علیه وآله سؤال کردند که گوینده کیست ؟ فرمود : جبرئیل امین است .
3- 106) عاشقا ! : ای شیعیان عاشق مولا علی علیه السلام .

4- 107) اشاره دارد به نبرد جانانه امیر مؤمنان علیه السلام با پهلوان نامی و زورآور عرب به نام عمرو بن عبدوُد در جنگ خندق در سال پنجم هجری . در منابع شیعه و اهل سنت آمده است ، آنگاه که عمرو بن عبدوُد با ذوالفقار علی علیه السلام کشته شد ، پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود : ضربةُ عَلِیٍّ یومَ الخندَق أفضلُ مِن عبادهِ الثَقَلین إلی یوم القیامه . ضربتی را که علی بر عمرو بن عبدود در روز خندق زد ، برتر از عبادت تمام انسان ها و جنّی ها تا روز قیامت است . فلسفه این سخن پیداست ، چرا که در آن روز اسلام و قرآن ظاهراً بر لب پرتگاه قرار گرفته بود و بحرانی ترین لحظات خود را می پیمود ، کسی که با فداکاری خود بیشترین رشادت و ایثارگری را در میدان نشان داد و اسلام را از خطر حفظ کرد و تداوم آن را تا روز قیامت تضمین نمود ، آن حضرت علیه السلام بود . بنابراین عبادت همگان مرهون رشادت های مولا علی علیه السلام است .

برتر از آن تا قیامت تا ابد ! !

زین سبب گشته ملقّب به اسد(1)

» شیر حق « را نام جز حیدر نبُود(2)

زین جهت در آسمانها دل ربود

شاه مردان بر ولایت نصب شد

لیک حقّش بعد احمد غصب شد

غصب شد حقّش به دست ناکسان

آن ابرنا مردمان و کرکسان

هر که بی حیدر بمیرد کور باد

تا ابد از رحمت حق دور باد

1- 108) یعنی : آری ، رشادت علی علیه السلام در برابر عمرو و کشتن او برتری یافت از عبادت ثقلین) انس و جن (آن هم تا قیامت ؛ اکنون دانستی چرا خدا و رسولش او را اَسَد نامیدند ؟

2- 109) یعنی : هیچ کس به جز امیرالمؤمنین علیه السلام در عالم سزاوار آن نخواهد بود که وی را » شیر حق « نام گذاری کنند .

در میان اولیا اختر بوَد

در قیامت ساقی کوثر بوَد

او به فرمان نبی لبیک گفت(1)

بر خطر لبخند زد ، جایش بخفت(2)

در رشادت کس به گردش کی رسد ؟

در خداترسی به قدرش کی رسد ؟

شیر یزدان حیدر کرار او

بهر احمد بهترین سردار او

هر که بی مهرش بمیرد کور باد

با شیاطین تا ابد محشور باد

گر رود بر نیزه ها سرهایمان

باز هم گوئیم : او مولایمان

ص: 50

1- 110) همان گونه که قبلاً گفتیم طبق احادیث شیعه و سنی وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه السلام قبل از این که خداوند آسمان ها و زمین را بیافریند به صورت نور واحدی بودند و خدا را پرستش می کردند ، سپس این نور مقدّس دو بخش گردید .) به کتاب سیمای جهان تاب ، حکمت نامه اول مراجعه گردد (. معنای اولین کس با نبی لبیک گفت ، یعنی : اولین موجودی که با رسول خدا صلی الله علیه وآله در عالم نور به خدا لبیک گفت ، علی علیه السلام بود .

2- 111) آنگاه که امیرالمؤمنین علیه السلام در شب لیله المبیت ، خواست در بستر پیامبر صلی الله علیه وآله بخوابد و مهیّای مرگ گردد ؛ به رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود : آیا با این کارم شما زنده می مانید ؟

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند : آری یا علی ! علی علیه السلام با شنیدن این سخن خندید و به سجده افتاد و خدا را شکر نمود .) سیمای جهان تاب ، حکمت ششم (.

مصطفی او را برادر خوانده است

هر که بی حیدر بوَد درمانده است

گو که قرآن با علی معنا شود

چشم دل با ذکراو بینا شود

شیعیانش را بگو : آزادگان

آبرومند زمین و آسمان

بوی او عالم معطّر می کند

روی او عالم منوّر می کند

یک نخ از مویش ز عالم بیش باد

هر که منکر شد بر او صد نیش باد(1)

چهره اش زیباتر از یوسِف بوَد

علم مولا برتر از آصف (2) بوَد

علم آن حضرت کجا آصف کجا ؟(3)

روی وجه اللّٰه کجا یوسِف کجا ؟

1- 112) یعنی : یک نخ از موی سر مولا علی علیه السلام ارزشش از کلّ عالم بیشتر است ، و هر کس که انکار کند بدنش پر از نیش های مار و عقرب و گزندگان باد .

2- 113) علم امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار بیشتر از علم آصف بن برخیا باشد . آصف بن برخیائی که - به قول قرآن - با دارا بودن حرفی از اسم اعظم الهی و علمِ کتاب آسمانی ، توانست تخت بزرگ و باعظمت

بلقیس) پادشاه کشور یمن (را با چشم برهم زدنی در کاخ حضرت سلیمان علیه السلام بیاورد . داستان آن در سوره مبارکه نمل آمده است .
3- 114) در روایات آمده که علم آصف بن برخیا در مقایسه با علم علی علیه السلام همانند نمی در برابر دریاست .) سیمای جهان تاب ، حکمت نامه 22) .

شخص » مولانا « نباشد جز علی[1]

نه رئیس صنف رقص[2] و تنبلی

شخص مولانای ما جایی که هست

مولوی و غیر او هستند پست

هست در جایی که مولانای ما

ابن اعرابی است زیر پای ما[3]

عده ای دکّان به راه انداختند

از علی هم نردبانی ساختند

خرج سازد نام او را بهر خویش

تا برد با نام او کارش به پیش

کرده نامش را تنور نان خویش

او اسیر کشف و طنبور است و ریش

با فروش یا علی نان می خرد

اسم و رسم و موقعیّت می برد

ص :

1- 115) یعنی : شایسته نیست کسی جز امیرالمؤمنین علیه السلام را » مولانا « خواند .

2- 116) مقصود رقص سَماع صوفیه است که در مثنوی و سایر آثار مولوی به شدّت از آن دفاع و تمجید شده است و این در حالی است که اجماع علمای اهل بیت علیهم السلام رقص سماع را بدعت و حرام می دانند .

3- 117) یعنی : جایی که معارف مولا امیر المؤمنین علیه السلام است ، معارف و تفکرات بشری - مانند معارف مولوی و ابن عربی و غیره - که آمیخته با اشتباهات و انحرافات کوچک و بزرگ است را زیر پا می گذاریم) بی توجه هستیم (و فقط جیره خوار سفره معارف نورانی علی و اولاد طاهرینش علیهم السلام هستیم .

خود تهی از علم و تحقیق این گروه

از غرور و ادّعا مانند کوه

مثنوی می خواند و نی می زند

بی خبر کاو شرع را پی می زند(1)

از متانت ، از دیانت وین قبیل

اکتفا کردند بر یک مَن سبیل

شد ولایت دست ایشان ملعبه

راه می یابند بر هر مصطبه(2)

فرقه فرقه حال با خود می کنند

در خفا آن کار بی خود می کنند

قطب و تریاک است کار و سازشان

لیک ذکر یا علی آوازشان

نعره ها و خلسه ها و ذکر هو

خود نبرده از حقیقت رنگ و بو

خرقه و کشکول و دستار و سِتار

جای درس و اشک و تقوا و بحار(3)

نیست در قاموس اینان منکَری

هست معبودش خدای دیگری

1- 118) از پی می زند : از پایه و اساس می زند .
2- 119) مصطبه : سکو ، تخت ، سریر .
3- 120) مقصود کتاب شریف بحار الأنوار است .

از حسابیّ و کتابی غافل اند

از رساله از مسائل جاهل اند

نیست از قرآن و تفسیرش خبر

می رود با پیر(1) خود اندر سقر(2)

از صحیفه هست بیگانه ولی

خویش را جا می زند صاحب ولی

طالب نهج البلاغه نیست او

در عوض با سلسله می زیست او

جای جا از دین حق بربوده اند

جای جا بر دین حق افزوده اند

معنی بدعت همین باشد رفیق !

نیک بنگر با که پیمایی طریق ؟!

دین جعلی نیست دین مرتضی

دین شناسی کن از اول با وفا !

از فقیهانی که تقوا پیشه اند

در عمل در علم دین کوشیده اند

اخذ باید کرد دین مصطفی

راه باید رفت راه مرتضی

دین صوفی نیست راه مستقیم

رهروانش دور از اسلام عظیم

ص: 54

1- 121) مرشد و قطب .
2- 122) جهنم .

صد فلان شاه و فلان شاه و فلان

صد کرامت های کذب و بی نشان

نام عرفان بسته بر بازار خویش

دست شیطان داده اند افسار خویش

خانقه وا کرده مسجد بسته اند

بی شریعت نزد خود وارسته اند(1)

پیروِ مولا علی این است این ؟!

عارف و مرد و ولی این است این ؟!

خود علی بی زار از صوفی گری

صلح کلّ(2) و کارزار زرگری

هست بی زار از زرنگی شان علی

از دو رنگی و جفنگی شان علی

ص: 55

1- 123) این بیت اشاره دارد به این عقیده صوفیه : آنگاه که صوفی واصل ، به حقیقت دین رسید ، شریعت - که فقط ابزاری است جهت رسیدن به حقیقت - از وی ساقط می گردد و او کاملاً بی نیاز از نماز و روزه و غیره می شود . مولوی در مقدمه پنجم مثنوی می گوید : اذا وصلت الحقایق ، بطلت الشرایع ؛ یعنی : زمانی که حقیقت برای عارف سالک پدیدار شود ، شریعت از وی ابطال می گردد . اجماع علمای امت اسلام ، این تفکّر صوفیه را انحرافی و مخالف قرآن و سنّت بیان می دارند .

2- 124) صوفیه تمام راه ها و ایده ها و عقاید و مذاهب را بر حق می دانند ؛ به عنوان مثال ابن عربی می گوید : عقد الخلائق فی الاله عقایداً و انا اعتقدت جمیع ما عقدوه هر یک از خلایق درباره خداوند عقایدی دارند ؛

ولیکن من هرچه آنان عقیده کرده اند ، عقیده دارم .) فتوحات مکّیه ، ج 3 ، ص 175) .

مکتب مولاست ، مستور حجاب :

فلسفه ، عرفان ، مدرنیسم سراب(1)

این حُجُب نور حقیقت تار کرد

اهرم عقل بشر ناکار کرد

این سه تا شد دین قلاّبیّ ما

سفره رنگیّ و سیرابیّ ما(2)

این کجا و مکتب مولا کجا ؟ !

این کجا و مهدی زهرا کجا ؟ !

بوده آیا این مزخرف ها ز دین ؟ !

حاشَ لِلَّه یا امیرالمؤمنین !!

مکتب مولاست چیزی مستقل(3)

رو شناس آن را و غیر آب بِهِل(4)

هست آیات و حدیث و سیره ها

مکتب ناب حبیب دلربا

هم زیارات ، ادعیه ، هم معجزات

جملگی هستند انوار حیات

1- 125) معارف نورانی امیر المؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام پاک و مطهرش توسط حجاب فلسفه) تفکّرات یونانی (و عرفان) تصوف (و مدرنیسم سراب ، توسط بعضی مسطور شده است .

2- 126) در سه کتاب » ابن عربی از نگاهی دیگر « ، » معارف حقیقی در صحیفه سجادیه « ، » چه کسانی نمی فهمند؟ « در 1500 صفحه مباحث و عقاید غلط و انحرافی صوفیه و فلسفه التقاطی را با استنادات فراون به ده ها کتاب آنان و شروح متعدد این کتب بیان نموده ایم .

3- 127) یعنی مستقل و جدا از تفکرات بشری .

4- 128) رها ساز .

غیر اینها نیست آئین علی

گوش دل بسپار بر دین علی

بهر انسان این کفایت می کند

لیک شیطان هم غوایت(1) می کند

تا که راه دیگری پیش آورد

شخصْ حرف تازه از خویش آورد

مکتب مولا نماید منزوی

مبتلا سازد بشر بر کجروی

در اقالیم سخن یکتاست او(2)

خود سخن های علی غوغاست او

نور و عشق و شور و مستیّ و صفا

رَوح و شیرینیّ و شادیّ و بقا

حکمت و لطف و هدایت در هم است

نسخه دنیا و عُقبی با هم است

هرچه خیر است و سعادت اندر اوست(3)

بهر فرهنگ بشر هم آبروست

عشق مولا بر دلت آتش زند

غیر از او از راهِ حق می افکند

1- 129) گمراهی .
2- 130) یعنی : در میدان بلاغت و فصاحت و سخنان نغز ، امیرالمؤمنین علیه السلام یکتای عالمیان است .
3- 131) نهج البلاغه .

بوعلی ، عطّار ، حافظ ، مولوی

شیخ اکبر ،(1) شیخ صدرا ،(2) قونوی

آنچه اینان در معارف(3) گفته اند

سنگ را جای جواهر سفته اند(4)

دین و عرفان را نگیر از ناصبی

گر چنین کردی چو » ثانی «(5) غاصبی

نیست کس جز او که قلبم را رُبود

تا ببوسم خاک پایش در سجود

هم صفا ، هم مروه ، هم بیت الحرام

ذکرشان » مولا علی « باشد مدام

خاک پای قنبرش را ای نگار !

سرمه سان بر دیده کَش با افتخار

مولوی ! کمتر بگو : شمسم کجاست ؟!

هر کجا باشد بدان پا در هواست

1- 132) شیخ اکبر : محی الدین عربی .
2- 133) شیخ صدرا : ملاصدرا .
3- 134) عمده انتقادات به این بزرگان تفکّرات بشری ، بیشتر در حوزه خداشناسی و معارف توحیدی است ؛ امّا این بزرگان ادبیات و تفکّرات بشری ، در برخی از مباحث انسان شناسی و اجتماعی سخنان جالب و قابل استفاده متعددی نیز دارند .

4- 135) یعنی : هر چه این بزرگان معارف بشری در رابطه با خدا و جهان بینی توحیدی در کتب و رسائلشان گفته اند ، در حقیقت سنگ و کلوخ را به بند کشیده اند و جای جواهر به دیگران قالب کرده اند .

5- 136) ثانی : خلیفه دوم .

گر علی را مولوی ! بشناختی

شمس از اوّل رها می ساختی

شمس را در اسم گویندش چنین

چون دغلبازی که گویندش » امین «

چشم بگشا تا ببینی شمس کیست

بهتر از او در میان خلق نیست

شمس دین مولا امیرالمؤمنین

نورافشانی کند بر عالمین

از شب قدری که مولایم در آن

با شعف رو کرد سمتِ آسمان(1)

آسمان مسحور چشمان علی است

زین سبب دائم به دنبال ولی است

تا به هنگام ظهورش خم شود

صورت خود را بر اقدامش نهد

مصطفی آنگه که در معراج خویش

چون کشید او وصف حیدر را به پیش

بی محابا حوریان برپا شدند

اشک ریزان عاشق مولا شدند

جملگی گفتند با صوت جَلی :

» یا علیٌّ « » یا علیٌّ « » یا علی «

1- 137) حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام در شب نوزده ماه مبارک رمضان ، مکرر به آسمان نگاه می کرد و می فرمود : إنّا للّه وإنّا إلیه راجعون، ولا حول ولا قوه إلاّ باللّه ، اللّهمّ بارک لی فی الموت .

بوالحسن در قلب هر کس جای شد

ای خوشا ! جنّت در آن برپای شد

گر به سجده ، کس هزاران سال شد

بی ولایش جملگی ابطال شد

ذرّه ای از خاک پای مرتضی

هر دو عالم را کند عرش خدا

هر که با حیدرْ وَ آلش خصم شد

نام او بر روی دوزخ رسم شد

شمر را دوزخ خورَد با اشتها

هکَذا مَنْ رَدَّ وُلْدَ الْمُرتَضی(1)

دشمنانش در جهنم هیزمند

منکرانش قعر آتش کژ دمند(2)

ص: 60

1- 138) در روز رستاخیز ، دوزخ با نفس هایش شمر را می بلعد . همچنین کسانی که فرزندان علی علیه السلام را رد کنند و با آن ها خصومت نمایند نیز خوراک دوزخ اند .

2- 139) کسانی که با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام خصمانه برخورد می نمایند و راه مردم را بر ولایت آن حضرت می بندند ، مشمول این آیه هستند : » وَنَادَی أَصْحَابُ الْجَنَّهِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقّاً فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّکُمْ حَقّاً قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَیْنَهُمْ أَنْ لَعْنَهُ اللَّهِ عَلَی الظَّالِمِینَ × الَّذِینَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ وَیَبْغُونَهَا عِوَجاً وَهُمْ بِالآخِرَهِ کَافِرُونَ «) سوره اعراف ، آیات 45 - 44) . و بهشتیان ، دوزخیان را آواز می دهند که : ما آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود درست یافتیم

آیا شما » نیز « آنچه را پروردگارتان وعده کرده بود راست و درست یافتید ؟ می گویند : آری . پس آواز دهنده ای میان آنان آواز در می دهد که : لعنت خدا بر ستمکاران باد × همانان که مردم را از راه خدا باز می دارند و آن را کج میخواهند و آنها آخرت را منکرند .

آب جوشانْ گرزهای آتشین(1)

هدیه ای(2) بر خصم مَوْلَی المُوقنین !

هر چه آن بی آبرو زاری کند

هیچ کس نبوَد وِ را یاری کند(3)

ص: 61

1- 140) هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِی رَبِّهِمْ فَالَّذِینَ کَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِیَابٌ مِنْ نَارٍ یُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِیمُ × یُصْهَرُ بِهِ مَا فِی بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ × وَلَهُمْ مَقَامِعُ مِنْ حَدِیدٍ × کُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ یَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِیدُوا فِیهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِیقِ «) سوره حج ، آیات 22 - 19) . این دو گروه ، دشمنان یکدیگرند که در باره پروردگارشان با هم ستیزه می کنند ، و کسانی که کفر ورزیدند ، جامه هایی از آتش برایشان بریده شده است و از بالای سرشان آب جوشان ریخته می شود × آنچه در شکم آنهاست با پوست بدن شان بدان گداخته می گردد × و برای وارد کردن ضربت بر سر آنان گرزهایی آهنین است × هر بار بخواهند از شدت غم ، از آن بیرون روند در آن باز گردانیده می شوند که هان بچشید عذاب آتش سوزان را .

2- 141) هدیه ای : برای ریشخند جهنمیان کردن ؛ همان گونه که خداوند به جهنمیان می گوید : » ذُقْ إِنَّکَ أنتَ العزیزُ الکریم « . » إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ × طَعَامُ الْأَثِیمِ × کَالْمُهْلِ یَغْلِی فِی الْبُطُونِ × کَغَلْیِ الْحَمِیمِ × خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَی سَوَاءِ الْجَحِیمِ × ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِیمِ × ذُقْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْکَرِیمُ × إِنَّ هَذَا مَا کُنتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ «) سوره دخان ، آیات 50 - 43) . آری ! درخت زقّوم × خوراک گناه پیشه است × چون مسِ گداخته در شکم ها می گدازد × همانند جوشش آب جوشان × او را بگیرید و به میان دوزخش بکشانید × آن گاه از عذابِ آب جوشان بر سرش فروریزید × بچش که تو همان ارجمند بزرگواری ! × این است همان چیزی که درباره آن تردید می کردید .

3- 142) إِنَّ الْمُجْرِمِینَ فِی عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ × لَا یُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِیهِ مُبْلِسُونَ × وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَکِنْ کَانُوا هُمُ الظَّالِمِینَ × وَنَادَوْا یَا مَالِکُ لِیَقْضِ عَلَیْنَا رَبُّکَ قَالَ إِنَّکُمْ مَاکِثُونَ × لَقَدْ جِئْنَاکُمْ بِالْحَقِّ وَلَکِنَّ أَکْثَرَکُمْ لِلْحَقِّ کَارِهُونَ «) سوره زخرف ، آیات 78 - 74) . بی گمان ، مجرمان در عذاب جهنّم ماندگارند × عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و آنها در آنجا نومیدند ×

و ما بر ایشان ستم نکردیم ، بلکه خود ستمکار بودند × و فریاد کشند : ای مالک ، بگو : پروردگارت جان ما را بستاند . پاسخ دهد : شما ماندگارید × قطعاً حقیقت را برایتان آوردیم ، لیکن بیشتر شما حقیقت را خوش نداشتید .

هر چه نالد پاسخ آید : نوش باد

گم شو و بانگ سگت خاموش باد

سخت گیرد رَبْ از آنان انتقام

چون که می بستند راه حق مدام

از حرارت می شود رویش سیاه

شیعه در جنّت بوَد چون قرص ماه

شیعه بر مولا علی در اقتداست

بین تفاوت از کجا تا بر کجاست ؟ ![1]

حق تعالی می دهد پاداششان

خادمانی بهتر از داداششان[2]

ص: 62

1- 143) یعنی : دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام جایگاهشان در جهنم است ، اما شیعه چون بر امیرالمؤمنین علیه السلام اقتدا کرده است جایگاه او در بهشت پر نعمت ابدی خواهد بود ؛ اکنون بنگر بین این دو طایفه چقدر تفاوت است ! !

2- 144) یَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ × بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ × لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ × وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ × وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ «) سوره واقعه ، آیات 21 - 17) . بر گِردشان پسرانی جاودان به خدمت می گردند × با جامها و آبریزها و پیاله هایی از باده ناب روان × که نه از آن دردسر گیرند و نه بیخرد گردند × و میوه از هر چه اختیار کنند × و از گوشت پرنده هر چه بخواهند . » وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ × وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ × يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْساً لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ × وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ «) سوره طور ، آیات 24 - 21) . و کسانی که گرویده و فرزندانشان آنها را

در ایمان پیروی کرده اند ، فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی از کارهاشان را نمی کاهیم . هر کسی در گرو دستاورد خویش است × با هر نوع میوه و گوشتی که دلخواه آنهاست آنان را مدد و تقویت می کنیم × در آنجا جامی از دست هم می رُبایند و بر سرش هم چشمی می کنند که در آن نه یاوه گویی است و نه گناه × و برای خدمت آنان پسرانی است که بر گردشان همی گردند انگاری آنها مرواریدی اند که در صدف نهفته است .

نهرها پُر شیرْ با ساقی بوَد

اشتها و شیر هم باقی بوَد

هم عسل در چشمه ها باشد روان

هم شراب پاک می جوشد از آن(1)

ص: 63

1- 145) مَثَلُ الْجَنَّهِ الَّتِی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِیهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَیْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ یَتَغَیَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّهٍ لِلشَّارِبِینَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّی وَلَهُمْ فِیهَا مِنْ کُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَهٌ مِنْ رَبِّهِمْ کَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِی النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِیماً فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ «) سوره محمّد ، آیه 15) . مَثَلِ بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده چون باغی است که در آن نهرهایی است از آبی که رنگ و بو و طعمش برنگشته و جویهایی از شیری که مزه اش دگرگون نشود و رودهایی از باده ای که برای نوشندگان لذّتی است و جویبارهایی از انگبینِ ناب . و در آنجا از هر گونه میوه برای آنان فراهم است و از همه بالاتر آمرزش پروردگار آنهاست . آیا چنین کسی در چنین باغی دل انگیز مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می شود تا روده هایشان را از هم فروپاشد ؟ » وَدَانِیَهً عَلَیْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِیلاً × وَیُطَافُ عَلَیْهِمْ بِآنِیَهٍ مِنْ فِضَّهٍ وَأَکْوَابٍ کَانَتْ قَوَارِیرَ × قَوَارِیرَ مِنْ فِضَّهٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِیراً × وَیُسْقَوْنَ فِیهَا کَأْساً کَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِیلاً × عَیْناً فِیهَا تُسَمَّی سَلْسَبِیلاً × وَیَطُوفُ عَلَیْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَیْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤاً مَنثُوراً × وَإِذَا رَأَیْتَ ثَمَّ رَأَیْتَ نَعِیماً وَمُلْکاً کَبِیراً «) سوره دهر ، آیات 20 - 14) . و سایه های درختان به آنان نزدیک است ، و میوه هایش برای چیدن رام × و ظروف سیمین و جامهای بلورین ، پیرامون آنان گردانده می شود × جامهایی از سیم که درست به اندازه و با کمال ظرافت آنها را از کار در آورده اند × و در آنجا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد به آنان می نوشانند × از چشمه ای در آنجا که سلسبیل نامیده می شود × و بر گردِ آنان پسرانی جاودانی می گردند . چون آنها را ببینی ، گویی که مرواریدهایی پراکنده اند × و چون بدانجا نگری سرزمینی از نعمت و کشوری پهناور می بینی .

قصرها با نهرها پُر حوریان

ناز تن باشند زیبا بوریان(1)

هوش از سر می برد اندامشان

دائماً خود می روی در دامشان(2)

بگذری از هر خوشی گر در بهشت

لیک نگذر از پری ، حوری سرشت !!

گاه زیور از طلا بر تن کنند

گاه گُل در قصرها خرمن کنند(3)

با نگاهش گویدت : پیشم بیا

ای مُحبّ مرتضی ، ای پُر کِیا !(4)

ص: 64

1- 146) زیبا بوریان : حوریان بور زیبا .
2- 147) وَحُورٌ عِينٌ × كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ × جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ «) واقعه، 24 - 22). و حوران چشم درشت ، مثل لؤلؤ نهان میان صدف ! اینها پاداشی است برای آنچه می کردند . » وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ × كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ «) سوره صافات ، آیات 48 و 49) . و نزدشان دلبرانی فروهشته نگاه و فراخدیده باشند × از شدّت سپیدی گویی تخم شترمرغ زیر پَرند .
3- 148) خِرمن کنند : انباشته کنند .
4- 149) پُر کِیا : سرور ، پُر شکوه .

سینه ها(1) را تپّه های نرمْ گو

لعلِ لب(2) را چون لبوِ گرمْ گو

کامْ هر کس گیرد از آن حوریان

قرن ها مدهوش گردد در میان !!(3)

صد هزاران سال هم چون بگذرد

باز هم با عشق لذّت می برد(4)

جام ها بر او ببارد بی امان(5)

لَعل بوسد ،(6) جام گیرد توأمان(7)

1- 150) خداوند متعال در وصف سینه های همسران بهشتی می فرماید : « وکواعِبَ أتْراباً » (نبأ ، 33) . و پاداش بهشتیان دختران جوان با سینه های برجسته می باشد .

2- 151) لَعْل : جواهری قرمز رنگ که در شعر مقصود لب های سرخ زنان زیباروی بهشتی مقصود است .

3- 152) در روایات توصیف زنان بهشتی آمده است که بهشتیان آنگاه که از حوریان کام می گیرند سال های سال مدهوش لذّت آن کامجوئی می شوند .

4- 153) این سخن نیز برگرفته شده از روایات توصیف نعمت های بهشتی است .) اللّهم ارزُقنا (

5- 154) فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ × عَلَی سُرُرٍ مُتَقَابِلِینَ × یُطَافُ عَلَیْهِمْ بِکَأْسٍ مِنْ مَعِینٍ × بَیْضَاءَ لَذَّهٍ لِلشَّارِبِینَ × لَا فِیهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا یُنزَفُونَ × وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِینٌ × کَأَنَّهُنَّ بَیْضٌ مَکْنُونٌ «) سوره صافات ، آیات 49 - 43) . در باغهای پر نعمت × بر سریرها در برابر همدیگر می نشینند × با جامی از باده ناب پیرامونشان به گردش درمی آیند × باده ای سخت سپید که نوشندگان را لذّتی خاص می دهد × نه در آن فساد عقل است و نه ایشان از آن به بدمستی و فرسودگی می افتند × و نزدشان دلبرانی فروهشته نگاه و فراخدیده باشند × از شدّتِ سپیدی گویی تخم شترمرغ

زیر پَرند . » وَیُطَافُ عَلَیْهِمْ بِآنِیَهٍ مِنْ فِضَّهٍ وَأَکْوَابٍ کَانَتْ قَوَارِیرَ × قَوَارِیرَ مِنْ فِضَّهٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِیراً × وَیُسْقَوْنَ فِیهَا کَأْساً کَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِیلاً × عَیْناً فِیهَا تُسَمَّى سَلْسَبِیلاً «) سوره دهر، آیات 18 - 15). و ظروف سیمین و جامهای بلورین ، پیرامون آنان گردانده می شود × جامهایی از سیم که درست به اندازه و با کمال ظرافت آنها را از کار در آورده اند × و در آنجا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد به آنان می نوشانند × از چشمه ای در آنجا که سلسبیل نامیده می شود .

6- 155) لعل بوسد : لب های چون جواهر سرخِ حوریان را ببوسد .

7- 156) همزمان .

حور چون دیدی مگو جانم فدات !

او فدایت می شود ، افتد به پات

در جِنان از هر چه زودا بگذری

لیک نَتْوان چشم بربست از پری[(1)]

بهر توصیفش دلم بی تاب شد

قندْ در دل از بیانش آب شد

حور بینی قندِ دل وا[(2)] می شود

حال گو : در دل چه غوغا می شود ؟ ! ![(3)]

با امامان همنشینی چون کنی

لذّتی بر لذّتی افزون کنی[(4)]

تا ابد احساس آزادی کنی

گل بگویی ، بشنوی ،[(5)] شادی کنی

ص: 66

1- 157) یعنی : در بهشت از هر نعمتی بتوانی بگذری ؛ اما با آن توصیف دلربائی که خداوند از حوریان کرده است هرگز نمی توان بی خیال حوریان و پریان بهشت شد .

2- 158) وا می شود : سست می گردد و آب می شود .

3- 159) زمانی که قند در دل با این که احساسات ندارد با شنیدن وصف حور به رقص می آید و آب می شود ، اکنون بگو بر دل پر گداز چه خواهد گذشت ؟ ! !

4- 160) بهشتیان با همنشینی با امامان علیهم السلام بیشترین لذت را می برند .

5- 161) لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْواَ وَلَا تَأْثِيماَ × إِلّا قِيلاً سَلَاماَ سَلَاماَ «) سوره واقعه ، آيات 25 و 26) . در آنجا نه بيهوده اى مى شنوند و نه » سخنى « گناه آلود × سخنى جز سلام و درود نيست .

ربّتان راضی بوَد از کارتان

از مرام و دین و کار و بارتان(1)

اهل تقوا می رود در آن بهشت(2)

حاصل بذر ولایت را که کشت(3)

ای عزیزم ! ای نگارم ! ای جوان !

ای برادر ! ای مُحِب ! این را بدان :

گر هوای نفس(4) را اکنون کُشی

در بهشتش غرق گردی در خوشی

حور دنیا(5) را رها کن ای پسر !

بهترینش نبوَدش جز دردسر

خوشکلی شان باشد از رنگ و لعاب

این چنین حوری !! بوَد همچون سراب

1- 162) اکنون که به برکت ولایت علی علیه السلام خداوند راضی از مؤمنان است و آنان را وارد بهشت می کند ، پس برخیز و بر نام مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام گل بیفشان .

2- 163) إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازاً × حَدَائِقَ وَأَعْنَاباً × وَكَوَاعِبَ أَتْرَاباً × وَكَأْساً دِهَاقاً × لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْواً وَلَا كِذَّاباً × جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَاباً «) سوره نبأ ، آيات 36 - 31) . مسلّماً پرهيزگاران را رستگاری است × باغچه ها و تاکستانها ×و دخترانی همسال با سینه های برجسته × و پیاله های لبالب × در آنجا نه بیهوده ای شنوند ، و نه یکدیگر را تکذیب کنند × این است پاداشی از پروردگار تو ، عطایی از روی حساب .

3- 164) همان گونه که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند : الدّنیا مزرعهُ الآخره .
4- 165) هوای نفس : خواهش های حرام نفس .
5- 166) زنانی که با آرایش و پوشش نامناسب دلربائی می کنند و انسان را به وسوسه و گناه می کشانند .

گویم ات بی پرده : هان ! نادان مباش

بندِ(1) گیسوی پری رویان مباش

خواهرم ! امر است در قرآن : » حجاب «(2)

بی حجابی آتش و داغ و عذاب

نیست زیباییّ و لذّت ماندگار

لیک جُرم و آتشِ آن ، پایدار

خوف دار از آتش روز معاد

زلف هایت را مده در دست باد

ص: 68

1- 167) بندِ گیسو : در بندِ گیسو ، گرفتار گیسو .

2- 168) وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِی إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِی أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِینَ غَیْرِ أُولِی الْإِرْبَهِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِینَ لَمْ یَظْهَرُوا عَلَی عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ مَا یُخْفِینَ مِنْ زِینَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَی اللَّهِ جَمِیعاً أَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ «) سوره نور ، آیه 31) . و به زنان با ایمان بگو : دیدگان خود را از هر نامحرمی فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست . و باید روسری خود را بر گردنِ خویش فرو اندازند ، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم کیش خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که از زن بی نیازند یا کودکانی که بر عورتهای زنان وقوف حاصل نکرده اند ، آشکار نکنند و پاهای خود را به گونه ای به زمین نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد . ای مؤمنان ، همگی از مرد و زن به درگاه خدا توبه کنید ، امید که رستگار شوید .

آن که زلفش را نمایان می کند

قلب مردان را پریشان می کند

آن که ناز و تنگ(1) می پوشد به تن

بشنود با گوشِ جانش این سخن :

هر که در انظار(2) طنّازی کند

نزد نامحرم سبکبازی کند

در جهنم سخت می بیند عذاب

تو مرو سوی جهنم با شتاب

لذت این مستی و آمال دور

غافلان را می برد تا پای گور

دیده و دل را نگه دار از حرام

تا که یابی عالم امن و سلام

تا درون دل بوَد شیطان پست

می برد نور از دلت هر آنچه هست

هر دو چشمت را به دنیا باز کن

سوی درگاه خدا پرواز کن

چون که خود را شاه شاهان خوانده ای

خویش را از درگه او رانده ای

گر نمی خواهی شوی عبد هوس

نفس (3) خود را گیر و کن اندر قفس

ص: 69

1- 169) ناز و تنگ : نازک و تنگ .
2- 170) انظار : در جامعه .
3- 171)نفس : خواهش های نفسانی حرام .

گر بگیری عقل خود را رهنما

ابتدا باشد خدا تا انتها

چون که دل فارغ کنی از حبّ غیر

با مَلائک در جِنان یابی تو سیر(1)

تا بوَد غیر از خدا در روح و جان

دل نبیند آن چه باشد در نهان(2)

هر که ننهد گام را در راه دین

او چه باشد ؟ : مرده ای روی زمین !

هیچ دانی که چرا درمانده ای ؟

این چنین در زندگی وامانده ای ؟

چون که هستی غافل از یاد خدا

در مسیر طاعتش ننهاده پا

بند بگسل خود رها کن ای پسر !

تا خدا بر تو بفرماید نظر

حالیا با اشک چشم و آهِ دل

خود بشو بیرون بیا از آب و گل

بر نگاه مهدی ار قابل شوی

صاحب صد خرمن و حاصل شوی

1- 172) اگر قلب و جانت از عشقِ جز خدا خالی گردد) عشق به اولیاء خدا بازگشتش عشق به خداست (در باغ های بهشتی همراه ملائکه پرواز خواهی کرد .
2- 173) دل حقایق عالم را نمی بیند .

یک نگاهت گر کند مَهدی به مِهر

می کنی سیر سماوات و سپهر

وانگهی در آسمان ها شاد باش

در سبک باری بسان باد باش

وان سپس در عشق حق پرواز کن

فصل دیگر با خدا آغاز کن

این همه شور و شعف از بهر کیست ؟

آنچه آتش بر دلم افکنده چیست ؟

باز از حیدر بگویم عاشقا !

در ثنایش » خَرَّ مُوسی صَعِقا «(1)

ای خوشا آنان که هر دم حرفشان

هست از نعت علی گوهرفشان

آفِتاب دین ، امیرالمؤمنین

او بوَد باب خدا در عالمین

1- 174) برگرفته از آیه : » وَلَمَّا جَاءَ مُوسَی لِمِیقَاتِنَا وَکَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِی أَنظُرْ إِلَیْکَ قَالَ لَنْ تَرَانِی وَلَکِنْ انظُرْ إِلَی الْجَبَلِ فَإِنْ اسْتَقَرَّ مَکَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِی فَلَمَّا تَجَلَّی رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَکّاً وَخَرَّ مُوسَی صَعِقاً فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَکَ تُبْتُ إِلَیْکَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِینَ «) سوره اعراف ، آیه 143) . و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت ، عرض کرد : پروردگارا ، خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم . فرمود : هرگز مرا نخواهی دید ، لیکن به کوه بنگر پس اگر بر جای خود قرار گرفت به زودی مرا

خواهی دید . پس چون پروردگارش به کوه جلوه نمود ، آن را ریز ریز ساخت ، و موسی بی هوش بر زمین افتاد ، و چون به خود آمد ، گفت : تو منزهی ! به درگاهت توبه کردم و من نخستین مؤمنانم .

هر چه گویم در ثنای مرتضی

او بوَد برتر از این توصیف ها

در عبادت نیست کس همچون علی

در نماز او بوَد حق مُنجلی

نوح ، آدم ، شیث ، ابراهیم ، هود

همچنین هر مرسَلی هر جا که بود

با توسّل بر علی ذاکر شدند

بهر نعمت های حق شاکر شدند(1)

اسم اعظم حضرت مولاستی

نی خدا ، بل آیت کبراستی

بهر یزدان حیدر عبد مطلق است

هر که یزدانش بخواند احمق است

دائماً با حق بوَد شیر خدا

همچنین حق هم بوَد با مرتضی(2)

ص: 72

1- 175) به کتاب علی علیه السلام و پیامبران ، نوشته : حکیم سیالکوتی ، ترجمه سید محمّد مختاری مراجعه گردد. در این کتاب نویسنده شواهد و اسناد جالبی را در این باره ذکر می کند .

2- 176) پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله درباره حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید : علیٌّ مَعَ الحقّ والحقُّ مَعَ علیٍّ یَدوُرُ مَعَهُ حیثُما دار . علی با حق است و حق نیز با علی می باشد و هر جا علی بگردد او هم با علی می گردد . این حدیث به صورت گسترده در منابع اهل سنت آمده

است .) به کتاب سیمای جهان تاب ، حکمت نامه هشتم از ص 224 تا 230 مراجعه گردد (.

پرچم دین تا ابد در دست اوست

بیت ایمان و یقین پا بستِ اوست[(1)]

دائماً در روز و شب در هر سجود

هر مَلَک بر مرتضی دارد درود

می فروشد فخر بر اهل یقین

با وجود مرتضی جان آفرین

بارگاهش قبله کرّوبیان

عاشقش ساکن بوَد در آسمان

تا تولد یافت حیدر زان زمان

نور باران شد زمین و آسمان[(2)]

دست یزدان ، شیر میدان حیدر است

در دو عالم باغ و بستان حیدر است

شاه زیبایانِ حق در عالم است

دُرّ یزدان در نگین خاتم است

گر شود نور خدا در دل جَلی

بشنوی از کلّ عالم » یا علی « !

1- 177) پابستِ اوست : در گرو او و وابسته به اوست .

2- 178) مرحوم شیخ طوسی در کتاب أمالی ، ص 80 نقل می کند : آن شبی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا آمد ، در آسمان

نورافشانی شد و نور ستارگان چند برابر بود . قریش با دیدن این منظره غیرمنتظره ، دیدگان را به تعجب گشودند و مردم هیجان زده از خانه های خود بیرون ریختند و با یکدیگر گفتگو می کردند و می گفتند : امشب در آسمان چه حادثه ای به وقوع پیوسته که این چنین شده است ؟

حاکمانی چون سلیمان خادمش

هم نبیْ موسی بن عمران خادمش

بی علی قرآن به یغما می رود

سمت آئین برهما می رود(1)

نور حکمت از علی ظاهر شود

هر که جز این گوید او کافر شود(2)

دشمنانش از بهائم بدترند(3)

منکرانش مرغ بی بال و پرند

ماه تابان ذرّه ای از نور اوست

بیت یزدان بی گمان معمور اوست(4)

هر که را از مرتضی نوری نبُود

ظرف قلبش غیر طنبوری نبُود

عقل و بینش ، علم و حکمت مال اوست

دست گیری از بشر آمال اوست

تا رساند مردمان را در بهشت

تا بدست آرند نیکو سرنوشت

1- 179) یعنی بدون ولایت علی قرآن از لحاظ معنا تحریف می شود و عقاید فاسدی چون عقاید برهما و بودا به خورد مردمان داده می شود و

اسمش را عرفان می گذارند ! ! مانند صوفیه که عقاید فاسد را با استناد به آیات قرآن توجیه می کنند ! !

2- 180) یعنی : هر کس حکمت و علم را از سرچشمه آن یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام نگیرد و دامن بیگانگان را بگیرد و منکر علم الهی امام علیه السلام شود به سمت کفر حرکت خواهد کرد .

3- 181) بدترند : برای حفظ وزن شعر بتّرند خوانده شود .

4- 182) اشاره دارد به پاک سازی بت ها از خانه خدا توسط امیرالمؤمنین علیه السلام ، بعد از فتح مکه .

دست در دست وصی باید تَهی

چون علی باشد ضمان از گمرهی

مهربانی های عالم حیدر است

نورافکن های خاتم حیدر است

نام او بر هر دلی گر حک شود

در زمین و آسمان ها تک شود

آب حیوان گر تو را هم آرزوست

زنده آن آب از طفیل کام اوست

آب حیوان تشنه او از ازل[1]

مشکل او را علی بنموده حل

ذرّه ای آب دهان دادی به او

چیزی از اشک روان دادی به او

خود تو گویی آن نبودی هست شد

آب حیوان گشت خود سرمست شد

شد از آن پس کیمیای جاودان

از فنا و مرگ بودی در امان

خود تو گر خاک در حیدر شوی

آب حیوانِ خود و دیگر شوی

نیستت حاجت به آب و غیر آب

1- 183) از ازل : مقصود آغاز آفرینش می باشد .

هر چه می خواهی بخواه از حضرتش

می رسی بر آن به یُمن دعوتش

هر چه می گویی بگو با نام او

پَر بزن تا می توان بر بام او

تا ز جام وصل حق نُوشَت کند

حلقه خُدّام در گُوشت کند

آسمان با نام حیدر نام یافت

عرش هم با گام او آرام یافت

ساکنان عرش با کرّوبیان

همچنین روح(1) و مَلَک با حوریان

بهر خاک پای او دعوا کنند

آسمان را مملو از غوغا کنند

خضر از پابوسی او خضر شد

موسی از الطاف او در مصر شد

چون که عیسی روی پاهایش فتاد

از همانجا سوی بالا پَر گشاد

چون اجازت داشت از سوی علی

مرده ها را زنده می کرد آن ولی

بارگاهش عرش باشد در زمین(2)

او امام حق بوَد بر عالمین

ص: 76

1- 184) روح نام فرشته ای که از تمام فرشتگان مقامش والاتر است .
2- 185) بارگاه و مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام بخشی از عرش خداوند بر زمین است .

آن که بر سیر حقیقت عازم است

پس بداند پیرویّش لازم است

بی علی عابدترین عابدان

نیست جایش در جِنان ، این را بدان !

پست را بالا کند با یک نظر

خلق را احیا نماید سر به سر

قاری قرآن چو باشی بهترین

روز و شب تسبیح گویی با یقین

گر نگیری مرتضی را رهنما

بی گمان ضالّ و مضلّی ، بی نوا !

هر دلی حیدر درونش جای شد

بیت رحمان ، خود در آن برپای شد

هر که خواهد تا ابد یابد شرف

قبله جان را کند شهر نجف(1)

عرشیان از عرش یزدان بر زمین(2)

فوج فوج آیند با ماء معین(3)

حج اکبر خود در آن برپا کنند

آن زمین را محشر کبری کنند

1- 186) شهر نجف : مقصود بارگاه اميرالمؤمنين عليه السلام كه در نجف اشرف است .
2- 187) بر زمين : مقصود بارگاه اميرالمؤمنين عليه السلام است .
3- 188) ماء معين : آب بسيار گوارا و شيرين) آب چشمه هاى بهشت (.

بارگاهش مرکز عالم بوَد

برترین ممکن(1) سِوَی الخاتم بود

ای برادر رو علی بشناس خوب

وانگهی دل را ز غیر او بروب

چون شناسی خوب او را ، مؤمنی

خود ببینی از سِوای او غنی

هر که شد شاگرد آن یکتا ولی

او بوَد مستغنی از غیر علی

نزد دیگر کس نباید رفت او

باید از او هر چه را بگرفت او

چون که تنها اوست حق را جانشین

حق خلافت داده او را بر زمین

دیگری کی مظهر اسما بوَد ؟

کی کجا کس عالی اعلی بوَد ؟

گفت مولا با کمیل نازنین

داد معیار تشیّع این چنین :

رفت و آمد می کنی گر نزد ما

نزد دیگر کس مرو ای با وفا !(2)

1- 189) برترين ممكن : برترين مخلوق .
2- 190) امير المؤمنين عليه السلام : يا كميل ! لا تأخذ الاّ عنّا تكن منّا ؛ اى كميل ! معارف را جز از ما مگير تا از ما باشى .) تحف العقول ، ص 119) .

هر چه می خواهی منت ارزان دهم

داده هر کس هرچه بیش از آن دهم

گویمت جان برادر یک مثال

خود بگیری رمز و راز این خصال :

یگ سگ ولگرد ، بی صاحب بوَد

تشنه و آواره و خائب(1) بوَد

شاد شد آن سگ که صاحب دار شد

در امان از سنگ و از آزار شد

کرد بهر خود یکی را انتخاب

نزد دیگر کس نرفتی با شتاب

چون که آن یک فرد دید از سگ وفا

خانمانش داد و گفتا : او ز ما

تو اگر از هر دری وارد شوی

در کلاس هر کسی عابد شوی

مثل بی صاحب سگ بیچاره ای

سرپرستی چون نداری خواره ای(2)

جاهل و بدبخت و سرگردان و منگ

می خوری از مردم و ابلیس سنگ

لیک اگر ارباب خود مولا کنی

نان خود در روغن اعلی کنی

ص :79

1- 191) خائب : شکست خورده .
2- 192) خواره ای : خوار هستی .

چون فقط بر درگه او می روی

خود به خود تو نیز از او می شوی

ای خوشا آن شیعه یکّه شناس

حرمت آل علی را کرده پاس

گشته شاگرد کلاس اهل بیت

پس نرفته سوی هر کانون و بیت

هرزه گرد این در و آن در نشد

تا از این در بر فراز عرش شد

یافت ز اینجا هر مقام و هر کمال

چون که استادش محمّد بود و آل

ما چو رو از غیر حق بر تافتیم

هر چه مکتب بود و ایسم انداختیم

ما فقط صد در صد اینجا آمدیم

پس غریق لطف مولا آمدیم

با کسی کاری ندارم ای رفیق

تا همی دارم امام بس شفیق

رهبر و مولا و یارم مرتضی است

اسوه و آموزگارم مرتضی است

مرشد دیگر نمی خواهم عزیز

تا که دارم اهل بیت مشک بیز

مکتب قرآن و عترت چون بس است

حاجتی چه بر خط دیگر کس است ؟ !

ص :80

هان ! رها کن نغمه های غرب و شرق

می توانی در سعادت گشت غرق

مکتب قرآن و عترت یار توست

رفتن هر جای دیگر عار توست

می دهد نور حقایق را به تو

می برد زنگ علایق را ز تو

اکتفا چون کرده ای بر اهل بیت

هست منزگاه تو اوج بهشت

هست اینک خاتم این خاندان

شاه قائم مهدی صاحب زمان

جان جانان روح یزدان ، این ولی

وارث بر حق مولانا علی

هست عالم منتظر بر مقدمش

چشم در راه قدوم اکرمش

تا که باطل را ز بیخ و بن کَنَد

هاله ای از نور بر عالَم زند

تا که ظلمت را معلّق سازد او

تا عدالت را محقق سازد او

خود به دست اوست خوشبختیّ ما

تا نیاید هست بدبختیّ ما

یا علی ! او را به داد ما رسان

رحم فرما بر جهان بی عنان

ص :81

کن نظر تا زودتر گردد عیان

بشنوم بوی دل آویزش ز جان

شیهه ای از دور می آید به گوش

تک سوارش کیست؟ ای مردم به هوش!!

هرج و مرج این زمان : بوی ظهور

هست اوضاع زمین : کوی ظهور

می رود کار جهان : سوی ظهور

آشکارا می شود : روی ظهور

جان من قربان مهدیّ علی

یک فقط او هست کشتیّ علی

مهدیا! آماده روز توایم

شمع آسا در تب و سوز توایم

تا به قربان گاه عشقت سر دهیم

بانگ روز و روزی دیگر دهیم

زندگی ها را الهی می کنیم

در رکابت پادشاهی می کنیم

طعم شیرین خدا(1) را می چشیم

انتقام روی زهرا می کشیم

چون بیایی مشکل آسان می شود

خیر و خوشبختی فراوان می شود

1- 193) طعم شیرین خدا یعنی طعم شیرین محبت خدا .

دولت زهرا نمایان می شود

یک حکومت کلّ دوران می شود

آرزوهامان به سامان می شود

شاد و خرم نسل انسان می شود

دردهامان جمله درمان می شود

خود محقّق حکم قرآن می شود

پاک و پاکیزه دل و جان می شود

راضی از ما حیّ سبحان می شود

روز جشن ما محبّان می شود

مکتب مولا نمایان می شود

یا علی ! فرزند زهرا را بگو

در هوایش می شتابم کو به کو

چشم در راهش چو مرغ بسملیم(1)

یک نگاهی کن ولو ناقابلیم

جان زهرا رحم کن بر شیعیان

کن دعایی » الأمان « و » الأمان «

تا خدا تعجیل فرماید در آن

تا خدا تسهیل بنماید در آن

تا شود یاریّ او ما را نصیب

یا کریم العفو و یا نعم المجیب !

ص :83

1- 194) مرغ بسمل : مرغی که با ذکر بسم اللّٰه ذبح شده و این ور و آن ور می پرد) قراری ندارد (.

این که ما داریم نبوَد زندگی

هست ننگ و مایه شرمندگی

زندگی با مهدی زهرا خوش است

یک نمازی نزد آن مولا خوش است

ای که مغز » هل أتی « هستی امیر !

هم یتیمم ، هم چو مسکین ، هم اسیر(1)

رد مفرمایی سگ دریوز(2) را

مستمندم لقمه امروز را

اشک می ریزم به پایت یا علی !

کوش(3) خَتمُ الأوصیایت یا علی !

یا علی ! من بی خود و شیدائی ام

در فراق مهدی ات صحرائی ام

کاش می شد پر زنم تا خانه اش

تا سر خود را نهم بر شانه اش

ص: 84

1- 195) این بیت اشاره دارد به سوره مبارکه دهر) انسان (که در رابطه با خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام نازل شده است؛ در آیاتی از این سوره به انفاق اهل بیت علیهم السلام اشاره ای شده که آنان یک شب افطار خود را به مسکین و شب بعد به یتیم و شب بعد آن را به اسیری دادند و خود تنها با آب افطار نمودند و در این بیت شعر آمده که : یا امیرالمؤمنین علیه السلام ما هم یتیمیم هم مسکینیم و هم اسیریم : یتیم هستیم چون فرزندت مهدی) عجل اللّه تعالی فرجه الشریف (را نمی

بینیم ، اسیر خواهش های نفس هستیم و فقیر و مسکین الطاف معنوی شما خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام هستیم .
2- 196) دریوز : گدا .
3- 197) کوش : کجا هست؟

غصه هایم را بگویم مو به مو

در رکابش ره سپارم کو به کو

لیک ، افسوسا که محروموم علی !

چاره ام را از تو می جویم علی !

» محسن «ات هستم در آغوشم بگیر

ای همه افتادگان را دست گیر

بی علی دین جز سرابی بیش نیست

کیش بی حیدر یقیناً کیش نیست

مَجمع اسرار حق در عالِمین

نیست جز مولا امیرالمؤمنین

در قیامت چون علی وارد شود

کار و بار دیگران کاسد شود(1)

کیش بی حیدر نباشد جز فریب

می شود دین یا چو بت یا چون صلیب

ص: 85

1- 198) در حدیث آمده است : قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله لعلی علیه السلام : اذا کان یوم القیامه یؤتی بک یا علی بسریر من نور وعلی رأسک تاج قد أضاء نوره وکاد یخطف ابصار اهل الموقوف ، فیأتی النّداء من عند اللّٰه جلّ جلاله : أین وصیّ محمّد رسول اللّٰه ؟ فتول :ها أنا ذا فینادی المنادی : ادخل من أحبّک الجنّه وأدخل من عاداک فی النار ، فأنت قسیم الجنّه والنّار .) ینابیع الموده ، ص 86) . زمانی که روز قیامت برپا شود ، ای علی ! تو با پرده ای از نور وارد می شوی و بر سر تو تاجی از

نور قرار دارد که نزدیک است از شدّت نور چشم های اهل محشر ربوده شود . در آن هنگام ندائی از خداوند جل جلاله می آید : کجاست وصی محمّد ؟ سپس تو می گویی : من هستم . منادی ندا می دهد : آن کسی که تو را دوست می دارد وارد بهشت شود و آن کسی که دشمن تو است وارد جهنم شود . ای علی ! تو تقسیم کننده بهشت و دوزخی .

منکرانش زار و نالان جان دهند

شیعیانش خوب و آسان جان دهند

شیعیان بر حوض کوثر واردان

رهسپاران سوی جنّت جاودان(1)

منکرانش خاک را بر سر کنند

دشمنانش چون خران عرعر کنند

پور مریم خادمش در آسمان

زین سبب یاری کند صاحبْ زمان(2)

در جِنان زیباترین رو ، روی اوست

همچنین خوش بوترین بو ، بوی اوست

این سخن را نوح بر کشتی نوشت :

مرتضی باب خدا سوی بهشت(3)

ص: 86

1- 199) پیامبر صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند : تَرِدُ شیعتُک یوم القیامه رواءاً غیر عِطاشٍ ویَرِدُ عدُوُّکَ عِطاشاً یَسْتَسقونَ فلا یُسقون .) عیون اخبار رضا علیه السلام ، ج 2 ، ص 52) . در روز قیامت شیعیان تو سیراب و غیرتشنه وارد می شوند و دشمنانت تشنه کام وارد می گردند و آب می طلبند و کسی به آن ها آب نمی دهد .

2- 200) یعنی : چون حضرت عیسی علیه السلام از خادمان امیرالمؤمنین علیه السلام در آسمان است ، هنگامی که با ظهور مهدی علیه السلام نزول می نماید ، خادم حضرت صاحب الزمان علیه السلام می گردد .

3- 201) به کتاب » علی علیه السلام و پیامبران « نوشته حکیم سیالکوتی ، از ص 35 تا ص 42 تحت عنوان : » علی و کشتی نوح « مراجعه گردد .

در این کتاب شواهدی از آثار باستانی ارائه می گردد که گویای این مطلب است که نوح علیه السلام بر کشتی خود ، نام مبارک امام علی علیه السلام را نوشته بود .

هر کسی ذکرش بوَد یا بوتراب

بی شک از او می شود رفع عذاب

پرچم اللَّه اکبر مرتضی است

بر خلائق چشم داور(1) مرتضی است

دشمنش را خصم دان ، بیدار باش !

دائماً از منکرش بی زار باش

هم تولّی هم تبرّی اصل دین

بی گمان لازم بوَد بر مسلمین(2)

پس بگو : بر اولیّ و دوّمی

تا ابد لعنت بوَد با سوّمی

چارمی فرزند آن هِند لعین

بیشتر لعنت بکن ای مرد دین !

پنجمی آن پست میمون باز را

با نیای کافرش لعنت نما(3)

عقل شد در شرح حیدر بی زبان

عشق هم در وصف مولا ناتوان

پس زبان در کام باید در کشید

چشم شد یکجا و وجه اللَّه دید

ص: 87

1- 202) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند : أنا عین اللّه . من چشم خدا هستم .) توحید صدوق ، ص 164) .
2- 203) یعنی : ای اهل یقین ! بدون شک برای دینداری هم تولّی لازم است و هم تبرّی .
3- 204) امام باقر علیه السلام در زیارت عاشورا بر این پنج تن چنین لعنت می فرستد : اللّهُمَّ خُصَّ انتَ اولَ ظالمٍ باللَعنِ منّی وَابْداً بِهِ اولاً ثمّ العَنِ الثّانِیَ والثالثَ والرّابعَ اللّهم العن یزید خامسا ...

تاج فخر اولیا را تا ابد

بر سر حیدر نهادستی احد

دست حیدر هست خود دست خدا(1)

دست حق باشد فراز دست ها(2)

اسم حیدر مشتق از اسم خداست(3)

خاک پایش کُحلِ(4) چشم انبیاست

در همه عالم که مرآت خداست ؟(5)

: اولین مظلوم عالَم مرتضی است(6)

1- 205) امام علی علیه السلام فرمودند : انا یَدُ اللَّهِ : من دست خدا هستم .) توحید صدوق ، ص 164) .
2- 206) خداوند می فرماید : » یَدُ اللَّهِ فَوْقَ ایْدِیهِمْ «) سوره فتح ، آیه 10) دست خدا فراز دست های آنان است .
3- 207) فاطمه بنت اسد علیها السلام مادر حضرت علی علیه السلام می فرماید : آن گاه که علی علیه السلام را در کعبه به دنیا آوردم و خواستم از آن خارج شوم هاتفی به من گفت : ای فاطمه ! نام کودکت را علی بگذار ، او علی) یعنی دارای مقام عالی (است ، و خداوند علیّ اعلی می فرماید : من نام او را از نام خود اقتباس کردم و او را با آداب خود تربیت نمودم و او را بر مسائل مشکل علمی خود آگاه ساختم . او کسی است که بت ها را در خانه ام می شکند و بر بالای کعبه اذان می گوید و مرا تقدیس و تمجید می کند .) علل الشرایع ، شیخ صدوق ، ج 1 ، ص 135 ؛ بحارالانوار ، ج 35 ، ص 8 ؛ منتهی الآمال ، شیخ عباس قمی ، ج 1 ، ص 171 و ... (.
4- 208) کُحْل : سرمه .
5- 209) مرآت خدا : آینه خدانما ؛ منظور این است که وجود مقدس مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام آینه ای است که در آن اسماء و صفات خداوند متعال را به نمایش می گذارد . البته خوانندگان محترم توجه داشته باشند

که چون خداوند مباین با اشیاء است هیچ موجودی نمی تواند مرآت ذات خدا گردد .
6- 210) از امام رضا علیه السلام روایت شده که آن حضرت علیه السلام هنگام زیارت قبر مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند : السلامُ علیک یا ولیَّ اللَّهِ أنتَ أوَّلُ مظلومٍ ...) کافی ، ج 4 ، ص 561) .

اولین مظلوم : مرآت خدا ؟

زیر پای سفلگان ، ذات خدا ؟(1)

آه و آه از ظلم بی حدّ و کران

بر محمّد ، بر علیّ و خاندان

هر چه گویم کم بوَد در این جهت

عذر می خواهم علی از درگهت

چون ندارم درک آن اوج ستم

گو شده بر تو و زهرا دم به دم ؟

ای خدا اوراق هستی را بسوز

بعدِ آن دیوار و درب سینه سوز

خود تو آگاهی فقط از آن چه رفت

بر علیّ و فاطمه ، از ظلم سخت

هست قتل فاطمه فوق بیان

قتل محسن قتل » سرّ اللَّه « دان

ای جهان از این مصیبت دود شو

اشک خونین باش یا نابود شو

آه ، پاداش رسالت داده شد

میوه از طوبای حق افتاده شد

دست از نقل سقیفه بسته ام

آتش در کرده بس دل خسته ام

ص: 89

1- 211) یعنی منافقان که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه وآله ، حق امیرمؤمنان علیه السلام را غصب و به بیت آن حضرت حمله ور شدند ؛ در حقیقت آنان به خدا بی حرمتی نمودند و خدا را زیر پا گذاشتند .

گر بمیرم از غم این داستان

بهتر از این تا بیارم در بیان

شعر از خون دلم گلگون کنم ؟

یا که جانم از تنم بیرون کنم ؟

من همی در هم زبانی با خدا

لعن می گویم بر آن قوم دغا

گو به روز و شب به همراه صمد

لعن بر اهل سقیفه تا ابد

باز می گردم به وصف روی یار

پرده را بهتر بیندازم کنار

پور عمران با ندای یا علی

چیره شد بر ساحران ، بی مشکلی(1)

در مصاف مرتضی هر قهرمان

چون خَسی باشد به زیر پای آن

1- 212) معنی بیت : حضرت موسی علیه السلام با توسل بر وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام بر ساحران پیروز گشت و هم حقانیت رسالتش بر آنان آشکار شد و ساحران ایمان آوردند . خداوند در این باره می فرماید : » وَأَوْحَیْنَا إِلَی مُوسَی أَنْ أَلْقِ عَصَاکَ فَإِذَا هِیَ تَلْقَفُ مَا یَأْفِکُونَ × فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا کَانُوا یَعْمَلُونَ × فَغُلِبُوا هُنَالِکَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِینَ × وَأُلْقِیَ السَّحَرَةُ سَاجِدِینَ × قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِینَ × رَبِّ مُوسَی وَهَارُونَ «) سوره اعراف ، آیات 117 تا 122) . و به موسی وحی کردیم که : عصایت

را بینداز پس انداخت و اژدها شد و ناگهان آنچه را به دروغ ساخته بودند فرو بلعید × پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد × و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند × و ساحران به سجده درافتادند × و گفتند : به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم × پروردگار موسی و هارون .

هر تَهَمتَن گر بر او زوری کند

در حقیقت از بقا دوری کند

مثل مرحب کلّه اش ویران شود(1)

یا چو ابن عبدوُد پرّان شود(2)

ص: 91

1- 213) هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ خیبر ، قلعه بزرگ آنان را محاصره کرد ، یهودیان ، قهرمان و جنگاور نامدار خود را به نام » مِرحب « به میدان فرستادند . مرحب به سرعت از قلعه خارج شد ، او دارای هیکلی بزرگ بود و در حالی که دو زره بر تن و دو شمشیر همراه و کلاه خود سنگی بر سر داشت ، این رجز را می خواند : خیبر می داند که من مرحبم ! غرق در سلاح و پهلوانی کار آزموده ، گاهی نیزه فرو برده و گاهی شمشیر می زنم . مسلمانان با دیدن او وحشت کردند و از مقابلش گریختند ؛ ولیکن امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ او فرمود : من آنم که مادرم مرا حیدر) شیر مرد (نامیده است ؛ همان شیر بیشه ها ، دارای چهره مهیبم ؛ بی درنگ با شمشیرم شما را نابود خواهم کرد . آنگاه مرحب با غرّش به سوی امام علی علیه السلام حمله کرد و شمشیر خود را بالا برد تا ضربتی بر آن حضرت علیه السلام فروآورد ؛ اما امیرالمؤمنین علیه السلام با چالاکی شگفتی بر او پیشی جست و با ذوالفقارش ضربتی بس محکم بر سر او نواخت که تمامی لشکریان اسلام صدای آن را شنیدند . مرحب با این که سپر بر سر گرفته بود؛ ولی ذوالفقار امیرالمؤمنین علیه السلام سپرش را برید و کلاه خودش را نیز پاره کرد و سرش را تا به دندان شکافت و نقش زمین گردید .) تاریخ طبری ، ج 3 ، ص 12 ؛ بحث مفصل در این رابطه در کتاب سیمای جهان تاب ، از ص 295 تا ص 306 آمده است (.

2- 214) پهلوان نامی عرب به نام » عَمرو بن عبدوُد « در جنگ خندق توسط امیرالمؤمنین علیه السلام کشته و بی سر شد . رسول خدا صلی الله علیه وآله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند : اگر این کار تو را امروز با اعمال جمیع امت مقایسه کنند ، بر آن برتری خواهد داشت ؛ چرا که با کشته شدن عمرو خانه ای از خانه مشرکان نماند مگر این که ذلّتی در آن داخل شد و خانه ای از خانه های مسلمین نماند مگر این که

عزّتی در آن وارد گشت .) بحار الانوار ، ج 20 ، ص 216 ؛ مستدرک حاکم ، ج 30 ، ص 32 و ... (. و فرمودند : مبارزه علی بن ابی طالب با عمرو بن عبدوُد در روز جنگ خندق افضل است از اعمال جن و انس تا روز قیامت .) سیره حلبیّه ، ج 2 ، ص 360 ؛ تاریخ بغداد ، ج 13 ، ص 19 ؛ المستدرک علی الصحیحین ، ج 3 ، ص 32 و ... همچنین به کتاب سیمای جهان تاب ، از 268 تا 280 مراجعه گردد (.

هر که خواهد باشدش جان برقرار

می کند فوراً ز میدانش فرار

لا فتی إلّا علی را تا ابد

بشنوی چون قل هو اللَّه احد(1)

با جهادش دین حق شوکت گرفت

مصطفی با تیغ او قدرت گرفت(2)

مرد میدان در جهان مولا علی است

روح ایمان بی گمان مولا علی است

گر بخواهی پَر زنی در آسمان

بایدت گردد » علی « وِردِ زبان

اوج گیری در تولّای علی است

نوکری از بهر ابنای علی است

او بوَد میزان حق در هر زمان

گر بگیری دامنش یا بی امان

1- 215) یعنی همان گونه که تا ابد » قل هو اللَّه احد « مختصّ خداست ؛ » لا فتی إلّا علی « نیز مختص امیرالمؤمنین علیه السلام است .

2- 216) یعنی : اگر رسول خدا صلی الله علیه وآله توانست بر کفار پیروز شود و حکومت در مدینه تشکیل دهد به برکت ذوالفقار مولا علی علیه السلام بود .

بوسه زن با شوق بر خاک نجف

تا چو جبریل امین یابی شرف[(1)]

بارگاه مرتضی در آن بَلَد

چشمه خورشید باشد تا ابد

چون گذاری جبهه[(2)] بر خاک درش

گیردت جبریل بر بال و پرش

دائماً ذکرت چو شد یا بوتراب

خود درونت پر شود از آفتاب

اوست رمز و راز اللَّهُ الصّمد

باب رحمت ، ما له کفواً احد

با ولایش می روی تا بی کران

بس فراتر می شوی از آسمان

چون که او یک نور با خاتم بوَد

پس تمام عشق در عالَم بوَد[(3)]

ص: 93

1- 217) یعنی : اگر جبرائیل امین در عالم شرافت یافت به این خاطر بود که بر خاک نجف بوسه زده است ؛ تو نیز اگر می خواهی مثل جبرائیل شرافت یابی با عشق و معرفت خاک تربت امیرالمؤمنین علیه السلام را ببوس !

2- 218) جبهه : پیشانی .

3- 219) در احادیث فراوانی از کتب شیعه و اهل سنت آمده است که پیامبر صلی الله علیه وآله و امام علی علیه السلام قبل از خلقت جهان ،

یک نور واحد بودند ، به عنوان نمونه : احمد حنبل از پیشوایان عامه در کتاب مسند خود از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود : » من و علی از نور واحدی خلق شده ایم و خداوند روح من و علی را قبل از خلقت عالم خلق نموده بود « . ابن مغازلی شافعی در کتاب » مناقب « از قول رسول خدا صلی الله علیه وآله می نویسد : » من و علی نوری بودیم در خدمت حضرت حق ، و این نور ، حضرت حق را تسبیح می گفت و تقدیس می کرد ، قبل از آن که آدم خلق شده باشد « . شیخ سلیمان حنفی قندوری در » ینابیع الموده « از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند : » من و علی از نور واحدی آفریده شده ایم قبل از چهارهزار سال که خدا آدم را بیافریند ؛ چون خداوند آدم را آفرید آن نور را در صلب او قرار داد و پیوسته همین طور آن نور در اصلاب آباء و اجداد بود تا در صلب عبدالمطلب به دو نیم گشت . پس نبوّت در من قرار گرفت و وصایت در علی واقع شد « . علامه مجلسی از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند : » خُلِقْتُ أنا و علیّ من نُور واحد ؛ من و علی از یک نور آفریده شده ایم «) بحارالأنوار ، ج 35 ، ص 34) .

او تولد یافت در بیت الحرام

تا ابد بر او و بر وُلدش سلام

آن که بهر عشق او بی سر شود

تا ابد در آسمان اختر شود

پس سرت را بهر او آماده دار

تا که تقدیمش کنی با افتخار

نهج او(1) دریای برهان می دهد

حرف حرفش درس قرآن می دهد

اسم اعظم نیست غیر از نام او

دین به راه افتاد با اسلام او

در رُخش پیداست هر پیغمبری

بر سر آنان عَجَب تاج سری !

ص: 94

1- 220) نهج البلاغه او .

در میادین شیر جز حیدر نبُود

بی علی آئین پیغمبر نبُود

ای برادر گویمت باز این سخن

فکر کن ! اندیشه کن ! بشنو زِ من :

بی علی قرآن به یغما می رود

سمت آئین برهما می رود

شهد ایمان ، روح قرآن مرتضی است

باطنش(1) ، هم روی(2) قرآن مرتضی است

عقل گوید : اصل برهان مرتضی است

قلب گوید : کلّ قرآن مرتضی است

دل چو پرتو گیرد از نور علی

در نگاهش می شود حق مُنجلی(3)

چون سخن در کُنه مولایم رسید

هم قلم بشکست و هم کاغذ درید

مرتضی بحری است ، بس بحری عمیق

اوست بهر شیعه اش یاری شفیق

1- 221) باطن قرآن .
2- 222) ظاهر قرآن .

3- 223) یعنی : اگر ذرّه ای از پرتو نور الهی امیرالمؤمنین علیه السلام در دل کسی افتد ؛ او به چنان معرفتی می رسد که هر جا نظر افکند عظمت و حقانیت خدا را در آیات و پدیده های او مشاهده می کند .

گر بخواهی غرق آن دریا شوی

پس رها باید از این دنیا شوی(1)

این همه شور و شعف از بهر کیست ؟ !

آنچه آتش بر دلم افکنده چیست ؟ !

ای خوشا آنان که قلب و جانشان

می دهد هر دم ز عشق او نشان

جام دُردآلود او هر کس چشید

دست از دنیا و از عُقبی کشید(2)

خوش به حال آن که زین مِیْ خورده است(3)

هر که مست او نباشد مرده است

گر چه بیت اللَّه بوَد ما را هدف

لیک باشد قبله جان ها نجف

گشت بیت اللَّه علی را چون صدف

پس علی باشد هدف از این هدف

ص: 96

1- 224) یعنی : هر که می خواهد در دریای باعظمت و بی انتهای محبت امیرالمؤمنین علیه السلام غرق گردد ، باید حبّ دنیا را رها کند و گناه را از قلب خویش خارج سازد تا لیاقت غرق شدنِ در دریای محبت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را پیدا کند .

2- 225) هر کس که جام محبت و ولایت امیر مؤمنان علیه السلام - که در دنیا با ناملایمات و زجرها توام است - را سر کشید ؛ او آنچنان شیفته امیر مؤمنان علیه السلام می گردد که نه تنها به زرق و برق های دنیا بی رغبت

می گردد ؛ بلکه آخرت و نعمت های ابد نیز در برابر محبت و عشق به مولا علی علیه السلام برایش ناچیز می شود .

3- 226) زین مِیْ : شراب محبت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام .

هر که نوشد جرعه ای از جام او

کیمیا دان تربت اقدام او

او » قسیمُ الجنّهِ والنّار « هست(1)

عاشقش در آسمان بسیار هست

گر بشر بر حبّ او یکدل شود

آتش دوزخ دگر باطل شود(2)

او بوَد ارکان آئین رسول

در تحیّر از مقاماتش عقول

بحر دانش تا ابد در جام اوست

واصل این جام ، خوش فرجام اوست !

بهر هر امت علی فرقان بوَد

در قیامت هم علی میزان بوَد

1- 227) احادیث متعددی از رسول خدا صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیهم السلام هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل تسنن آمده است که در روز قیامت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به اذن خداوند متعال بهشت و جهنم را برای مردمان - از اولین تا آخرین - تقسیم می کند ، و هیچ کس به بهشت و یا دوزخ وارد نگردد مگر بعد از تقسیم آن حضرت علیه السلام . اسناد این احادیث را در کتاب » سیمای جهان تاب « در حکمت نامه چهاردهم به صورت گسترده بیان کرده ایم .

2- 228) اشاره ای دارد به حدیث مشهور نبوی که می فرماید : لَوِ اجْتَمَعَ الناسُ عَلی حُبِّ علیٍّ بن ابی طالب لَما خَلَقَ اللّهُ النار . اگر مردمان بر محبّت و دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام اتفاق کلمه داشتند خداوند

آتش جهنم را خلق نمی کرد .) مناقب خوارزمی ، ص 83 ؛ ینابیع المودّه ، ص 126 و ... (.

برترینْ پاکانْ شمار اصحاب او

باب جنّت هست خود آن باب او

در زمین هادی بوَد ، هم آسمان

هم بوَد وجه خدا او بی گمان

آفِتاب کلّ عالمْ مرتضی است

گوهر دستانِ خاتمْ مرتضی است

بی ولایش هر عمل باطل بوَد

هم سلوک فردْ بی حاصل بوَد

بطن قرآن با علی پیدا شود

نام یزدان با علی معنا شود

باب جنّت با ولایش باز شد

عشق هم با نام او آغاز شد

او بوَد هم کلّ جان ، هم جان کل

بر سر هر مرسَلی تاج است و گل

هر که در قلبش علی جا وا کند

در جهان با عشق بس غوغا کند

نورِ حق را هر کسی انکار کرد

روح خود را تا ابد بیمار کرد

هر که با مولا علی نارو زند(1)

پیش شیطان روز و شب زانو زند

ص :98

1- 229) نارو زند : خیانت ورزد .

عدل با نام علی معنا شود

در جهان چون او کجا پیدا شود ؟

مظهر عدل خدا حیدر بوَد

عاشقش در راه او بی سر بوَد

آسمان با صدهزاران کهکشان

گردِ خاکِ پایِ حیدر هم ندان

هر که گوید : این سخن باشد غُلُوْ(1)

گویمش : آن گَرد می یابد عُلُوْ(2)

چون تبرک از کف مولا گرفت

برتر از آن کهکشان ها جا گرفت

پیش نورش شمسْ بی نور آمده

هر ک(3) از او بینا نشد کور آمده

قلب حیدر مرکز عالَم بوَد

نفس پاک حضرت خاتم بوَد

گر مقامش را کسی انکار کرد

خویش را بدبخت و بس بیمار کرد

1- 230) غُلُوْ : زیاده گویی و مبالغه فراوان کردن .
2- 231) عُلُوْ : رفعت و بزرگی . معنی بیت : هر کس که بگوید : این گونه سخن گفتن مبالغه و زیاده گویی است ؛ در پاسخش می گویم : آن ذرّه

خاکی که به کف پای مبارک حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برخورد کرده است آنچنان عُلُوّْ و رفعت می یابد که ارزشش از هزاران ستارگان آسمان بیشتر می شود .

3- 232) هر ک : هر که .

آیت العظمای حق حیدر بوَد

بازُوَش فتّاح صد خیبر بوَد

مرسَلان را سایه از پای علی است

جمله پا بوس قدم های علی است

جملگی گویند با هم این سخن

تو بگو حالی به همراهیّ من

موئی از او از جهان سر آمده :

دشمنش از یک زنا درآمده(1)

محسنا ! در مدح او گوهر بریز

تا نظر بنمایَدَت در رستخیز

گر کریمی یا بخیلی یا فقیر

هر چه می خواهم بگیرم از امیر

باغ فردوس است این اشعار نور

چشم بد از شاعرش باشد به دور

نثر و نظمش دائماً پر بار باد

عرض اخلاصی به نزد یار باد

1- 233) درا حادیث متعددی آمده است که دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام زنازاده هستند ، برای مثال در منابع اهل سنت آمده : « ... مالک بن انس عن محبوب بن أبی الزناد ، قال : قالت الأنصار : أن کنّا لنعرف الرجل

إلی غیر أبیه ببغضه علی علیّ بن أبی طالب علیه السلام « : ... انس بن مالک از انصار نقل می کند که انصار انسان های حرام زاده را با بغض ورزیدن آنان به علی بن ابی طالب علیه السلام شناسایی می کردند .) تاریخ دمشق ، ابن عساکر ، ج 2 ، ص 738 ؛ الغدیر ، ج 4 ، ص 322 و ... (

چون نگین آفرینش مرتضی است

تا ابد او باب الطاف خداست

ذکر حق باشد نفس هایش مدام

باز هم بر او و بر وُلدش سلام

نیست جز حیدر امیرالمؤمنین

بانگ تکبیر است آن سردار دین

فخر بر عالم کند بیت الحرام

چون به میلاد علی بگرفت نام(1)

عشق او بر عرش پروازت دهد

گنج ها از غیبِ پر رازت دهد

دل چو از عشق علی کامل شود

رازهائی بهر او حاصل شود

حق نمایان کرده چون برهان او

جان عالَم می شود قربان او

عقل اول عقل آخِر مرتضی است

هر زمان آیات باهِر مرتضی است

نام او گر بر دلی مرهم شود

از فشار قبر او بی غم شود(2)

1- 234) معنی بیت : بیت الحرام بر عالمیان فخر و مباهات می کند ؛ زیرا با تولد یافتن امیرالمؤمنین علیه السلام در درونش ، در آسمان ها نام و شهرت یافت .

2- 235) معنی بیت : اگر بر دل پر زخم نام مولا علی علیه السلام مرهم گردد ، او دیگر از فشار قبر و عالم برزخ هیچ ترس و واهمه ندارد ؛ زیرا مولا علی علیه السلام فریادرس اوست .

کیست او ؟ : آن مظهر اعلای حق[(1)]

خود بوَد او دیده بینای حق

او زبان حق بوَد در هر زمان

دز زمین ، در قلب ها ، در آسمان[(2)]

عشق با نام علی معنا شود

دل به یادش هر نفس بُرنا[(3)] شود

هم قلم هم لوح و هم فرقانْ علی است

هم اساس دین و هم میزان علی است

علم اوّل ، علم آخِر ، پیش اوست

راه جنّت تا ابد از کیش اوست

زادگاه معرفت برهان او

می شکوفد دانش از دامان او

1- 236) مظهر اعلای حق : مظهر اسماء و صفات الهی ؛ نه مظهر ذات ؛ زیرا هیچ موجودی مظهر ذات خداوند نیست . و علت آن - طبق نصوص متعدد معصومین علیهم السلام - این است که : چون تمام خلایق مباین و جدا از ذات اقدس الهی هستند ؛ بنابر این هیچ موجودی نمی تواند مظهر ذات خداوند باشد .) فتأمّل یا أخی (

2- 237) امام علی علیه السلام می فرماید : » أنا عِلمُ اللَّهِ ، وَ أنا قلبُ اللَّهِ الْواعی ، وَ لِسانُ اللَّهِ النّاطقُ وَ عِیْنُ اللَّهِ ، وَ جَنْبُ اللَّهِ ، وَ أنا یَدُ اللَّه ؛ من علم خدا ، و من قلب فراگیر خدا ، و زبان گویای خدا ، و چشم خدا ، پهلوی خدا ، و من دست خدا هستم « .) توحید صدوق ، ص 164 ، باب 22) توضیح : امیرالمؤمنین علیه السلام در مثل چنین سخنانی با مجاز و

استعاره سخن گفته است و نباید توهم جمسانیت برای خدا و یا مثلیّت امیرالمؤمنین علیه السلام با خدا گردد و معنای لطیف این سخنان برای اهل هوش و فهم مخفی نیست .
3- 238) برنا : جوان .

معدن علم لدنّی جان او

سرّ حق بنهفته در ایوان او

مخزن علم خداوند غیور

راه جنت می کند از او عبور

گر حقیقت جوئی ای یار عزیز

پس شنو این راز را از من تمیز :

در حقیقت خودْ علی باشد بهشت

جز علی هر پیر را باید بِهِشت(1)

عارف کامل به مولانا علی

پا نهاده در جنان بی مَعْطلی

دور اندازد همه حور و قصور

می نشیند با علی بر موج نور(2)

او بهشت خود به دور انداخته

چون بهشت واقعی را یافته

او ندارد کار با غیر علی

دارد او یک عشقْ با دریا دلی

عشق او وجه اللَّهِ عُلْیا بوَد

فارغ از عُقبی و از دنیا بوَد

ص: 103

1- 239) رها ساخت .
2- 240) یعنی عارف کامل به مولا علی علیه السلام ، در بهشت آن چنان جذب سیمای مبارک آن حضرت علیه السلام می شود که نسبت به حور و دیگر نعمت های بهشتی بی توجه می گردد ؛ البته عارف کامل به مولا علیه السلام) به قدر استعداد بشر غیر معصوم (در هر عصر شاید به تعداد انگشتان یک دست هم نباشد .

چون جمال حضرت اللَّه اوست

نقطه آن باء بسم اللَّه اوست

خاک درگاهش سر و گیسوی ما

روی زیبایش همان مینوی ما(1)

اوست مینوی خداوندیّ ما

روح ما و دین دلبندیّ ما

کاش این گونه بهشتی می شدم

ناخدای عرش و کشتی می شدم

با علی اندر علی سیری تمام

می نشستم با خدا و والسلام(2)

سرّ خلقت در رخش پیدا بوَد

قطره با او برتر از دریا بوَد

غیر او راه حقیقت نیست ، نیست

گو به جز او قدرت حق کیست ؟ کیست ؟

آرزوی عارفانش رویِ اوست

مسجد و محراب ما ، ابروی اوست

از غبار پای مولا آسمان

کهکشان می سازد او در هر زمان

ظاهر و هم باطن قرآن علی است

نقطه نقطه ، حرف حرفِ آن علی است

ص: 104

1- 241) مینوی ما : بهشت ما .
2- 242) می نشستم با خدا ، یعنی : با نشست و برخاست با امیرالمؤمنین علیه السلام ، رنگ الهی می گرفتم .

لیله القدری که در ماه خداست

رکن آن قلب علیٍّ مرتضی است

بشنوی از هر نبیّ و هر ولی :

چنگ زن بر دامن مولا علی

دشمنش آنگه که فرقش را شکافت

شیر حق از ذکر حق رو بر نتافت(1)

شد مَلَک شیون کنانْ بر سر زنان

بانگ زد روح القُدُس در آسمان

: عشق بازی را از او آموختم

در دلم خورشیدها افروختم

حق خریدار مناجات علی است

عالَمی مبهوت طاعات علی است

گر مقامش را سگی انکار کرد

ذکر اوصافش مَلَک بسیار کرد

ماه از رویش خجل گردیده است

آسمان از صورتش گُل چیده است

رایت اللّٰه اکبر دست اوست

سوره توحید هم سر مست اوست

1- 243) آنگاه که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده نماز توسط ابن ملجم ملعون ، فرقش شکافته شد و با صورت خونین در محراب مسجد کوفه افتاد با آن حالت نیز لب های مبارک خود را به ذکر خداوند حرکت می داد .) بحارالأنوار ، ج 42 ، ص 282)

گر نظر بر ذرّه خاکی کند

ذرّه را خورشیدِ افلاکی کند(1)

قلب ها را مرتضی تسخیر کرد

نام او توحید را تفسیر کرد

جان من در کنج کویِ عشق اوست

بهر چشمم گردِ کویش آرزوست

تا سگی هستم به درب خانه اش

ریزه خوار سفره شاهانه اش

هر چه می خواهم بگیرم از علی

چون علی دارم ندارم مشکلی

از در این خانه جای دیگری

کی توانم رفت سوی هر دری ؟!

من سگم ، اما سگ صاحب شناس

می کنم این صاحب خود را سپاس

در وجودت عشق حیدر را بکار

تا که پروازت دهد تا نزد یار

تا نگشتی خاک ،(2) بهرش خاک شو

با غبارش برتر از افلاک شو

1- 244) معین بیت : اگر امیرالمؤمنین علیه السلام نظر بر ذره ای از خاک افکند ، آن ذره خاک برتر و والاتر از خورشید و ستارگان افلاک و آسمان ها می گردد .
2- 245) تا نگشتی خاک : تا نمردی و تبدیل به خاک نگشته ای .

شیعه او هست تقوایش مدام

او بوَد بی زار از شهرتْ وَ نام

شیعه حیدر به اسم و نام نیست

کس به اسم و نام خوش فرجام نیست

چون علی بر نفس خویشت (1) سخت گیر

نفس کن در پنجه های خود اسیر

چون علی در یادِ حق دلشاد باش

از قیود این و آن آزاد باش

بر زبانت » یا علی « باشد مدام

کوری کورانِ نورِ آن امام

عالم کون و مکان در دست اوست

هستی هر هست هم از هست اوست(2)

جز از او از کس سَلُونی نشنوی

یار شو تا تَفْقِدوُنی نشنوی(3)

1- 246) نفس خویشت : نفس خود .

2- 247) اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله سبب پیدایش عالَم هستند ؛ یعنی خداوند متعال به خاطر این انوار الهی ، موجودات را خلق نموده است . در زیارت جامعه کبیره می خوانیم : » بِکُمْ فَتَحَ اللّهُ وَ بِکُمْ یَخْتِمْ ؛ به شما) خاندان طهارت علیهم السلام (خداوند ایجاد عالم نمود و به شما عالم را ختم می کند .

3- 248) اشاره به سخن امیرالمؤمنین علیه السلام که بارها فرمودند : » سَلُونی قَبلَ أنْ تَفقِدونی ؛ ای مردم ! تا در میانتان هستم از من بپرسید « .) نهج البلاغه ، خطبه 189)

علم احمد آمده در سینه اش

سرّ حق را قلب او گنجینه اش

شیعه یعنی اهل بینش ، اهل راز

آن که دائم غرق باشد در نماز

عشق حیدر شعله ها بر دل زند

غیرْ دینت را به غارت می برد

دشمن ار سازد سرم از تن جدا

بهر عشق حیدر آن شیر خدا

بانگ برآرم که ای دیوانِ پست

آرزویم این چنین جان دادن است

تا شدم عبدِ عبید بوتراب

ایمنم از وحشت روز حساب

گر چه » محسن « پر گناه و پرخطاست

لیک در محشر شفیعش مرتضی است

» یا عَلی « در مرگ تلقینم کنید

شاد با این ذکر دیرینم کنید

با گلاب مرقدش پاکم کنید

با غبار مَضجعش خاکم کنید

آشنایان ! دوستان ! ای مؤمنین

باز هم می گویم از روی یقین :

گر چه » محسن « پر گناه و پر خطاست

لیک در محشر شفیعش مرتضی است

ص :108

ذرّه ای گًردم به درگاهت امیر

جان » محسن «(1) حیدرا ! دستم بگیر

یک نظر بر من نما ای بوتراب

تا درونم پر شود از نور ناب

گر ملائک سجده بر آدم نمود

نی برای او ، که از بهر تو بود

ای که نور اختران از نور توست

مهدی صاحبْ زمان هم پور توست

پای خود بر روی این ذرّه گذار

تا شود خورشیدها ، بل صد هزار

خطاب به وجود مقدس امام رضا علیه السلام(2)

ذرّه ام در بارگاهت یا رضا !

دست گیرم ، جان جدّت مرتضی

بارگاهت مَلْجَاَ درماندگان

گشته ام در بارگاهت میهمان

نام تو هم نام جدّت مرتضی است

ذکر قلبم روز و شب مولا رضاست

1- 249) محسن بن علی علیهما السلام که در جریان هجوم دستگاه خلافت غاصبانه به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام در شکم مادرش ، حضرت صدیقه کبری علیها السلام به شهادت رسید . مدارک این واقعه در کتاب سیمای جهان تاب ، در حکمت نامه بیستم به صورت مفصل آمده است .

2- 250) ابیات پایانی این مثنوی را در حرم مطهر امام رضا علیه السلام در کنار مضجع شریفشان سروده ام .

عرش را چون از ضریحت دیده ام

خاک پای زائرت بر دیده ام(1)

پور حیدر یک نظر بر من نما

تا چو مرغان اوج گیرم در سما(2)

چشم » محسن « خیره بر دستان توست

چشمه مینوی او احسان توست

× × ×

خطاب به وجود مقدس ولیّ عصر علیه السلام

ای اباصالح ! نظر بر من نما

دست گیرم باش جان مرتضی

ذوالفقار مرتضی در دست توست

آسمان ها و زمین پا بستِ توست

رخ نما بر ما تو ای دلدار پاک

گشته از هجران تو دل چاک چاک

پرده از چهره گشا ای پادشا !

تا ببینم چهره مشکل گشا

اسم اعظم در وجودت مستتِر

هست » محسن « بر ظهورت منتظر

1- 251) یعنی : چون من ابتدا و آغاز عرش خداوند را از بارگاه و ضریحت دیده ام ، بنابراین سزاوار است که خاک پای تمام زائرانت را بر دیده ام بگذارم .
2- 252) سما : سماء ، آسمان .

نجوای پایانی با خداوند

ای خدا ای پادشاه بی بدیل

ای که هر مخلوقْ در مُلکت ذلیل

خالق عالم تویی ، قادر تویی

راحم وهّاب ، هم قاهر تویی

از عدم انشا نمودی(1) خلق را

آسمان را ، غرب را ، هم شرق را

در حریمت حیدر عبد مطلق است

هر که یزدانش بخواند احمق است

مرتضی با لطف تو رفعت گرفت

با نگاه تو بسی عزّت گرفت

از گناهانم کریما ! درگذر

نیست در عالم ز تو بخشنده تر

تا که بوی عطر او در دل نشست

بی خود از خود گشتم و شیدا و مست

خاک پای عاشقان باده نوش(2)

توتیای دیده سازم با خروش

فاش گویم این سخن از جان و دل :

نیستم بی عشق او(3) جز مشتِ گِل

1- 253) انشا نمودی : خلق کردی .
2- 254) عاشقان باده نوش : کسانی که از جام محبّت امیرالمؤمنین علیه السلام سیراب شده اند .
3- 255) او : حیدر .

ای خدا غم از دل من دور کن

چشم و قلب بنده را پر نور کن

تا تو باشی در دل و در جان من

تابه ذکر » یا عَلی « گویم سخن

تا شوم پروانه بستان یار

باز گردم حول سیمای نگار

× × ×

الحمدُ للَّهِ الّذی جَعَلنا مِنَ المُتِمّسکینَ بولایهِ علیّ بن ابی طالب علیه السلام

ص :112

بخش دوم : برخی دیگر از اشعار

اشاره

ص: 113

مثنوی در پند و اندرز

پاک شو ای مرد خدا پاک شو

بنده حق باش و بر افلاک شو

خانه دل مسکن شیطان مکن

عقل خدا داد به زندان مکن

طایر بستان خدا باش و بس

از دل و جان دور نما خار و خس

دیده دل را به دعا باز کن

جانب حق بال گشا راز کن

سالک حق باش و برو سوی او

تا که نمایان شودت روی او

هر چه کُنی کشت بروید همان

کار بد و نیک نماند نهان

آن چه که پاینده بوَد آن بخواه

قرب و رضا ، بوسه بر آن بارگاه

ص :115

آینه سان پاک شود جان ما

گر روی از صدق به سوی خدا

پس به گنه تار مکن روح و جان

جامه تقوا بطلب ای جوان

حاصل عمر ار نبوَد جز گنه

پس به یقین عمر تو گردد تبه

حیدر کرار بود رهنما

دامن او گیر به صدق و صفا

جهد کن و دست علی را بگیر

تا که به فردوس رسی ای خبیر

لطف خدا شامل حالش شود

آنکه ز مالش به یتیمان دهد

هر چه دهی بهر خدا بی ریا

چند برابر دهدت آن سرا

خیز و دلی با دِرَمی شاد کن

باده حق نوش و دل آباد کن

کبر بدان با تو چها می کند

دین تو را از تو جدا می کند

شاه جهان باش به افتادگی

هست همین غایت مردانگی

بخل و طمع دور کن از روح و جان

در ره حق کار کن ای مهربان

ص :117

صدق بوَد راه نجات ، محتشم !

توبه کن از کرده بد دم به دم

رهگذر عمر که یک ساعت است

نزد خردمند همه طاعت است

منزل آخر چو بوَد گور تنگ

پس تو به دنیا و فریبش بجنگ

×

ص :117

غزل

منم همان کبوتری اسیر بندِ ناکسان

در آرزویم این بوَد رَوَم به سوی آسمان

ولی شکسته بال و پر چِسان به اوج پر کشم

چگونه بَر شوم روم به آسمانِ بی کران

به خود نگاه می کنم فسرده ام در این قفس

خدا کند که بشکنم حصارهای این جهان

بهشت جای من بوَد نه این زمین و این سرا

نثار دوست بایدم دل و سر و تن و روان

سرشک خون به حال خود ببارم از دو دیده ام

مگر خدا بیفکند نظر به عبد ناتوان

×

ص: 118

دو بیتی

به قلبم چون زدی تیری ز مژگان

ز پا افتادم و بگذشتم از جان

ز داروی طبیبان بی نیازم

مرا جام وصالت هست درمان

×

درون سینه چندان زخم دارم

که لرزد کوه گر بانگی برآرم

نمی بینم به جز تو آشنایی

که سر بر سینه مهرش گذارم

×

دو بیتی

چو ویران توأم آباد هستم

شبستانی پر از فریاد هستم

چه شیرین است آن جذب نگاهت

به من بنگر ، دو صد فرهاد هستم

×

بیا زیبا ! قدم بر دیده بگذار

جهان از ظلم گشته چون شب تار

به شمشیرت بَدان را سرنگون کن

که سفیانی و دجال اند بسیار

×

ص :120

دو بیتی

مرا مسرور کن امروز دلدار !

بگو کی می رسد هنگام دیدار

دلم را آن چنان تسخیر کردی

که آهنگش بود : ای یار ای یار

×

صبا !چون بگذری از کوی دلدار

ببر پیغام دل را جانب یار

که می گوید دمادم از فراقت :

دلا !کی می رسد هنگام دیدار ؟

×

ص :121

دو بیتی

شب و روز از فراقت دیده بارد

مرا امّید وصلت زنده دارد

اگر عاشق به کویت ره نیابد

سزاوارش بوَد گر جان سپارد

×

بیفشان زلف و شوری در جهان زن

نمک بر روی این زخم نهان زن

نگارا پرده از رخسار بر گیر

بهارم باش و آتش بر خزان زن

×

به عطر گیسوانت مست مستم

به عشق روی تو من زنده هستم

مدار کن به من ای نازنین یار

بده جام وصالت را به دستم

×

ص :122

رباعی

تا کاخ ریا یکسره ویران نشود

صحرای وجود کس گلستان نشود

برخیز و به زیر پا لگد کوبش کن

با دلق ریا کسی مسلمان نشود

×

آن کس که نهال خیر در دنیا کاشت

امّید بهشت از خدا بتوان داشت

از عُجب و ریا اگر درون پاک شود

بر بام جهان تواند او پای گذاشت

×

ص :123

رباعی

در روز غدیر آسمان دیدن داشت

بر پای امیر شوق بوسیدن داشت

هر کس که به روی ناز مولا نگریست

در باغ نبی هوای گلچیدن داشت

×

بر روح شهیدان مِنی رحمت باد

پاداشْ خوشا بهشتِ پر نعمت باد

آواز حزین ز عرش ایزد برخاست :

بر آل سعود روز و شب لعنت باد

×

ص :124

رباعی

الحالْ که ماه رخ نمایان کرده است

جانم هوس جمال جانان کرده است

آن شهد نگاه و عطر گیسوی نگار

ویرانه دل کاخ سلیمان کرده است

×

بر دشت دلم خیمه زدی ای دلدار

یک لحظه نقاب روی خود را بردار

من را به تماشای رخت مهمان کن

تا دیده خود را کنم از گل سرشار

×

خطاب به وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

آنان که ز انفاس تو پر بار شدند

سرمست تو از میکده بی زار شدند

گفتند : »هو الحق« نه » أنا الحق « زین رو

لبیک زنان به چوبه دار شدند

×

حاسد که به زعم خویش با ایمان است

او نیک بداند که بسی ویران است

گر دل به حسد سیاه گردد چون قیر

با لطف خدا ، مرگ فقط درمان است !!

×

وصلی اللّٰه علی محمّد وآله الطیبین الطاهرین

ولعنه اللّٰه علی اعدائهم اجمعین الی قیام یوم الدّین

سید محسن طیب نیا

خاک پای قنبر امیرالمؤمنین علیه السلام

28 محرم 1437

ص :126

بخش سوم :گزیده هایی از کتاب سیمای جهان تاب

اشاره

ص: 127

ص :128

کتاب سیمای جهان تاب ، مجموعه ای است مفصّل در بیان زندگانی نورانی و مناقب والای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که محقق ارجمند حجت الاسلام والمسلمین سید محسن طیب نیا در 720 صفحه وزیری تألیف نموده است .

نویسنده در این مجموعه سعی نموده که با شیوه ای هنرمندانه و بیانی شیوا و جذّاب یک دوره زندگانی امیرمؤمنان علیه السلام را با مخاطب قرار دادن آن حضرت به گونه ای شرح نماید تا خواننده خود را قدم به قدم همراه امیرمؤمنان علیه السلام ببیند .

همچنین نویسنده محقق ، با تحقیقاتی وسیع و استنادات مکرر به احادیث نبوی صلی الله علیه وآله و چند صد کتاب مهم تاریخی ، حدیثی و تفسیری و غیره - که عمدتاً از اهل تسنن است - به خوبی وصایت و خلافت بلافصل امیرمؤمنان علیه السلام را اثبات نموده و شبهات مخالفان را با دلائل روشن پاسخ داده است . مطالعه این مجموعه جامع و ارزشمند را به همه حق طلبان سفارش می کنیم .

ما در این جا گزینه هایی از این کتاب را - به عنوان بخش پایانی - می آوریم .

ناشر

ص: 129

بخشی از ارادت نامه کتاب :

سلام بی پایان خدا بر تو باد یا مولا ، یا امیرالمؤمنین ، یا ابا الحسن !

سلام ملائکه و انبیاء و رُسُل و تمام نیکان و پاکان و صالحان عالم بر تو باد !

ای امیرالمؤمنین ! و ای برادر حبیب خدا ! و ای دروازه علم پیامبر خاتم ، و ای محبوب ترین خلق خدا !

سلام بر تو باد

ای رفعت یافته خدا ! ای مجاهد خستگی ناپذیر بی بدیل بشریت ! ای فاتح برتر تمام قله های ارزش های والای جاودان الهی ! سلام بر تو باد !

تویی آن خورشید جهان تاب آسمان ها ، و تویی آن سیمای عالم تاب گیتی افروز !

ملائکه آسمان ها همواره مشتاقند که بال های خویش را بگشایند و زیر قدم هایت قرار دهند تا آن را فرش راه تو کنند .

ای آرام بخش قلب رسول خاتم صلی الله علیه وآله ، ای نَفْس رسول خدا صلی الله علیه وآله ؛

ص: 131

ای ویران کننده کاخ های کفر ، ای قوام و ستونِ دین ، ای آیه آیه و کلمه کلمه و حرف حرف قرآن کریم ، سلام بر تو باد !

هر چند مردمان بی معرفت آن زمان ، تو را نشناختند و خنجرهای آتشین بر قلب مهربانت زدند ، و دشمنانت - که کافرترین و ددمنش ترین خلایق عالم بودند - با تمام ترفندها و نیرنگ ها خواستند تا نور تو را خاموش کنند ؛ اما وجود تو چونان هزاران هزارخورشید در پهنای آسمان گیتی و آسمان قلب ها درخشید و سیمای جهان تاب تو با انواری به وسعت ابدیت عالم و قلب ها را منوّر ساخت .

ای امیرالمؤمنین ! ای شیر خدا ! ای افتخار دین ! ای طراوت بهشت جاوید خدا ! همه ما فدای خاک پای تو ، همان خاک پایی که سزاوار است تمام جهانیان بر آن بوسه زنند و تبرّک گیرند .

ای امیرالمؤمنین ! آرزوی همه عاشقان عارف دلباخته ات این است : ای کاش در آن زمان بودند و صورت هایشان را ردیف ردیف کنار هم قرار می دادند تا آن را فرش گام های تو کنند .

هرگاه عاشقان عارف به مقام تو ، هر جای قرآن را ورق می زنند ، عطر محمّدی تو به مشامشان می رسد که تو روح قرآنی و قرآن با تو معنا می یابد .

ای امیرالمؤمنین ! ای قهرمان قهرمانان عالم ! عاشقان دلباخته ات ، آن کفش کهنه و پر وصله ات را به تمام عالم معاوضه نمی کنند ؛ همان کفش پر وصله ای که روزی به یکی از یارانت گفتی :

چقدر می ارزد ؟

و وی جواب داد :

یا امیرالمؤمنین ! آن قدر مندرس و پر وصله است که هیچ نمی ارزد و قیمتی ندارد !

اما ما با عشق می گوییم :

لب های ما بوسه زنند بر کف آن کفش های پر وصله ات !

ای کاش تاریخ به عقب بازمی گشت و در زمان تو می زیستیم و هزاران بار جان ناقابلمان را عاشقانه به پای تو می ریختیم ، تا با فدا کردن جان خود کمی از غم ها و غصه هایت را - که صابرانه در وجود خود نگه می داشتی - تسکین دهیم و یا مرهمی ناچیز بر آن دل پر زخمت گردیم ؛ اما هزار افسوس که لایق نبودیم ؛ ولیکن تمام افتخار ما این است :

امام ما امیرالمؤمنین است .

ص :133

بخشی از حکمت اول

در بیان تولد امام علی علیه السلام

یا مولا ! یا امیرالمؤمنین !

از تو چه بگویم و چه بنویسم که حق سخن درباره ات ادا کنم ؟ !

اما مگر می شود به گونه ای سخن گفت که حق مقامت ادا شود ؟ چه اگر تمام درختان قلم شوند و دریاها مرکب ، و انسان ها و دیگران حساب گر و نویسنده گردند ، نمی توانند مناقب و فضائلت را شمارش کنند ! اما منِ کوچک چگونه سخن بگویم و بسرایم و بنویسم که بزرگان در این وادیِ عظیمِ بی پایان ، متحیّر و کوچک اند .

آری ! نه بشر توان توصیف مناقبت را دارد و نه فوق بشر ؛ جز آن خدایی که تو را آفرید و رفعت داد .

از طلوعت در عالم نور هیچ نمی توان سخن گفت جز آن چه خود و برادرت و فرزندان پاک و مطهرت علیهم السلام فرموده اید که : ما هزاران سال قبل از ایجاد آسمان ها و زمین و مَلَک موجود بودیم به صورت نور در عالم نور و عابد و ساجد خالق نور !

اما از شکفتنت در زمین شاید قدری بتوان گفت که :

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

مولای من ! زیباترین طلوع و شکفتن در زمین از آن تو است ؛ زیرا در حرمی متولد شده ای که شریف ترین و پاک ترین مکان است و ساجدان با روی نمودن به آن از خاک ، به سوی افلاک پر می کشند .

خداوند پاکِ هستی بخش ، اراده نمود که تولدت درون کعبه معجزه و نشانه ای بزرگ باشد تا جهانیان اگر اهل اندیشه اند در آن بیندیشند !

نمی دانم آن زمانی که نورت از کعبه طلوع کرد بر زمین و زمان و آسمان چه گذشت ؟ ! !

آیا جان آسمان از شوقت به نفس نفس افتاده بود ؟ ! و قلب زمین از اشتیاقت به تپش تپش ؟ !

نمی دانم ملائکه در آسمان ها اشک می ریختند یا مشتاقانه می خندیدند؟ !

اما یقیناً تسبیح ملائکه در آن زمان ذکر تو بود که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود :

ذکر علی عبادت است .

آیا با تولدت عشق رنگ و بویی دیگر گرفت ؟ آیا عشق تفسیر شد ؟ آیا عشق و جنون یکی شد ؟ یا عشق از آن زمان تاریخ تولد یافت ؟ یا اصلاً باید بگویم واژه ها در آن زمان در مقابلت بی معنا شدند ! !

هر چه بود عطر این تولد پاک که بسی خوشبوتر از عطر تسنیم بهشت است ، زمین و آسمان و ملکوت را پر کرد و این عطر تا ابد مشام مشتاقان دلسوخته ات را سرشار نموده است !

ص: 136

یا علی !

قبل از تولدت در عالم خاک ، تو در عالم نور و افلاک چه معامله ها با خدا کردی که از بدوِ تولدت چنین رفعت و مقام و منزلتی را خدا مختصّ تو نمود ؟ !

و اما در این سرای دنیا زیباترین و عالی ترین معامله ها را با خدا نمودی ، و همیشه بعد از رسول خاتم صلی الله علیه وآله اول بودی و دیگر یاران رسول رحمت صلی الله علیه وآله با فاصله ای بیشتر از فاصله آسمان اول تا هفتم در پشت سر تو تا ابد خواهند بود !

یا علی ! سرّ این همه مواهب و مناقب و عظمت و مقام از جانب حضرت حق سبحانه برای تو چیست ؟ ما نمی دانیم و خدا می داند !

ص: 137

بخشی از حکمت دوم

در بیان این که امام علی علیه السلام سبقت گیرنده در دین خداست

سراسر شرق و غرب در طول تاریخ روزگار ، کسی را چون تو فاتح قلّه ارزش ها - بعد از برادرت رسول خداّ صلی الله علیه وآله - ندیده است .

آری ! تویی آن روح جاودان ارزش های عالمْ که تمام قله ها را فتح نموده ای ، و بهترین عالمیان در دامنه های آن به سر می برند .

پیشگامی تو در تمام ارزش های الهی سبب شد که محبوب ترینِ خلق خدا شوی و این سخن برادرت رسول خداست که تو را محبوب ترین خلق خدا نامید .

تو آن چنان در قلّه عالی ارزش های الهی دارای مقامات هستی که درجات پائین آن را هم نمی توان پیمود !

دشمنانت چه بسیار سعی نمودند که فضائل ات را بپوشانند و تمام ترفندها و نیرنگ ها را برای خاموش کردن نور تو - که پرتویی از نور عظمت خدا است - به کار بردند ؛ اما خود خاموش شدند و تو چون خورشیدی فروزان در پهنه آسمان دل های عاشقانت درخشیدی .

ص: 139

آن زباله های شجره خبیثه اموی هر چند هفتاد سال مزدوران حرام خوار خود را اجیر نمودند که بر منابر به تو ناسزا گویند ؛ اما چون رفعت و مقامت از جانب خدا بود ، هرگز ذرّه ای از محبت تو در دل های عاشقان دلباخته بی قرارت کم نشد ؛ بلکه افزون گشت !

آن خاندان پست ، آن خاندان نابکار ، آن خاندان ناپاک زاد که اولشان کافر ، اوسطشان کافر ، و آخرشان کافر بودند کجا و خاندان پاک تو که اوّلشان محمّد صلی الله علیه وآله ، اوسطشان محمّد صلی الله علیه وآله و آخرشان محمّد صلی الله علیه وآله کجا ؟ !

اکنون مهر تو در دل ها می جوشد و آتش عشق زبانه می زند و دلباختگانت در جای جای عالم نام تو قبله گاه قلبشان است .

آری !

حق پایدار است و باطل نابود شدنی است . و تو در قلب ها جاودان شدی ، که جاودانگی ثمره اخلاص بی مثال تو است .

ای عصاره عطر محمّدی صلی الله علیه وآله ! ای آینه تمام نمای رسول خدا صلی الله علیه وآله ، ای آیه آیه آیات الهی ! ای کلمه کلمه و حرف حرف قرآن مجید !

ای خورشید فروزان ارزش های الهی تا قیام قیامت ! ای طلوع صبحی روشن به وسعت تمام افق های عالم ! ای تفسیر کننده اسماء و صفات الهی ! ای عطر کلام خدا !

ایمان تو از همان ابتدا همان صبح صادقی بود که روشنایی ابدی را برای بشریت به ارمغان آورد که آن هرگز غروب نمی کند و هرگز تیرگی و سیاهی حتی به صورت رَگه یا ذرّه در آن پدیدار نمی گردد !

آری ، آری !

آن ایمانی ارزشمند است که پایدار باشد و چه بسیار افرادی که ایمان

آوردند ، اما در ایمان پایدار نبودند و آن را با ظلم ویران کردند ، اما تو نه تنها در سخت ترین شرایط از ایمانت کاسته نشد ؛ بلکه سختی ها و دشواری ها بر ایمانت افزود و آن خورشید مبارک وجودت که در کعبه طلوع کرد با ایمان و پایداری و مجاهدت هایت در چنان وسعتی از افق قرار گرفت که تا ابد برای رهپویان راه خدا نورافشانی می کند و ظلمات را می شکافد .

آنان که مقام و جایگاه تو را مدّعی شدند ، سال ها بلکه بخش عمده حیاتشان را در بت پرستی و شراب خواری به سر می بردند ؛ حتی اگر ابراز و اظهار اسلامشان را هم صادق بدانیم و نه از روی طمع ؛ اما در ایمان پایدار نبودند ؛ زیرا آن چه را که شایسته مقام آنان نبود مدّعی شدند و جایگاهی را برای خود گرفتند که مقام و منزلت تو بود .

وا اسفا بر مردم روزگار تو ! که چگونه خورشید فروزان وجودت را رها کردند و سایه نشین ظلمات شدند ، و این در حالی بود که بارها از پیامبر صلی الله علیه وآله شنیده بودند که درباره ات فرموده بود :

علی همیشه با حق است و حق همیشه با علی است ، و حق همیشه دور علی می گردد هر کجا که باشد .

تویی آن نور هدایت الهی در تمام اعصار و تویی آن کس که در افلاک ، ملائکه به تو مباهات می کنند و در آسمان ها مشهورتری تا در زمین !

ای کسی که دشمنانت ددمنشان عالم اند و عارفانت پاکان عالم !

و ای طراوت کلام خدای جهان آفرین که بارها ملائکه به امر خدا به پاس ایمان و مجاهدت هایت برای تو در آسمان ها ندا دادند :

آفرین ! آفرین !

ص: 141

اعتراف داریم که آن کس که تو را منکر شد هرگز خدا را نشناخت و آن کس که تو را تصدیق نمود و شناخت ، خدا را شناخت و از خداوند مهربان می خواهیم که ذرّه ای از معرفت و شناخت تو را به ما عنایت فرماید که در پرتو آن شناخت ، بنده خدا گردیم .

ص: 142

بخشی از حکمت پنجم

در بیان مقام شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام

... این یک اصل است که همیشه خوبان به خوبان و بدان به بدان ملحق می شوند .

همواره یاران وفادار پیامبران از پاکان و مخلصان بوده اند و یاران بی وفا و دشمنانشان از ناپاکان و مشرکان .

یاران و پیروان تو همان یاران با بصیرت رسول خدا صلی الله علیه وآله - همچون سلمان ، ابوذر ، مقداد و عمار - بودند که تو را تصدیق نمودند و خاضع مقام و منزلتت شدند .

آن بامعرفتان مخلص کسانی بودند که هرگز ایمانشان را با ظلم نیالودند و هرگز وجودشان را از خورشید تابناک ولایتت بی نیاز ندیدند .

یا مولا !

پیامبر صلی الله علیه وآله چه کسی را از اهل بیت خود خواند و فرمود : علم او چون دریایی است که نمی توان به عمق آن رسید ؟

ص: 143

یا مولا !

پیامبر صلی الله علیه وآله درباره کدام یک از صحابه فرمود که بهشت مشتاق دیدار اوست ؟

یا مولا !

پیامبر صلی الله علیه وآله کدام یک از یاران خود را این گونه توصیف نمود که آسمان و زمین ، کسی را راستگوتر از او ندیده است ؟

آری !سلمان

آری !ابوذر

همان پاکان ، همان مجاهدان ، همان مخلصان !

آری !آری !

از همان ابتدا پاکان و خوبان عالم عاشق تو بودند .

پیروان راستین تو که مصائب را در راه حفظ دین حق ، به جان خریدند همواره در طول تاریخ اسلام ، پیشگامان ایمان و معرفت بوده اند ، و چه بسیار از پیروان راستین تو که در راه احیای حق جان خود را در طبق اخلاص تقدیم دوست نمودند تا ارزش های والای دین محمّد صلی الله علیه وآله حفظ شود .

پیروان راستین تو که از جام ولایتت ، شراب ناب محمّدی صلی الله علیه وآله نوشیدند و در سرزمین پاک علوی روئیدند ، همواره آزادگان جهان بوده اند .

تو در ایمان پیشگام و پایدار بودی و پیروانت نیز پیشگامان و پایدارانند ؛ تو در میدان نبرد با دشمنان خدا ، شیر و قهرمان بودی ، و پیروان تو نیز قهرمانان و شیرانند ؛ تو نسبت به دنیا بی رغبت بودی و مشتاق لقای خدا و پیروان راستین تو نیز بی رغبتان و مشتاقانند .

و از این رو رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره تو و شیعیان تو فرمود :

ای علی ! تو و شیعیانت رستگاران روز قیامت هستید .

پیروان راستین تو حقیقتاً اهل تقوا و پاکی هستند . پیروان راستین تو اهل عبادت خالصانه و به دور از ریا می باشند . شیعه به اسم و نام نیست ؛ بلکه به ایمان و عمل است و پیروان راستین تو اهل ایمان و عمل اند . شیعیان واقعی تو اهل نماز اول وقت می باشند و آن را بر هر کاری ترجیح می دهند . شیعیان واقعی تو مدام کلام خدا را می خوانند و در آن تفکر می کنند . شیعیان راستین تو همان مجاهدان راه خدا می باشند که هرگز با دشمنان خدا کنار نمی آیند ؛ و شیعیان راستین تو همان منتظرانند ، منتظران فرزندت مهدی علیه السلام ، تا ظهور نماید و در رکاب او برای احیای دین حق جانشان را نثار کنند .

ص: 145

بخشی از حکمت ششم

در بیان لیله المبیت

تو همیشه در آزمون های الهی مقدّم و سرافراز و پیروزمند بودی ؛ نه تنها همیشه در ایمان ممتازترین رتبه ها را کسب نمودی ، بلکه در ایثار و فداکاری و بذل جان نیز پیشگام بودی و سایر مؤمنان مخلص با فاصله ای بسیار بسیار زیاد پشت سر تو قرار داشتند .

تو در بهار جوانی خود حاضر شدی که تمام هستی خود - که جان ارزشمندت بود - را برای حفظ نهال اسلام در راه حق فدا کنی و در راه خدا با آغوش باز به استقبال مرگ رفتی و ذرّه ای نترسیدی و ایثار و جانبازی تو نه برای بهشت یا نجات از دوزخ بود ؛ بلکه فقط برای کسب رضای الهی بود .

... حالا باید دید چه کسی حاضر می شود در بستر پیامبر صلی الله علیه وآله - که قرار شده است چهل شمشیر برنده بر آن فرود آید - بخوابد و جان خود را فدای وی کند ؟ !

آری یا امیر مؤمنان !

آن شخص فداکار تو بودی ؛ تو بودی اولین مؤمن به رسول خدا صلی الله علیه وآله ،

ص: 147

و تو بودی که همواره چونان پروانه ای عاشق به دور خورشید وجود پیامبر صلی الله علیه وآله می گشتی ، و آن گاه که برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله موضوع را با تو در میان گذاشت ، بدون کوچکترین تردید پذیرفتی و به او گفتی : ای پیامبر خدا ! آیا با خوابیدن من در آن جا شما سالم خواهید ماند ؟ و آن حضرت فرمود : آری ! سالم خواهم ماند .

آنگاه با چشمانی اشکبار و تبسمی زیبا خود را بر روی زمین انداختی و سجده شکر به جای آوردی و برخاستی و گفتی : آنچه را مأمور گشته ای انجام ده که چشم و گوش و سودای قلبم فدای تو باد ! فرمانم ده به هر آنچه می خواهی که همانند دستیار شما هستم ، هرگونه که شما بفرمائید در آن وارد می شوم و موفقیتم فقط از ناحیه خداست .

چه زیبا ! چه زیبا !

تو در آن بهار جوانی - که هر جوانی مشتاق زندگی است - از زندگی و سلامتی خود هیچ نپرسیدی و فقط و فقط از زندگی و سلامتی برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله پرسیدی و آنگاه که آن حضرت مژده سلامتی اش را به تو داد ، مشتاقانه بر خاک افتادی و خدا را شکر نمودی .

آری ! بی جهت نبود که محبوب رسول خدا شدی و عزیزترین کس در نزد ایشان ؛ تا آن جا که درباره ات فرمود :

همانا گوشت علی از گوشت من است و خون او از خون من .

و نیز درباره ات فرمود :

علی برای من مانند سر من است برای پیکرم .

و بارها نسبت به تو سفارش کرد و فرمود :

علی از من است و من از علی و هر کس علی را بیازارد ، مرا آزرده است .

تو همواره عزیز و محبوب قلب رسول خدا صلی الله علیه وآله بودی ؛ اما با این رشادت و ایثار بزرگت ، در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه وآله و ملائکه آسمان ها عزیزتر شدی . تو از آغاز شب در بستر پیامبر صلی الله علیه وآله خوابیدی و آن حضرت صلی الله علیه وآله در موقعیتی مناسب از منزل خارج شد .

پاسی از شب گذشته بود که به وسیله چهل نفر - که هر کدام از آنان شمشیر برّانی در دست داشت - محاصره خانه پیامبر صلی الله علیه وآله آغاز شد ؛ آنان از شکاف در به خانه نگاه می کردند و وضع را عادی می دیدند ...

... هر چند تو در آن واقعه جان سالم به در بردی ولی ارزش کار تو به خاطر این است که از خطر نهراسیدی و با آغوش باز و مشتاقانه برای دفاع از حق به استقبال مرگ رفتی .

این جانبازی تو به اندازه ای ارزش داشت که خداوند متعال در کتاب جاویدش آن را ستوده و آن را فقط در راه کسب رضای الهی نامیده است (1).

1- 256) سوره بقره ، آیه 207 .

بخشی از حکمت هفتم

در بیان بستن عقد اخوّت توسط پیامبر صلی الله علیه وآله با علی علیه السلام

تو با آن فداکاری ات در لیله المبیت ، در چشمان رسول خدا صلی الله علیه وآله محبوب تر و عزیزتر شدی . مردم بارها از رسول خدا شنیده بودند که تو را برادر خویش صدا می زد و می فرمود :

برادرم علی را صدا بزنید !

آن چنان محبوب قلب رسول خدا صلی الله علیه وآله بودی که در بین یاران ، تو را محبوب ترین خلق خدا معرفی نمود ، آنگاه که مرغ بریانی خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله هدیه آوردند و رسول خدا صلی الله علیه وآله سر بر آسمان گشود و چنین فرمود : بارالها ! محبوب ترین خلق خود را برسان تا در تناول این خوراک شریک من گردد ! !

آن گاه درب خانه رسول خدا صلی الله علیه وآله کوبیده شد و رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود : درب را بگشائید که محبوب ترین خلق خدا رسید ، و آن گاه که درب منزل رسول خدا صلی الله علیه وآله را گشودند ، قامت دلربای تو چشمان رسول خدا صلی الله علیه وآله را

روشن و قلب مطهّرش را شاد ساخت و تو را به میهمانی خود فرا خواند و فرمود :

یا علی ! تو محبوب ترین خلق خدا هستی .

... رسول خدا صلی الله علیه وآله بعد از استقرارش در شهر یثرب ، به یاران دستور داد که مسجدی بنا کنند و تو دوشادوش پیامبر صلی الله علیه وآله و دیگر یاران بنای مسجدی ساده و کوچک را به پایان رساندید .

وقتی ساختمان ساده مسجد به پایان رسید برخی از مهاجران خانه های خود را در اطراف مسجد بنا کردند و از خانه های خود دربی به سوی مسجد باز نمودند تا هنگام نماز از منزل خود مستقیم وارد مسجد شوند . چندین روز بدین منوال گذشت ؛ ناگهان دستوری از سوی پروردگار جهانیان رسید که باید تمام درهای خصوصی که از خانه ها به سمت مسجد باز می شود ، بسته شود ؛ جز درب خانه تو و علی !

این عمل سر و صدایی در میان برخی به وجود آورد و گمان کردند که این استثناء جنبه عاطفی و فامیلی داشته است که برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله برای روشن کردن اذهان مردم فرمود : به خدا قسم ! من چیزی را نبستم و چیزی را نگشودم ، فقط فرمان خدا را اطاعت کردم .

تو از چنان مقامی در پیشگاه خداوند متعال بهره مند بودی که خداوند متعال فقط به تو و برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله اجازه داد تا درب منزلتان به سوی مسجد گشوده باشد و فرمودند دیگر درب ها باید مسدود گردد .

از اقدامات مهمی که برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله در ابتدای ورود به

مدینه انجام داد ، بستن پیمان اُخوّت و برادری در بین یاران خویش بود ؛ آن حضرت صلی الله علیه وآله از طرف خداوند مأمور گشت تا جهت نزدیکی بیشتر قلوب مسلمانان با یکدیگر مهاجرین و انصار را با هم برادر کند . از این رو روزی در یک انجمن عمومی به یاران خود فرمود : دو تا دو تا با یکدیگر برادر دینی شوید ، و سپس رو به مسلمانان می کرد و می فرمود : تو برادر فلانی هستی ، تا این که پیامبر صلی الله علیه وآله سیصد نفر از مهاجرین و انصار را با یکدیگر برادر اعلام نمود .

آنگاه که کار اخوّت به پایان رسید تو با چشم های اشک بار به رسول خدا صلی الله علیه وآله عرض کردی :

یا رسول اللَّه : بین یاران خود عقد اخوّت برقرار کردی ، اما میان من و دیگری برقرار نفرمودید ؟

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه وآله با چهره ای خندان در چشمانت نگریست و فرمود:

یا علی ! پیمان برادری تو را به تأخیر نینداختم مگر این که تو را برادر خود کنم که تو فقط سزاوار منی و تو برادرم در دنیا و آخرت می باشی .

آنگاه آغوش مشک بارش را گشود و تو را در آغوش خویش - که وسیع تر از سرزمین بهشت است - گرفت و به تو فرمود :

دو هزار سال قبل از آفرینش آسمان ها و زمین بر سر در بهشت نوشته شده بود : محمّد فرستاده خدا و علی برادر رسول خداست .

خدا می داند آنگاه که رسول خدا صلی الله علیه وآله با تمام عشق تو را در آغوش گرفت ، یکی از زیباترین صحنه های عالم جلوه گر شد . در آن هنگام

قلب های یاران مخلص رسول خدا صلی الله علیه وآله از شادی لبریز گشت و ملائکه در آسمان ها بر نام تو و برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله که ثبت آسمان ها بود گل هایی از جنس نور پاشیدند و صلوات سر دادند .

و آن گاه که رسول خدا صلی الله علیه وآله تو را در آغوش خویش گرفت ، بوی معطّر بدنش را که خوش بوتر از شراب تسنیم بهشت است را استشمام نمودی ، و او نیز بوی معطر بدنت را که خوش بوتر از نهر سلسبیل بهشت است را استشمام نمود ، و این عطر خوش عقد اخوت رسول خدا صلی الله علیه وآله با تو ، برای همیشه در دنیا و برزخ و آخرت و بهشت ، مشام عارفان دلسوخته شما خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را معطر نموده است .

آری !

رسول خدا صلی الله علیه وآله خواستند تا با این عقد برادری به همه بفهمانند که تو نه تنها عزیزترین عزیزانش هستی ؛ بلکه در تمامی مراتب و مقامات - به جز مقام نبوّت و رسالت - با وی شریک و همسانی ، همان گونه که در کلام دیگری درباره ات فرمود :

ای علی ! آیا راضی نمی شوی که بگویم مقام و منزلت تو نسبت به من همان مقام و منزلت هارون است نسبت به موسی ؛ مگر این که تو پیامبر نیستی ؟

و نیز درباره ات فرمود :

علی از من است و من از علی .

و فرمود :

هر کس علی را بیازارد مرا آزرده است .

ص :154

و فرمود :

نگاه کردن به چهره علی عبادت است .

و به دشمنان و مخالفان تو هشدار داد که هر کس با عداوت و بغض علی بمیرد ، بر دین یهودی و یا نصرانی خواهد مرد ، نه بر دین اسلام .

و رسول خدا تو را صدیق اکبر و فاروق اعظم نام نهاد .

و درباره ات فرمود :

علی امام نیکان و کشنده دشمنان خدا است ، و یاری کننده وی پیروز و دشمنان و بدخواهان او خوار و ذلیل اند .

و به تو فرمود :

یا علی ! تو وصی من در خاندانم و خلیفه ام در امتم هستی .

و نیز درباره فضائل خدادادی و بی کرانت فرمود :

اگر درختان قلم شوند و دریاها جوهر آن و جن و انس حساب گر آن ، نمی توانند فضائل علی بن ابی طالب را جمع کنند .

و همچنین به دشمنان قسم خورده ات و به منکران فضائل و مقام خدا داده ات وعده داده است که روز قیامت محشور می شوند با طوقی از شعله های آتش در گردنشان به پای حساب و میزان الهی !

ص: 155

بخشی از حکمت یازدهم

در بیان رشادت حضرت علی علیه السلام در جنگ احد

در جنگ بدر که عمدتاً با رشادت های تو کفار قریش دچار شکست سخت و ذلّت باری شدند ، تصمیم گرفتند برای جبران آن و اعاده حیثیت از دست رفته خود در بدر درصدد انتقام برآیند ؛ از این رو همه سران کفر توافق کردند مال التجاره ای را که ابوسفیان در جنگ بدر سالم به مکه رسانده بود ، صرف هزینه انتقام از رسول خدا صلی الله علیه وآله و مسلمانان کنند .

سپاه شرک متشکّل از سه هزار مرد جنگی با اسبان متعدد و تجهیزات فراوان نظامی به فرماندهی ابوسفیان راهی مدینه شد ...

... آنگاه که پرچم داران سپاه کفر توسط تو یکی پس از دیگری کشته شدند ، سپاه خود را شکست خورده دیدند و با رها کردن مقادیر زیادی از سلاح های خود پا به فرار گذاشتند . مسلمین که خود را پیروز معرکه می دیدند ، بدون توجه به بازگشت دشمن با خیال آسوده مشغول جمع آوری غنائم شدند و تو در آن هنگام در کنار رسول خدا صلی الله علیه وآله بودی

و مواظب بودی که نکند دشمن طی نقشه ای بی محابا حمله کند و جان پیامبر صلی الله علیه وآله در مخاطره قرار گیرد .

» خالد بن ولید « از فرماندهان سپاه کفر بسیار تلاش کرد که از پشت سر به مسلمین حمله کند ؛ اما آن پنجاه نفر - که پیامبر صلی الله علیه وآله بر فراز شکافی از کوه قرار داده بود - با تیراندازی مانع عبور وی و سپاهیانش شدند ؛ اما زمانی که تیراندازان - بجز ده نفر از آنان - همگی به گمان پیروزی ، به پائین کوه جهت عقب نماندن از جمع آوری غنائم ، سرازیر شدند ، خالد بن ولید با تعداد زیادی از لشکریان شرک به مسلمانان حمله نمودند و آن ده سرباز اسلام را به شهادت رساندند و به دل سپاه اسلام که مشغول جمع آوری غنائم بودند ، تاختند .

در این موقع مسلمین از جلو و عقب مورد تهاجم دشمنان واقع شدند و شیرازه سپاه اسلام از هم پاشیده شد . در این هنگام » عمره « دختر علقمه « از این موقعیت استفاده کرد و پرچم واژگون شده قریش را به دست گرفت و افراد فراری را به بازگشت و پایداری فراخواند . فراریان با دیدن پرچم افراشته بار دیگر به میدان آمدند و لشکر خود را سامان داده و مسلمین را محاصره کردند .

در این میان شخصی به نام » عبداللّٰه بن قمیئه لیثی « که می خواست پیامبر صلی الله علیه وآله را به قتل برساند ، مصعب بن عمیر را که وقتی زره می پوشیید شبیه آن حضرت صلی الله علیه وآله می شد ، کشت و فریاد زد : محمّد را کشتم !

شایعه قتل رسول خدا صلی الله علیه وآله شیرازه سپاه مسلمین را کاملاً از بین برد و مسلمانان روحیه خود را از دست دادند و بدون این که به پشت سر خود نگاه کنند برخی به سوی مدینه و برخی دیگر به سوی کوه احد گریختند !

ص: 158

پیامبر صلی الله علیه وآله مسلمانان در حال فرار را با صدای بلند صدا می زد ، ولی احدی به پشت سر خود نگاه نمی کرد و همه در حال فرار بودند .

در آن گیر و دار گروهی از کفار هم قسم شدند که یکپارچه به پیامبر صلی الله علیه وآله حمله کنند و آن حضرت صلی الله علیه وآله را به قتل برسانند .

اما تو یا علی !

در آن کار زار سخت ، یک قدم هم عقب نشینی نکردی و چنان رشادتی برای حفظ جان برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله از خود نشان دادی که اهل زمین و آسمان حیرت زده شدند !

تو در آن پیکار سخت چون صد شیر دور پیامبر صلی الله علیه وآله می چرخیدی و ضربات را از او دفع می نمودی و مهاجران را به هلاکت می رساندی ... در آن هنگام برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود :

علی از من است و من از علی .

و در آن میان صدایی از آسمان برخاست که می گفت :

لا فتی إلّا علی ولا سیف إلّا ذوالفقار !

باز پنجاه نفر از کافران دسته جمعی به برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله حمله کردند و تو با فریادهایت به دل پنجاه تن زدی و تعدادی از آنان را کشتی و بقیه هم از ترس پا به فرار گذاشتند و مجدداً آن ندا در آسمان پیچید : لا فتی إلّا علی ولا سیف إلّا ذوالفقار !

در این میان جبرئیل فرود آمد و به رسول خدا صلی الله علیه وآله گفت : راستی که علی فداکاری می کند و فرشتگان از فداکاری او به شگفت آمده اند !

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود : چرا چنین نباشد ؟ او از من است و من از اویم !

در آن روز مکرر از آسمان صدایی شنیده می شد که می گفت : لا فتی إلّا علی ولا سیف إلّا ذوالفقار و گوینده دیده نمی شد . از پیامبر صلی الله علیه وآله سؤال کردند که گوینده کیست ؟ فرمود : جبرئیل است .

تو جانانه جنگیدی و از جان پیامبر صلی الله علیه وآله دفاع کردی در حالی که بدنت از شدّت زخم ها و جراحات غرق خون بود ؛ اما فقط در فکر نجات جان رسول خدا صلی الله علیه وآله بودی !

همان کسانی که بعدها ادّعای مقام تو را کردند جزو اولین کسانی بودند که از ترس مردن پا به فرار گذاشتند ! !

اما تو در آن نبرد کاملاً نابرابر در حالی که پیکرت بیش از شصت زخم کاری برداشته بود، چون شیر می غرّیدی و از رسول خدا صلی الله علیه وآله دفاع می کردی.

فریادهای مکرّر پیامبر صلی الله علیه وآله و رشادت های بی نظیر تو و همچنین مقاومت چند تن دیگر از یاران مخلص رسول خدا صلی الله علیه وآله ، سبب گردید که گروهی از مسلمین که فرار کرده بودند ، بازگردند و کفار را عقب رانده و پیامبر صلی الله علیه وآله را به جای امنی منتقل نمایند .

هنگامی که با رسول خدا صلی الله علیه وآله از میدان احد به مدینه برگشتید ، حضرت فاطمه علیها السلام در حالی که ظرفی پر از آب در دستش بود به استقبال پدر شتافت و صورت خون آلود پدر را شست و آنگاه که تو وارد شدی و در دستت شمشیر ذوالفقار بود و دستت تا شانه غرق در خون بود به همسرت فاطمه علیها السلام فرمودی :

ای فاطمه !

این شمشیر را که مورد سرزنش نیست بگیر و من ترسو نیستم و نه این که مورد ملامت واقع شوم .

سوگند به جانم ! تا آخرین درجه امکان به یاری محمّد شتافتم و در راه اطاعت خدای آگاه به بندگان ، گام برداشتم .

خون دشمن را از این شمشیر پاک کن ، شمشیری که دودمان پرچمداران دشمن را جام حمیم دوزخ آشاماند .

پیامبر صلی الله علیه وآله در این هنگام فرمود :

ای فاطمه !

این شمشیر را بگیر که شوهرت آن چه سزاوارش بود ، ادا کرد و با آن شمشیر گردنکشان قریش را به خاک هلاکت افکند .

آنگاه پیامبر صلی الله علیه وآله اُمّ سلمه و امّ عطیه را دستور داد تا زخم های تو را مداوا کنند ؛ آن دو همسر پیامبر صلی الله علیه وآله خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله رسیدند و گفتند : ما هر جای او را درمان می کنیم ، جای دیگر سرباز می کند و لذا ما بر جان وی بیمناکیم . رسول خدا صلی الله علیه وآله به اتفاق جمعی از مسلمین به عیادت تو آمد ، در حالی که تو غرق در جراحت روی زمین خوابیده بودی ؛ برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله دست بر زخم های تو می کشید و آن ها بهبود می یافت و می فرمود :

همانا مردی که این چنین در راه خدا بلا ببیند بی شک تلاش خود را کرده و معذور است .

تو در آن هنگام گفتی :

سپاس خدای را که فرار نکردم و به دشمن پشت ننمودم .

و سپس افزودی :

اما افسوس که از فیض شهادت محروم شدم !

برادرت به تو فرمود :

آن را نیز - ان شاء اللَّه - در پیش داری .

آری !

تو مجدداً در آزمون سخت الهی رو سفید و پیروز گشتی و از مرگ نترسیدی و در راه دوست ، جانت را در طبق اخلاص قرار دادی و محبوب رسول خدا صلی الله علیه وآله بودی و محبوب تر شدی ، و این در حالی بود که برخی از مدّعیان ، از آن آزمون الهی سرافکنده خارج شدند .

تو سبب حیرت ملائکه آسمان ها شدی ، آنان از آن بالا به تو می نگریستند و بر تو و رشادت هایت درود می گفتند و آفرین نثارت می کردند ، و جبرائیل امین آن چنان مبهوت رشادت و جان فشانی هایت گشته بود که در آسمان و زمین مکرر ندا سر می داد :

لا فتی إلَّا علی ولا سیف إلّا ذوالفقار !

مردمان دامن این و آن را گرفتند و ما مفتخریم که امام مان علی است .

ص: 162

بخشی از حکمت چهاردهم

در بیان این که علی علیه السلام در روز قیامت بهشت و جهنم را تقسیم می کند

از تو چه بگویم که هر چه بگویم تو والاتر از آنی ! عظمت و مقام بی مثالت چشم ساکنان آسمان ها را خیره کرده است و ما بندگان خاکی چه می توانیم از تو بگوئیم ؟

در دنیا مردمان بی معرفت تو را نشناختند ؛ لیکن در قیامت و در روز رستاخیز ، خداوند متعال عظمتت را آشکار می سازد .

و در آنجا مردمان و منکران می فهمند که علی کیست !

در دنیا بسیاری تو را انکار نمودند و تو را زجرها دادند و خاندان پاک و مطهرت را به شهادت رساندند ؛ اما در روز رستاخیز ، تو به اذن خداوند همه کاره ای .

خداوند به پاداش ایمان خالص و بی مانندت و رشادت ها و جان فشانی های تحیّرآفرین بی مثالت در نابودی کفر و اعتلای کلمه توحید ، به تو مقام و منزلتی عطا می کند که فقط مخصوص تو است .

ص: 163

آری !

فقط مخصوص تو است و آن تقسیم کننده بهشت و جهنم برای همه مردمان از اولین تا آخرین است .

برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله در سخنان مکرر خود فرمود :

علی در روز قیامت بهشت و جهنم را تقسیم می کند .

و فرمود :

هیچ کس وارد بهشت نمی شود مگر بعد از تقسیم علی .

و خود نیز بارها در کلامت فرمودی :

من تقسیم کننده بهشت و جهنمم .

آری ! خداوند به هر کس که بخواهد مقامات عالیه و عزّت بی مانند می دهد و خداوند به تو عزّت و مقامات بی مانند را عنایت فرمود ، و خدا می داند و دیگران نمی دانند و خداوند اراده می کند و انجام می دهد و هیچ موجودی توان ایستادن در مقابل اراده الهی را ندارد !

آری

در روز قیامت ، عرصه رستاخیز به دست تو است و تو قسمت می کنی بهشت و جهنم را برای مردمان .

و اما دشمنان تو و منکران امامت تو !

دشمنان تو - که حتی تحمّل شنیدن نام مبارکت را هم ندارند - با این بیان بروند و سر خود را بر دیواری سنگی بکوبند و متلاشی کنند .

و پیروان » ابن تیمیه «) وهابیون (که هم اکنون جنایت ها به اسم اسلام

مرتکب می شوند و پیروانت را کافر می دانند و با بمب گذاری در مساجد و اماکن ، پیروانت از پیر و جوان و کوچک و بزرگ را برای تقرّب به خدا ! ! ! تکه تکه می کنند ، بروند خود را حلقه آویز نمایند که برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره شیعیانت فرمود :

آنان رستگاران روز قیامت اند .

ص: 165

بخشی از حکمت هفدهم

در بیان واقعه شکوهمند غدیرخم

سلام بر تو ای برادر رسول اللَّه صلی الله علیه وآله و حجت خدا و امام عالمین !

سلام بر تو یا امیرمؤمنان ! که حیات قلوب خاکیان افلاک نشینانی و فخر کرّوبیان آسمان ها .

در این حکمت می خواهم از غدیر بگویم ، از آن چشمه جوشان و زلال معرفت که تا ابد می جوشد و کام تشنگان معارف ناب را سیراب می کند .

غدیر برکه نیست ؛ اقیانوسی است که عرض آن از وسعت بهشت جاوید خدا فراخ تر است .

در این اقیانوس بی کران صورت هزاران هزار خورشید می درخشد ؛ ولی انوار شکافنده آنان نتوانسته است عمق آن اقیانوس عظیم را درنوردد .

غدیر ظاهری دارد و باطنی؛ ظاهر آن اعلان خلافت و امامت بلافصل ات از جانب خدا توسط برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله است ؛ و اما باطن این اقیانوس بی کران را ما نمی دانیم و خدا و رسولش صلی الله علیه وآله می دانند !

ص: 167

غدیر تجلّی گاه اراده خداست !

در سال دهم هجری پیامبر صلی الله علیه وآله با یکصد هزار نفر از مسلمین راهی حج گردید .

مسلمانان اعمال و مناسک حج را زیر نظر رسول خدا صلی الله علیه وآله به پایان رسانیدند و به دستور آن حضرت صلی الله علیه وآله راهی سرزمین مدینه و سرزمین خود شدند . هنگامی که کاروان به سرزمین » رابغ « که در سه میلی » جحفه « - که یکی از میقات های احرام است - رسید ، جبرئیل امین در نقطه ای به نام غدیرخم فرود آمد و آن حضرت صلی الله علیه وآله را با آیه ذیل مورد خطاب قرار داد :

ای رسول ! آنچه که از طرف خدا فرستاده شد بر مردم ابلاغ کن و اگر چنین نکنی رسالت خود را تکمیل نکرده ای ، خداوند تو را از شر مردم) بدخواهان (حفظ خواهد کرد .

لحن آیه سخن از مأموریت سنگینی دارد که با ترک آن رسالت ناقص می شود و بدون شک درباره توحید و مبارزه و نماز و روزه و غیره نبود ؛ زیرا قبلاً احکام این مسائل کاملاً بیان شده بود .

پس این مأموریت سنگین چیست یا امیرمؤمنان ! که ترک آن یعنی بی نتیجه بودن رسالت ؟ !

آری ! با توجه به این که آیه فوق در سال آخر عمر با برکت برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله نازل شده ، بدون تردید مربوط به مسئله خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه وآله است .

پیامبر صلی الله علیه وآله دستور توقف را صادر نمود و فرمود : کسانی که جلو

کاروان هستند ، باز ایستند و آنان که در عقب کاروان اند ، سریع تر خود را ملحق سازند ...

... پیامبر صلی الله علیه وآله خطبه ای خواند :

حمد و سپاس مخصوص خداست ، از او یاری می طلبیم ...

هان ای مردم ! نزدیک است من دعوت حق را لبیک بگویم ...

من دو چیز گران مایه را در بین شما می گذارم ، یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیتم ؛ بر این دو پیشی نگیرید که هلاک می گردید ...

در آن لحظه حساس که تمام چشم ها به دهان مبارک رسول خدا صلی الله علیه وآله دوخته شده بود ، تو را صدا زد و تو از جهاز شتران بالا رفتی و در کنار برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله ایستادی ، و مردم همه به تو خیره شدند و منتظر بودند که بدانند جریان چیست ؟ !

در آن زمان حساس ترین و عالی ترین و پرمخاطره ترین صفحه تاریخ بشریت به وقوع پیوست ؛ رسول خدا صلی الله علیه وآله دستان تو را در دستان خود برافراشت و با ندای بلند به مردمان فرمود :

ای مردم ! سزاوارتر بر مؤمنان از خود آنان کیست ؟

همگی گفتند : خداوند و پیامبر او .

آنگاه برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود :

خدا مولای من و مولای مؤمنان است و من برای آن ها از خودشان اولی و سزاوارترم . هان ای مردم ! هر کس من مولای اویم ، این علی هم مولای اوست .

ص: 169

و سپس برایت دعا کرد و فرمود :

خداوندا ! کسانی که علی را دوست دارند ، دوست بدار و کسانی که او را دشمن دارند ، دشمن بدار ...

و فرمود :

حاضران به غائبان برسانند .

آنگاه که تو از منبر جهاز شتران پائین آمدی ، همه به سمت تو هجوم آوردند و با تو بیعت نمودند .

هلهله و شادی در میان مردم موج می زد و همه بر تو آفرین می گفتند .

سه روز در غدیر به امر برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله جشن و شادی برپا بود و همه با تو یا امیر مؤمنان ! بیعت کردند ؛ هر چند برخی در دل ناراحت و پریشان خاطر بوند ، اما ظاهر را حفظ نموده و با تو بیعت کردند .

در همان هنگام جبرئیل امین بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد و از طرف خداوند پیغام آورد که امروز دینتان را کامل کردم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد . و برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله بی درنگ بانگ زد :

اللَّه اکبر ! اللَّه اکبر ! سپاس خدای را بر کامل شدن دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت و خلافت علی بعد از من .

آری ! رسول خدا صلی الله علیه وآله ولایت و امارتت را - از جانب خدا - در آن عرصه عظیم به مردم ابلاغ فرمود و هیچ کس جز معاندان دین ، منکر آن نخواهند بود .

ص: 170

واقعه غدیر جاودانه است ؛ زیرا قرآن جاودانه است و نزول دو آیه (3 و 67 سوره مائده (از آیات قرآن ، پیرامون این واقعه غدیر را جاودانه ساخته است ؛ هر چند منافقان بعد از رحلت برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله امور را دگرگون کردند و نگذاشتند امور مسلمین در دستان خدائی تو باشد ؛ اما تو همواره امام و حجت خدا بودی هر چند بسیاری منکر تو شدند .

تو آن خورشید فروزان آسمان امامت و هدایت امت می باشی که خفّاش صفتان طاقت دیدن نور و جمالت را ندارند . پاکان عالم همه صورت های خود را بر آستان غدیر بر زمین می گذارند تا گرد و غبار آن سرزمین که با قدم های تو و برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله و ملائکه آسمان ها متبرک شده است را سرمه دیدگان خود کنند .

نوشیدن جرعه ای از شراب غدیر ، انسان را در ابدیت پرواز می دهد و همنشین پیامبران و فرشتگان می گرداند .

آنان که محتوای غدیر را منکر شدند، خود را از ابدیت طیّبه محروم ساختند .

ص :171

بخشی از حکمت نوزدهم

در بیان شهادت رسول خدا صلی الله علیه وآله

تقریباً دو ماه بعد از بازگشت از غدیرخم برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله در بستر بیماری افتاد و به تو خبر داد که عروجش نزدیک است . تو در آن مدت چون پروانه به دور وجود رسول خدا می گشتی و جز در کارهای ضروری لحظه ای حضور بر بالین او را ترک نمی کردی ...

تو خود شاهد بودی که چهره پیامبر غمناک و محزون بود و دائم با آن قلب پرگدازش به صورت دوست داشتنی تو نگاه می کرد .

آری ! برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله می دانست که چه توطئه هایی در شرف وقوع است ؛ او می دانست که بعد از رحلتشان چگونه مزد رسالتشان را می دهند و به تو و خاندانش جورها روا می دارند ...

... حال پیامبر صلی الله علیه وآله دگرگون شد و از هوش رفت ، وقتی به هوش آمد تو را صدا زد . تو در کنار بستر آن حضرت صلی الله علیه وآله نشستی ، برادرت خواست کمی از بستر برخیزد که تو پیامبر صلی الله علیه وآله را از بستر بلند نمودی و بر سینه خود تکیه دادی .

رسول خدا به تو فرمود :

یا علی ! سرم را بر دامنت بگذار که امر خدا فرارسید ، هنگامی که جان از تنم رفت ، خودت کار تجهیز مرا برعهده بگیر و پیش از همه مردم بر من نماز بگذار و تا مرا در قبرم دفن نکردی ، از من جدا مشو و از خداوند متعال یاری جوی .

تو سر مبارک رسول خدا صلی الله علیه وآله را بر دامان خود قرار دادی و گوش خود را نزدیک لب های مبارک او بردی ، برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله مدّت طولانی با تو سخن گفت و وقتی از تو پرسیدند پیامبر صلی الله علیه وآله به تو چه گفت ؟ پاسخ دادی : هزار باب دانش به من آموخت که هر باب هزار باب دیگر می گشود و به چیزی وصیّت کرد که ان شاء اللّه به آن عمل خواهم کرد .

چیزی نگذشت که علائم احتضار در وجود شریف رسول خدا صلی الله علیه وآله پدیدار گشت و تو سر مبارک رسول خدا صلی الله علیه وآله را بر سینه خود گزاردی و صورت را بر صورت مبارک آن حضرت گذاشتی . پیامبر صلی الله علیه وآله لب های خود را به ذکر خداوند حرکت می داد . سکوتی آمیخته با هزن و نگرانی همه جا را فراگرفته بود و مهاجران و انصار در بیرون خانه اجتماع کرده بودند و بی صبرانه نگران حال رسول خدا بودند که ناگهان لب های پیامبر صلی الله علیه وآله از حرکت باز ایستاد و روی هم افتاد و تو صورت را از صورت رسول خدا صلی الله علیه وآله برداشتی و در حالی که از چشمانت اشک جاری شده و بغض گلویت را فشرده بود ، فرمودی :

خداوند پاداش شما را در مصیبت پیامبرتان زیاد گرداند !

و این گونه بود که پیامبر مهر و رحمت و برترین مخلوق خدا با ترک

ص :175

دنیای خاکی به جایگاه ابد خود عروج نمود و با رحلت جانگداز وی باب رسالت تا ابد مسدود گشت .

برادرت رسول خدا به تو وصیت کرده بود که او را غسل دهی و کفن کنی و اولین بار به تنهایی بر او نماز گذاری ، و تو به وصیت پیامبر صلی الله علیه وآله عمل کردی ، پیکر مقدس او را غسل دادی و حنوط کردی و خودت به تنهایی بر او نماز گذاردی و سپس صحابه را اذن دادی تا بر او گروه گروه نماز بخوانند .

تو با دستان خودت پیکر مقدس و مطهر برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله را در قبر قرار دادی و خود لحد بر روی آن حضرت چیدی و تو بودی که آخرین نگاه را بر چهره رسول خدا صلی الله علیه وآله انداختی ، آنگاه که آخرین سنگ لحد را بر او قرار دادی .

سلام بر برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله که بی نظیرترین و برترین فرد بشر بود !

سلام بر برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله که خاتم انبیاء و گل سرسبد آفرینش و عصاره هستی و بهترین و شریف ترین مخلوق خدا بود !

و سلام بر تو یا اباالحسن که بعد از برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله ، تو برترین و عزیزترین مخلوق خدا هستی !

تو همیشه مطیع محض رسول خدا صلی الله علیه وآله بودی و خود را خادم آن حضرت می دانستی و همواره قلب رسول خدا صلی الله علیه وآله از تو شاد بود و چشمان مبارکش با دیدن تو مسرور .

تو مقامات بی کران را با تبعیّت مطلق از رسول خدا صلی الله علیه وآله و غلامی

آن حضرت علیه السلام به دست آوردی ؛ زیرا کاملاً آگاه بودی که اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه وآله همان اطاعت الهی است .

تو قدر رسول خدا را دانستی و برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله هم قدر تو را دانست و به مردم تذکر داد ؛ اما بیشتر مردمان نه قدر رسول خدا صلی الله علیه وآله را دانستند و نه قدر و منزلت تو را !

برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله همان خورشید جاودانه الهی است که تا ابد می درخشید و نور می افشاند و تو یا امیرالمؤمنین ! چون ماه پرفروغ بی زوالی هستی که در پرتوِ نور رسول خدا صلی الله علیه وآله برای همیشه در آسمان هدایت بشریت برتر از هزاران هزار خورشید کهکشان ها می درخشی و نور می افشانی .

سعادت مند و خوشبخت کسی است که دامان هردوی شما را بگیرد و خاک پای شما را سرمه دیدگان خود کند .

) در ادامه این کتاب بسیار ارزشمند از حکمت بیستم تا پایان کتاب ،) حکمت سی و سوم (دوران زندگانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله تا شهادت حضرتشان مطرح می شود و مباحثی همچون حمله به خانه آن حضرت ، شهادت حضرت زهرا علیها السلام ، دلائل سکوت امیرمؤمنان علیه السلام در زمان خلفا ، بیعت مردم با آن حضرت بعد از مرگ خلیفه سوم ، جنگ های خونین زمان آن حضرت علیه السلام و نهایتاً شهادت آن حضرت علیه السلام ، به صورت گسترده مطرح می گردد . در این جا ما فقط گزینه هایی از حکمت سی و سوم را می آوریم و خوانندگان محترم را به مطالعه کامل کتاب ارجاع می دهیم (.

ص :176

بخشی از حکمت سی و سوم

در بیان شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

... همه دلسوختگان عالم فدای خاک پای تو شوند یا امیرالمؤمنین !

تو را در حالی که صورت و لباست غرق در خون بود ، در گلیمی گذاشتند و چهار طرف آن را گرفتند و تو را به خانه گِلی کوچکت بردند .

خاک عالم بر سر عالمیان باد !

چه کسی فکر می کرد که روزی کَننده درِ قلعه خیبر را در گلیمی قرار دهند و به منزل ببرند ؟ !

تو را وقتی که به خانه بردند بیهوش بودی ؛ وقتی به هوش آمدی به دو فرزند عزیزت حسن و حسین علیهما السلام فرمودی :

ابن ملجم را زندانی کنید ، غذا و آب به او برسانید و با او خوش رفتاری کنید . اگر من از این زخم شفا یافتم و زنده ماندم ، خود بهتر می دانم که با او چه کنم ، اگر خواستم از او فدیه می گیرم و او را آزاد می کنم و اگر خواستم او را می بخشم .

و اگر از دنیا رفتم ، اختیار او با شماست ؛ هرگاه به کشتن او تصمیم گرفتید ، او را مُثلِه نکنید .

همه فرزندانت در حالی که گریه می کردند و بر سر و سینه خود می زدند ، دور تو جمع شده بودند . مردم کوفه که همه از آن جریان باخبر شده بودند ، دور بیت تو اجتماع نموده ، گریه می کردند و شیون می زدند .

همه فرزندان و کودکان یتیم کوفه - که تو هر شب برایشان آذوقه می بردی و دل هایشان را شاد می کردی - دور کلبه کوچکت حلقه زده بودند و می گریستند ؛ زیرا می دانستند که حقیقتاً یتیم شده اند .

... حالِ تو ساعت به ساعت وخیم و وخیم تر می گشت و چهره پرفروغت نورانی تر !

پزشکان و جرّاحان کوفه را برای درمان شکاف عمیق سرت جمع کردند و هیچ یک از آن ها حاذق تر و آگاه تر از » اثیر بن عمرو بن هانی « نبود ؛ او طبیب ماهری بود و کرسی طبابت داشت و جراحات را درمان می کرد .

اثیر بن عمرو بر بالین تو آمد ، به محل زخم سرت نگریست . شُش گوسفندی را که تازه و گرم باشد طلبید . شش را حاضر کردند . او رگی از آن بیرون آورد و آن را در درون زخم نهاد و آن را مکید و سپس آن را بیرون آورد و به آن نگاه کرد ، دید سفیدی اجزای مغز در آن دیده می شود ، عرض کرد :

ای امیرمؤمنان !

وصیت های خود را بکن ؛ زیرا ضربت دشمن خدا به مغز سرت رسیده است .

ص :178

آری !

وعده خدا در عروجت به سوی اعلاترین مراتب ملکوت نزدیک است . برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله مشتاقانه انتظار تو را می کشد که تو را سخت در آغوش بگیرد و ببوسد و دردهایت را تسکین دهد . همسر بزرگوارت صدیقه کبری علیها السلام ، نور خدا ، مشتاقانه منتظر تو است تا در چشمان نازنینت نگاه کند و مرهم غم هایت شود . تمام پیامبران و اولیاء خدا به امر خدا ، مشتاقانه در صفوفی منظم ایستاده اند تا هنگام مصافحه ات با برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله ، با ذکر صلوات ، گلبرگ های بهشت را بر سرتان بریزند . ملائکه خدا در بهشت ، دقیقه شماری می کنند تا با گام نهادن تو در بهشت ، بال های خود را با تبرّک جستن به خاک پایت تا ابد معطر گردانند .

سرتاسر سرزمین بهشت ، زیباترین زیورهای خویش را آشکار نموده تا تو را عاشقانه بر دیدگان خود جای دهد .

و از همه مشتاق تر ، مشتاق تر ، خدای تو است .

و آنگاه که آثار رحیل و پرواز به اعلی مرتبه ملکوت در سیمایت هویدا شد با همان صوت بی رمقت وصیت خود را نمودی ، همان وصیتی که اوج بندگی و وارستگی و آزادگی و عدالت در آن موج می زند ، همان وصیّتی که اگر هر یک از افراد بشر آن را سرلوحه حیات خود قرار دهد نه تنها در دنیا سعادت مند می شود ؛ بلکه با مرگ خود یکسره در ابدیت و رَوْح و ریحان الهی پرواز می کند !

وصیّتی که برای همه بشر تا روز قیامت سودمند است ، فرمودی :

شما را به ترس از خدا سفارش می کنم ، به دنیاپرستی روی

نیاورید ، گرچه سراغ شما آید و بر آن چه از دست می دهید اندوهناک مباشید ؛حق را بگوئید و برای پاداش الهی عمل کنید و دشمن ستمگر و یار ستم دیده باشید . شما را و تمام فرزندان و خاندانم را و کسانی را که این وصیت به آن ها می رسد ، به ترس از خدا و نظم در امور زندگی و ایجاد صلح و آشتی در میانتان سفارش می کنم ...

خدا را ! خدا را ! درباره یتیمان .

خدا را ! خدا را ! درباره همسایگان .

خدا را ! خدا را ! درباره قرآن و عمل به آن .

خدا را ! خدا را ! درباره نماز ؛ چرا که ستون دین شما است ...

امر به معروف و نهی از منکر کنید ...

آن گاه صدایت ضعیف و ضعیف تر شد و فقط ذکر خدا می گفتی ، مانند همان موقعی که سر رسول خدا صلی الله علیه وآله بر سینه ات در حال احتضار بود ، که لب های مبارکشان آهسته آهسته حرکت می کرد و ذکر خدا می گفت ؛ تا آن که آن لب ها از حرکت باز ایستاد و تو آنگاه با چشمان پر از اشک سر را بالا گرفتی و به دخترش فاطمه علیها السلام و همسرانش و آنان که در کنار بسترش بودند ، فرمودی : خداوند در مصیبت رحلت رسول خدا به شما اجر دهد ؛ همچنین لب های تو هم از حرکت باز ایستاد و فرزندت امام حسن علیه السلام سر را بالا گرفت و به برادرش امام حسین علیه السلام و خواهرش و برخی از یارانت که بر بالینت با چشمانی پر از اشک جان دادن تو را نظاره گر بودند ، تسلیت گفت .

آری !

تو چشم از دنیا بر بستی و به سوی رضوان الهی سفر نمودی ؛

اما سیمای جهان تاب تو تا ابد در صحنه گیتی نورافشانی می کند و قلب های مستعد را با نور خدا منوّر می گرداند .

تو زنده ای ، تو زنده جاویدی ! مرده دشمنان توأند ، مرده منکران توأند .

سلام خدا بر تو باد در همان روزی که در بیت اللّٰه الحرام متولد شدی و نیز همان روزی که در خانه خدا ضربت خوردی و نیز در همان روزی که برانگیخته می شوی !

... در مظلومیت تو بعد از مرگت همین بس که قبر مطهرت بیش از صد سال مخفی بود و در زمان فرزندت امام صادق علیه السلام بود که آن قبر مطهر به شیعیان معرفی شد .

سلام بر تو ای پرچم حقّانیت انکارناپذیر حق ! ای یکپارچه ترین مردان قرون دیرین !

ای دست خدا ! دست آسمان ! دست زمین !

سلام بر تو ای امیرالمؤمنین !

ای انسان فناناپذیر ! ای انسان جاودانی ! و ای مرد تکرارناپذیر تاریخ !

تو شمشیر برهنه در دست ، در وحشی ترین ادوار تاریخ زندگی به خاطر نجات بشر از چنگ ظلمت ، به خاطر رهایی بندگان گمنام بی گناه خدا از سیاه چال زندگی ، متین و مطمئن و سرافراز ، سینه بازت را پناهگاه ، قلب محبّت پرور نغمه پردازت را تپش به تپش به پای حقیقت ریختی !

ای گنجینه گرانبار مواهب الهی ! ای عنصر بی پایان فضیلت ! ای شخصیت بی نظیر و

جاودانه عالم ! ای تابناک ترین مظهر عبودیت خدا !

ای فروغ جهان تاب ابدیت ! ای سرچشمه سخا و کرم و جوانمردی ! ای شیر خدا و قهرمان میدان توحید و معرفت ! ای پیشتاز پیشتازان عالم در وصول به حق ! سلام خدا بر تو باد ! سلام خدا بر تو باد ! (1)

1- 257) در این کتاب تمام مباحث تاریخی و حدیثی در بخش حکمت نامه ها با استنادات فراوان از منابع شیعه و سنی (حدود 400 منبع) آمده است .

برخی از آثار منتشر شده مؤلّف

1 - سیمای جهان تاب) بیان مناقب والای امیرالمؤمنین علیه السلام و زندگی نامه آن حضرت در 720 صفحه وزیری (این کتاب به زبان انگلیسی و عربی نیز در حال ترجمه شدن است .

2 - سیمای جهان افروز) در بیان مناقب والای حضرت سیدالشهداء علیه السلام (

3 - امام حسین علیه السلام آسمانی ترین انسان بهشتی) به زبان انگلیسی در 407 صفحه در بیروت به چاپ رسیده است (.

4 - ابن عربی از نگاهی دیگر) مجموعه ای مفصل در نقد عرفان و عقاید و مذهب ابن عربی ، چاپ دوم آن در 700 صفحه وزیری به چاپ رسیده است این کتاب توسط بسیاری از مراجع عظام تقلید و علمای جهان تشیع مورد تأیید قرار گرفته است (.

5 - عجایبی از صحاح) نگاهی جامع بر صحاح سته اهل سنت (

6 - چه کسانی نمی فهمند ؟ !) در نقد عرفان التقاطی و تفکرات یونانی (

7 - ستارگان هدایت) در بیان مناقب خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام (

8 - معارف حقیقی در صحیفه سجادیه) کتابی مفصل در مقایسه معارف نورانی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام با معارف بشری (

ص: 183

9 - حدیث کوی دوست) شوق وصال یار ، به زبان شعر (

10 - همراه با خورشید) کتاب صوتی زندگانی امیرمؤمنان علیه السلام با شیوه ای نو (این اثر - که برگرفته از کتاب سیمای جهان تاب است - در 30 ساعت با قرائت مؤلّف کتاب عرضه شده است .

به کارگیری گسترده از تکنیک های جدید صوتی مانند : میکس ، ریمکس ، افکت های گوناگونی صوتی ، فنون بیانی و جلوه های دیگر هنریِ ترکیب شده با انواع مداحی های استدیوییِ متناسبِ با موضوع بحث ، کار فوق را) بدون استفاده از موسیقی (بسیار جذّاب و بی نظیر ساخته است ، به گونه ای که دل های محبّان آن حضرت را می لرزاند و اشک ها را جاری می سازد .

این اثر را به همه دلباختگان و عاشقان امیرالمؤمنین علیه السلام تقدیم می نماییم .

ص: 184

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109